

کوچه

با تو گفتم:

حذر از عشق؟

ندانم

سفر از پیش تو؟

هرگز نتوانم

روز اول که دل من به تمنای تو پر زد

چون کبوتر لب بام تو نشستم

تو بمن سنگ زدی، من نه رمیدم، نه گسستم

باز گفتم که تو صیادی و من آهوی دشتم

تا به دام تو درافتم همه جا گشتم و گشتم

حذر از عشق ندانم

سفر از پیش تو هرگز نتوانم، نتوانم

اشکی از شاخه فرو ریخت

مرغ شب ناله تلخی زد و بگریخت

اشک در چشم تو لرزید

ماه بر عشق تو خندید

یادم آید که دگر از تو جوابی نشنیدم

پای در دامن اندوه کشیدم

نه گسستم، نه رمیدم

رفت در ظلمت غم آن شب و شبهای دگر هم

نه گرفتی دگر از عاشق آزرده خبر هم

نه کنی دیگر از آن کوچه گذر هم

بی تو اما به چه حالی من از آن کوچه گذشتم

فریدون مشیری

بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم

همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم

شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم

شدم آن عاشق دیوانه که بودم

در نهرانخانه جانم گل یاد تو درخشید

باغ صد خاطره خندید

عطر صد خاطره پیچید

یادم آید که شبی با هم از آن کوچه گذشتیم

پر گشودیم و در آن خلوت دلخواسته گشتیم

ساعتی بر لب آن جوی نشستیم

تو همه راز جهان ریخته در چشم سیاهت

من همه محو تماشای نگاهت

آسمان صاف و شب آرام

بخت خندان و زمان رام

خوشه ماه فرو ریخته در آب

شاخه ها دست بر آورده به مهتاب

شب و صحرا و گل و سنگ

همه دل داده به آواز شباهنگ

یادم آید تو بمن گفتی:

ازین عشق حذر کن!

لحظه ای چند بر این آب نظر کن

آب آئینه عشق گذران است

تو که امروز نگاهت به نگاهی نگران است

باش فردا که دلت با دگران است

تا فراموش کنی چندی ازین شهر سفر کن!

Global Rug Specialist
Handwash-Repair-Sell
(650)965-7847 (408)892-7847
825 W. El Camino Real, Mountain View

Selahi Insurance Agency
مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه،
متناسب با نیازهای شخصی و تجاری،
از معتبرترین شرکت ها
♦ سلامتی ♦ مسکن ♦ اتومبیل، قایق و موتورسیکلت
♦ محل کسب و از کار افتادگی ♦ عمر و هزینه فوت
(408) 931-6434
4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA
سحر سلاحي
Lic:0G47139

فرهنگسرا و مدرسه فارسی رازی



ما مفتخر هستیم که بعضی از اساتید
فرهنگسرای رازی برندگان جوایز بین المللی هستند!

♦ آموزش فارسی ♦ تمامی سازهای موسیقی ایرانی ♦ آواز و تصنیف خوانی ♦ آرف ♦ رقص ایرانی ♦ کامپیوتر
♦ نقاشی ♦ کاردستی ♦ سلفژ ♦ جواهر سازی و غیره، تحت نظر مدرسین و نوازندگان با تجربه و چیره دست!

* کلاس های موسیقی توسط متخصصین هر ساز موسیقی

* دو ماه کلاس های فارسی به طور رایگان

* ارائه کلاس های فارسی با روش جدید آموزشی و تلفیقی، همراه با استفاده از کامپیوتر لب،

فعالیت های آموزشی و سرگرم کننده و بازدیدهای آموزشی تحت نظر معلمین با تجربه

* روزهای دوشنبه تا جمعه، از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر، کلاس و برنامه های آموزشی برای

دانش آموزان، بعد از تعطیلی مدارس After School Program

برای اطلاعات بیشتر لطفا با دفتر مدرسه تماس حاصل فرمایید!



پرنامه های روزانه در این اردو شامله
هنر و نقاشی، رقص، ورزش،
جواهر سازی، زبان فارسی و غیره است.

اردوی تابستانی

ثبت نام در دومین اردوی تابستانی فرهنگسرای رازی
برای گروه سنی ۴ سال به بالا از هم اکنون آغاز می شود.

شروع اردو از تاریخ ۸ جون تا ۱۷ آگوست

اردوها از روز دوشنبه تا جمعه و از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر برگزار می شوند.

شب شعر با موسیقی زنده

با همکاری شاعر و نویسنده، مسعود سپند

زمان: اولین جمعه هر ماه ساعت: ۶:۳۰ عصر (۹:۰۵ دیه) ۴ دلار با صرف چای، قهوه و شیرینی

Like us on Facebook:

Razi Farsi School & Art Academy

www.raziacademy.com

info@raziacademy.com

(408) 828-8494



4125 Blackford Ave. #145, San Jose, CA 95117

پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

(916)442-9999

980 9th Street, 16th Floor
Sacramento, CA 95814

(408)777-8867

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

(925)777-0432

425 Market Street, Suite 200
San Francisco, CA 94105

ورود زنان به ورزشگاهها مجاز شد

پس از کشورقوسهای فراوان بالاخره با حضور زنان در ورزشگاهها موافقت شد. یک مقام مسئول در وزارت ورزش و جوانان اعلام کرد شورای امنیت کشور با ورود زنان به ورزشگاهها موافقت کرده و این طرح امسال اجرایی می شود.

احمدی با اشاره به اینکه این طرح سال گذشته به شورای امنیت کشور فرستاده شده گفت: این طرح تأیید شده و امسال اجرایی خواهد شد. او با تأکید بر اینکه سالنهای ورزشی را باید به سمت حضور خانوادهها برد تا با خروج از حالت تک بعدی فضای

سالنهای ورزشی تلطیف شود، گفت: این طرح مجموعه ای از ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و شرعی است، البته در برخی رشته های ورزشی نه خانوادهها طالب حضور هستند و نه امکان حضور وجود دارد، زیرا تعدادی از این ورزشها مردانه



است. معاون وزیر ورزش و جوانان درباره اجرایی شدن این طرح در سراسر کشور گفت: پیش بینی هایی در این زمینه صورت گرفته است و حضور خانمها و خانوادهها در سالنهای ورزشی به تناسب رشته ها بستگی دارد که ما نیز تصمیم داریم این طرح را در سال جاری اجرا کنیم. احمدی درباره مهم ترین برنامه های این وزارتخانه در سال جاری توضیح داد: برنامه های متعددی در دستور کار این وزارتخانه قرار دارد که به ترتیب اولویت در شورای معاونین مطرح و دنبال می شود.

او با اشاره به برگزاری نخستین نشست شورای معاونین ادامه داد: یکی از مهم ترین موضوعات این نشست بررسی اصلاح اساسنامه فدراسیون هاست که جزء اولویت اصلی این وزارتخانه خواهد بود. معاون

این درحالی است که حضور زنان در ورزشگاهها در سال گذشته یکی از جنجالبرانگیزترین موضوعات بود؛ جنجالی که از ممانعت حضور بانوان در ورزشگاهها برای تماشای والیبال آغاز شد و در پایان با از دست دادن میزبانی ایران در جام ملت های آسیا و اظهارات علی کفاشیان مبنی بر اینکه ورود زنان خارجی به ورزشگاهها مانعی ندارد به اوج خود رسید و واکنش بسیاری از فعالان حوزه زنان را در پی داشت.

معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهش وزیر ورزش و جوانان از تأیید طرح پیشنهادی این وزارتخانه برای حضور خانمها و خانوادهها در سالنهای ورزشی از سوی شورای امنیت کشور خبر داد. عبدالحمید

وزیر ورزش از دیگر برنامه های این وزارتخانه را پیگیری و حمایت های لازم درباره کسب سهمیه المپیک ریو برشمرد و گفت: ساماندهی باشگاههای خصوصی که خدمات عمومی ورزشی ارائه می کنند از دیگر برنامه هاست. ایرنا نوشت؛ به گفته معاون وزیر ورزش و جوانان دنبال کردن موضوعات آموزشی برای مدیران و مربیان به طور تخصصی تر نیز از دیگر مواردی است که در دستور کار این وزارتخانه قرار می گیرد.

فانمها مق فود را مطالبه کردند

احمدی درحالی از حضور زنان در ورزشگاهها در سال جاری خبر داد که اسفند سال گذشته اظهارات علی کفاشیان درباره بدون منع بودن حضور زنان خارجی در استادیومها موجی از انتقادات و واکنشها را در پی داشت. علی کفاشیان که پس از انتخاب نشدن ایران برای میزبانی جام ملت های آسیا به صحبت های سب بالاتر که یکی از دلایل واجد شرایط نبودن ایران را برای میزبانی جام ملت های آسیا جلوگیری از حضور زنان در ورزشگاهها عنوان کرده بود، گفت: برای برگزاری جام ملت ها معیارها و ملاک های زیادی وجود دارد که تنها یکی از آنها بحث حضور بانوان است و این بحث بسیار کوچکی در برابر معیارهای دیگر دارد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۳**

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اسطوره سیزدهم فروردین (زنده یاد دکتر بهرام فره وشی)
صفحه ۶	اخبار
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با هادی خرسندی-حکایت
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	اخبار
صفحه ۱۲	زنان شاعر و اندیشه جامعه ایرانی (هما گرامی-فره وشی)
صفحه ۱۳	اخبار
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	خاطرات در گذر زمان (هوشمند عقیلی)
صفحه ۱۶	جشنواره بین المللی فیلم تیران (سعید شفا)
صفحه ۱۷	نوشخند، یونخند، لیخند و زهرخند (عزت گودرزی)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشت های بی تاریخ (صدرالدین الهی)-حکایت
صفحه ۲۱	تبلیغ
صفحه ۲۲	از درگوشی ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	کمپانی کلمبیا (فرسیا اعتمادزاده)-اخبار
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)
صفحه ۲۵	سوء استفاده مالی از سالمندان (کاملیا محمودی)
صفحه ۲۶	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۷	اخبار
صفحه ۲۸	انرژی مثبت... (پریناز کدخدایان)
صفحه ۲۹	اخبار
صفحه ۳۰	زنانی مهربان و سستی خشن (رایحه مظفریان)
صفحه ۳۱	مولوی و عشق (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	حافظ و قران (بهرام گرامی)-حکایت
صفحه ۳۳	داستان
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول
صفحه ۳۵	نیازمندیها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	قدرت فکر، نیروی عشق، راز خوشبختی (آرایه نوروزی)
صفحه ۳۷	خیلی قدیم های تهران (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	با قوانین ایران بیشتر آشنا شویم (ندا نهایندی)
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	مورد نه چندان عجیب... (نعیمه دوستدار)
صفحه ۴۳	تبلیغ
صفحه ۴۴	تا نظر شما چه باشد
صفحه ۴۵	دنباله مطلب
صفحه ۴۶	دنباله مطلب
صفحه ۴۷	دنباله مطلب
صفحه ۴۸	آگهی
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی



در خواست اشتراک نشریه پژواک

(408)221-8624

PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست

در آمریکا: یکساله ۷۰ دلار

برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل فود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

ماهنامه پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر (از سال ۲۰۰۶): افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱-۴۰۸

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳-۴۰۸

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,
SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak of Persia has been compiled as carefully as possible and cannot guarantee the correctness of all information that has been gathered and contained herein and does not accept any responsibility for any errors and omissions.

در ایران محرومند. ایجاد انگیزه مالی برای دادن حکم سازش و ندادن حکم طلاق بر خلاف اصولی است که از قضات می‌خواهد در مورد مسایلی که به آنها رجوع می‌شود بدون جهت گیری و بیطرفانه تصمیم گیری کند. بدون اینکه این ماده هیچگونه توجهی به سابقه خشونت خانگی و قابل دسترس بودن یا مطلوب بودن آشتی در خانواده‌ای بکند که زن مورد خشونت قرار گرفته. این واقعاً جای نگرانی است که به جای برداشتن گام‌های موثر و فوری برای مقابله با خشونت علیه زنان مقامات قانونی را در دست بررسی دارند که خشونت را به عنوان یک موضوع خانوادگی خصوصی تلقی می‌کند که بهتر است از طریق مشاوره و میانجی‌گری و صلح و سازش حل شود و نه برخورد جدی و مجازات عاقلان خشونت علیه زنان.»

در پایان این گزارش ۴۵ صفحه‌ای سازمان عفو بین‌الملل خواسته‌های مشخص را از دولت ایران طلب کرده است؛ رها بحرینی از خواسته‌های عفو بین‌الملل می‌گوید: «عفو بین‌الملل به مقامات ایران تذکر می‌دهد که تحمیل بارداری به زنان ایران سلب حق خودمختاری و تصمیم‌گیری آزادانه در مورد تعداد فرزندان و فاصله میان آنها است. دنباله مطلب در صفحه ۵۱»

نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای را تقویت کند و زنان را به همسرداری و مادری تقلیل دهد. ایران همین الان یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت زنان در نیروی کار را در سطح جهان دارد. اگر طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده به شکل آموزش تصویب شود زنان بیش از پیش با تبعیض مواجه می‌شوند به دلیل اینکه ماده ۹ این طرح شرکت‌های خصوصی و عمومی را مجبور می‌کند که اولویت را در استخدام اول به مردان یا فرزندان و بعد مردان متأهل بی‌فرزند و بعد به زنان با فرزند بدهند. این مقررات مصداق بارز تبعیض بر اساس جنسیت و وضعیت تاهل است که مغایر تمامی تعهدات حقوق بشری ایران است.»

اما از دیگر نکاتی که در طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده در نظر گرفته شده محدود کردن وقوع طلاق در ایران است. نکته‌ای که در گزارش سازمان عفو بین‌الملل هم به آن اشاره شده است رها بحرینی در این باره می‌گوید: «ماده ۱۹ این طرح تعداد پرونده‌های مختومه منجر به صلح و سازش در دعاوی خانوادگی را مبنای ارزیابی عملکرد و اعطای پاداش به قضات و وکلا می‌دهد و این قوانین قطعاً تأثیر نامتناسبی به روی زنان خواهند داشت که پیشاپیش از حق برابر دسترسی به طلاق

تنزل مقام زنان به «ماشین تولید کودک»

رویا کریمی مجد

سال ۱۳۹۳ پایان یافت و هنوز طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده که در خردادماه سال ۱۳۹۲ مطرح شد به تصویب نرسیده. هرچند مجلس ایران قرار است این طرح را به زودی به رای بگذارد. این طرح که در ایران هم واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت مورد توجه سازمان عفو بین‌الملل هم قرار گرفته و این سازمان با انتشار گزارشی ۴۵ صفحه‌ای اعلام کرده که تصویب این طرح حقوق زنان ایرانی را ده‌ها سال به عقب می‌راند و زنان را به ماشین تولید کودک تبدیل می‌کند.

طور کامل قطع شده و این یعنی میلیون‌ها زن و دختر در ایران دیگر نه به قرص و خدمات دیگری که تنظیم خانواده در ایران فراهم می‌کرد، دسترسی خواهند داشت و نه

رها بحرینی کارشناس بخش ایران سازمان عفو بین‌الملل در مورد دلایل توجه این سازمان به موضوع طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده می‌گوید:

به عمل جراحی بستن لوله. این یعنی میلیون‌ها زن و دختر در ایران در وضعیت غیرانسانی قرار می‌گیرند که باید بین باروری‌های ناخواسته مکرر و طاقت‌فرسا و توسل به عمل سقط



جنین غیرقانونی و خطرناک یکی را انتخاب کنند و در هر صورت آسیب فراوانی نسبت به سلامت روانی و جسمی را متحمل شوند.»

در این گزارش همچنین به مسئله استخدام زنان در سازمان‌های دولتی پرداخته شده و اعلام شده که استخدام زنان در اولویت استخدامی سازمان‌ها و نهادهای دولتی ایران قرار ندارند. آن طور که رها بحرینی می‌گوید سازمان عفو بین‌الملل نسبت به این موضوع هم اعتراض خودش را اعلام کرده: «این تبعیض جدیدی که در زمینه اشتغال برای زنان مطرح شده در راستای همین سیاست‌های جدید جمعیتی است که زنان را می‌خواهد به کنج خانه بنشاند و

»به طور مشخص این طرح‌ها حق برخورداری از سلامت جنسی و باروری زنان را تهدید می‌کنند. طرح اول یعنی طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت در صورت تصویب بستن لوله‌های رحم زنان را به منظور پیشگیری دائم از باروری خلاف قانون اعلام می‌کند و علاوه بر آن، ارایه اطلاعات در مورد روش‌های پیشگیری از بارداری را ممنوع می‌سازد. این طرح عواقب بسیار نگران‌کننده‌ای می‌تواند داشته باشد. وقتی ممنوعیت درج شده در آن را در کنار قطع بودجه برنامه تنظیم خانواده در ایران بررسی کنیم. بودجه برنامه تنظیم خانواده از سال ۲۰۱۲ به

FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه



Realtor & Mortgage Specialist
for San Jose & Bay Area

از موقعیت استثنایی پائین بودن نرخ بهره
و وام‌های بدون کارمزد استفاده نمائید

سال‌ها تجربه، قابل اعتماد و شناخته شده

(408) 605-1138

moeharandi@yahoo.com

DRE#01183647 ♦ NMLS#332989



4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

AAA Multi-policy Discount

You could save when you bundle your Auto, Home or Life policies. Get a Quote today.



Foruz Yassini

AAA Montclair
2220 Mountain Blvd., Suite 120
Oakland, CA | 94611
License #: 0G19594

AAA can help make sure you have the right amount of coverage to protect you, your property and your love ones. Combine your policies and discover the value of personal service.

فروز یاسینی نماینده مشاور بیمه

Call or visit me today.

(510) 336-7120 Foruz.Yassini@goAAA.com

شرکت معتبر بیمه AAA می‌تواند شما و عزیزانتان را با بهترین بیمه، سرویس دوستانه و با ارزانه‌ترین قیمت حفاظت کند.

Insurance products offered through AAA Northern California Insurance Agency License #0175968 and CSA Life Insurance Agency License #0D12130. Insurance Provided by CSA Insurance Group & AAA Insurance Life Insurance underwritten by our affiliate, AAA Life Insurance Company Livonia, MI. Discount provided by AAA Life is licensed in all states except NY. CSA Life Insurance Agency License #0D12130 (ALCS-21619-913XX). Discounts vary by state. Not all discounts are available in every state and are subject to eligibility requirements. Ask your AAA Insurance Agent for details. © 2015 AAA Northern California, Nevada & Utah. All rights reserved.

اوباما: توافق با ایران تاریخی بود

آمریکا امروز توانست به همراه متحدان و شرکایش با ایران به یک تفاهم تاریخی برسد که اگر کامل اجرا شود، ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای باز می‌دارد. من به عنوان رییس‌جمهور و فرمانده کل قوا، مسؤلیتی بزرگ‌تر از حفظ امنیت مردم آمریکا ندارم. من متقاعد شدم اگر این چارچوب به توافق جامع بیانجامد کشورمان و متحدان ما و نیز جهان امن تر خواهند بود.

متن کامل سخنان باراک اوباما پس از بیانیه لوزان

«امروز آمریکا همراه با شرکا و متحدان ما، به یک تفاهم تاریخی با ایران دست یافته‌اند که اگر به‌طور کامل اجرا شود، مانع از دستیابی ایران به سلاح اتمی خواهد شد. به‌عنوان رئیس‌جمهور و فرمانده، هیچ

جدی به میز مذاکره بیاید. زمانی که این اتفاق رخ نداد، ما جهان را برای اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها علیه این کشور، بسیج کردیم، تحریم‌هایی که تأثیر عمیقی بر اقتصاد ایران داشته است. تحریم‌هایی که نمی‌توانست برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند اما ایران را مجبور کرد که به میز مذاکره بازگردد. به‌خاطر تلاش‌های دیپلماتیک ما، جهان کنار ما ایستاد و ما همراه با شرکای جهانی خود، انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین و همین‌طور اتحادیه



اروپا، به میز مذاکره ملحق شدیم. طی یک سال گذشته، ما نخستین گام را به‌سوی چارچوب امروز با یک توافق که پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند و این برنامه را در بخش‌های اصلی به عقب بازگرداند، برداشتیم.

به یاد بیاورید که در آن زمان، کسانی که شک و تردید داشتند می‌گفتند که ایران احتمالاً قلب خواهد کرد، و ما نمی‌توانیم پایبندی ایران را مورد راستی‌آزمایی قرار دهیم و توافقنامه موقت هسته‌ای با شکست روبه‌رو خواهد شد. به‌عوض، این روند به‌دقت همان‌طور که انتظار می‌رفت، به پیش رفته است. ایران به همه تعهدات خود عمل کرده است. ایران ذخایر مواد هسته‌ای

مسئولیتی بزرگتر از امنیت مردم آمریکا ندارم. من متقاعد شده‌ام که اگر این چارچوب منجر به یک توافقنامه نهایی و جامع شود، این توافق، کشور ما، متحدان ما و جهان ما را امن‌تر خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران برای دهه‌ها برنامه هسته‌ای خود را توسعه داده است. زمانی که من رئیس‌جمهور شدم، ایران هزاران سانتیفریوژ را به کار انداخته بود که می‌توانست مواد لازم برای بمب هسته‌ای را تولید کند و ایران تأسیسات هسته‌ای خود را پنهان کرده بود. من به‌روشنی اعلام کردم که ما حاضریم تا این مسئله را از طریق دیپلماتیک حل و فصل کنیم ولی تنها به‌شرطی که ایران با یک روش

مصرف شده در رآکتور اراک به خارج از ایران منتقل خواهد شد. ایران یک رآکتور آب سنگین نخواهد ساخت. و ایران اقدام به پردازش مجدد سوخت از رآکتورهای موجود خود نخواهد کرد.

دوم، این توافق، مسیر ایران به‌سوی یک بمب با استفاده از اورانیوم غنی‌شده را قطع خواهد کرد. ایران موافقت کرده تا تعداد سانتیفریوژهای نصب‌شده تا دوسوم کاهش یابد. ایران دیگر در تأسیسات فردو برای ۱۰ سال آینده اورانیوم غنی‌سازی نخواهد کرد و بخش عمده‌ای از اورانیوم ایران خنثی خواهد شد. امروز، برآوردها نشان می‌دهد که ایران تنها دو تا سه ماه تا گریز هسته‌ای فاصله دارد یعنی زمانی که ایران می‌تواند از مواد خام برای تولید یک بمب اتمی استفاده کند. بر اساس این توافق، ایران موافقت کرده است تا مواد هسته‌ای مورد نیاز برای تولید یک سلاح را ذخیره نکند. حتی اگر ایران توافق کنونی را نقض کند، حداقل تا ده سال آینده، حداقل یک سال تا گریز هسته‌ای فاصله خواهد داشت و منابع مورد نیاز برای تولید بمب نخواهد داشت و اعمال محدودیت‌ها علیه ذخایر ایران ۱۵ سال ادامه خواهد یافت.

دنیاله مطلب در صفحه ۴۷



دفتر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services

✓ Integrity ✓ Respect
✓ Commitment ✓ Expertise

Advisor You Can Count On!

با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می‌دهیم

Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

- ♦ Accounting & Auditing
- ♦ Tax Consulting
- ♦ Tax Preparation
- ♦ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

- ♦ حسابداری و حسابرسی
- ♦ برنامه ریزی مالیاتی
- ♦ مالیات بر درآمد
- ♦ کلیه امور حسابداری

Work: (209)835-9655 (408)440-9622

Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ♦ behnamaccounting@yahoo.com

504 W 11th Street, Tracy, CA 95376



به مدیریت دکتر منصور سپهر

با بیش از ۲۰ سال تجربه در تمیز کردن آب و خاک در خشکسویی ها و پمپ بنزین هایی که آلودگی مواد شیمیایی دارند!

- ♦ Phase I & II Environmental Site Assessment
- ♦ Regulatory Compliance Monitoring
- ♦ Soil & Groundwater Remediation
- ♦ Site Closure

Tel: (925)734-6400 Cell: (925)381-3247

6620 Owens Drive, Suite A, Pleasanton, CA 94588

هائی که در جهان هستی وظیفه آنها جنگ در برابر اهریمن است، پس از این دوازده هزار سال، پیروزی نهائی بر اهریمن می یابند و با ظهور سوشیات آخرین نیروی اهریمنی از میان می رود و جنگ اورمزد برضد اهریمن با پیروزی پایان می یابد. از آن پس دیگر جهان مادی وجود نخواهد داشت و آدمیان به جایگاه ابدی خویش به عالم مینو باز می گردند. با دانستن این مقدمه می توان گفت که نخستین دوازده روز جشن زایش انسان ها گویا تمثیلی از این ۱۲ هزار سال زندگی و زایش انسان هاست و روز سیزدهم تمثیلی از هزاره سیزدهم می تواند باشد که آغاز رهاش از جهان مادی است و از اینرو روز سیزدهم می تواند روز بازگشت ارواح به مینو و روز بزرگ رامش گیلهانی باشد.

در متون کهن فارسی ذکری از بیرون شدن از خانه ها و به صحرا رفتن در روز سیزدهم فروردین نشده است. در جشن های بهاره ساسانی رسم بر این بود که در روز ششم نوروز محصولی را که بر روی دوازده یا هفت ستون خشتی کاشته بودند بانوای موسیقی و رقص و بازی جمع می کردند و آنها را میان تالارهای کاخ می پراکندند و ستونها تا مهر روز از فروردین ماه یعنی روز شانزدهم باقی می ماند. رسم جشن و شادی روز ششم فروردین ماه هنوز در میان زرتشتیان ایران برجاست و در روز ششم فروردین که بنام روز زایش زرتشت جشن گرفته می شود، زرتشتیان ایران به شادی و رامش می پردازند و به گشت صحرا و بیابان می روند. اما چنانکه گذشت مراسم روز سیزدهم با وجود آنکه در متون فارسی نیامده بطور سنتی در میان قوم ایرانی باقی مانده است و قدمت آن بپایه نوروز و هنگام تدوین تقویم اوستائی می رسد.

و دف زنان میرقصند و خر را میرقصاند. این شکل کارناوالی که نماینده حلول ارواح است در بسیاری از سرزمین های اسلاوی امروزی هم دیده می شود و جوانان به هنگام جشن بهار خود را باینسان می آریند تا نمایشگر ورود ارواح بزمین باشند.

در برخی از سرزمین های اسلاوی یک دوره دوازده روزه جشن های کارناوالی در آغاز سال نو وجود دارد که ریشه عمیق هند و اروپائی دارند. در این جشن ها مردم با ماسک های حیوانات گوناگون که نماینده ارواح هستند میرقصند و بنا بر فولکلور این سرزمین ها، دوازده روح پلید در تمام مدت سال ستون هائی را که دنیا بر آنها قرار گرفته است میجویند و هنگامی که ستون ها در شرف فرو افتادن هستند، سال به آخر می رسد و ارواح خبیث برای جشن و شادی بروی زمین می آیند و در مدتی که مشغول رقص و شادی هستند، ستونهای جهان به خودی خود مرمت می شوند و بحال نخستین در می آیند و جهان فرو نمی ریزد. این ارواح در روز سیزدهم سال نو باز به زمین فرو می شوند تا کار خود را از سر گیرند. بنابراین دوازده روز آغاز سال روزهای پراهمیتی هستند و وظیفه مهمی را در نگاه داشت جهان و زندگی بشری دارند و روز سیزدهم آغاز زندگی عادی انسان هاست. بنابراین اعتقاد اسلاوی، روز سیزدهم می بایستی روز جشن نجات جهان و دوره تکامل جدید ستونهای جهان باشد و دور نیست که جشن سیزده نوروز ایرانی نیز از این اعتقاد هند و اروپائی مایه گرفته باشد.

در اساطیر ایرانی عمر جهان هستی ۱۲ هزار سال است و عدد ۱۲ از بروج دوازده گانه گرفته شده است و پس از این ۱۲ هزار سال دوره جهان بسته می شود و انسان



اسطوره سیزدهم فروردین

نقل از کتاب «جهان فروری»

اثر زنده یاد دکتر بهرام فره وشی

یکی از هدف های مراسم قدیم کارناوالی که در جشن های بهاری انجام میشده و می شود، پدید آوردن شادی در نهاد مردمان است که بقایای آن در مراسم نوروزی و حاجی فیروز هنوز برجای مانده است. در میان ملل هند و اروپائی بویژه ملت های اسلاوی، هنوز جشن بهار با مراسم باشکوه کارناوالی برگزار می شود و قراینی تاریخی در دست است که می رساند جشن بهاره ایرانی نیز روزگاری همراه با مراسم کارناوالی بوده است. ابوریحان بیرونی از «برنشتن کوسه» ذکری می کند و آن چنان بوده است که: «آذرماه بروزگار خسروان اول بهار بوده است و به نخستین روز از دی از بهر فال مردی بیامدی کوسه، برنشته بر خری و بدست کلاغی گرفته، و به بادبیزن خویشتن باد همی زدی و زمستان را وداع همی کردی و ز مردمان بدان چیزی یافتی و به زمانه ما به شیراز همین کرده اند...».

و این برنشتن کوسه، نوعی رسم کارناوالی است که نوع دیگر آن هنوز در برخی از شهرها و روستاهای ایران به ویژه هنگام سیزده نوروز، معمول است و آن، چنانست که مردی قسمت قدیمی و خلفی خری یا اسبی را که از پارچه و کاغذ ساخته شده است بر پیش و پس خویش می بندد و خود را به شکل موجودی افسانه ای در می آورد که قسمت بالای آن چهره انسان و قسمت پائین آن بشکل خری یا اسب است

رسم بیرون رفتن از خانه در روز سیزدهم فروردین ماه و آن روز را به شادی و خرمی و خوشی گذراندن از رسوم دیرین ایرانی است و آخرین قسمت از مجموعه رسم های جشن بهاری است که با شب سوری (یا سرخی) و آتش افروزی آغاز می شود و پس از برگزاری مراسم سال نو، در روز سیزده فروردین پایان می یابد. رسوم شب سوری و گاهی در برخی از روستاهای ایران، رسوم جشن سده، دوره جشن بهاری را می گشاید و سیزدهم نوروز آن را پایان می دهد.

این جشن با آیین های مذهبی آغاز می شود و با شادی و خنده که نوعی تزکیه نفس و جزء آداب دینی است همراه است. خنده و شادی در این روزها معنای تمثیلی فرو ریختن اندیشه های تیره و پلید را دارد. اندیشه های تیره ره آورد اهریمن و فرزندان اوست و انسان در جشن آغاز سال از همه اندیشه های بد تهی می شود. دشمنی ها را فرو می گذارد و نهال دوستی های می نشاند و آشتی ها و روبوسی ها آغاز می شود و این یک تزکیه است، همانگونه که به گرمابه رفتن و شستشو پیش از تحویل سال و خانه تکانی و گردگیری خانه که از رسوم دیرینه است نوعی آیین تطهیر است و ایرانی با تطهیر ظاهر و تزکیه درون به پیشباز نوروز و سال نو می شتابد. خنده و شادی در جشن های بهاری ملل دیگر هند و اروپائی گاه جزئی از مراسم دینی است و باید انجام شود و

دکتر میشل حق پناه

متخصصی در دندانپزشکی اطفال - کودکان - نوجوانان



"Healthy smiles start here"



*روش های پیشگیری * رژیم غذایی * درمان با استفاده از داروهای آرامش بخش و یا تحت بیهوشی کامل * بیماری های لته کودکان * درمان های اورژانسی

*Preventive Dentistry *Sedation & General Anesthesia *Special Care Patient Management

(408)866-3000

Dr. Michelle Haghpanah, D.D.S., M.P.H.

1480 Saratoga Ave., Saratoga, CA 95070

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین



Iman Laleparvar
MS Electrical Engineering
UCLA Graduate

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

♦Professional Tutor, one on one & group all ages
(1st-12th grade & College) ♦Specializing in SAT Math
Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com



فکر می کردم جنازه انسانیت را دفن می کنم. هنوز در شوک هستم و فکر می کنم کابوس می بینم... احساس می کردم بخشی از وجود من در تابوت است و می خواهم خودم را دفن کنم." رادا

گفت غمی که در دل نزدیک به سی زن از خانه تا قبرستان تابوت فرخنده را همراهی کردند داشت تمام بدنش را و به نوبت آن را به یکدیگر سپردند. شماری از مردان دور آنها حلقه بی حس کرده بود و زده و دایره‌ای را برای محافظت شان ایجاد کردند.

عدالت...خواهران فرخنده او را با عزت و حرمت همراه با مردان کابل به دل خاک سپردند. امروز کابل بوی آشتی با زن و زنانگی داشت. امروز بوی امنیت و همدلی داشت. امروز روز فرخنده بود! حالا نوبت دولت افغانستان است که با پیگیری و مجازات عاملین این قتل گروهی، صداقت خود را در حفظ ناموس کابل به اثبات برساند."

برداشتن تابوت توسط زنان نه تنها در افغانستان بلکه در تاریخ اسلام کم نظیر بوده است. شماری از ملامامان مساجد پس از این کار توسط زنان، حتی آن را تقبیح هم کردند و یکی از آنها این حرکت را «بدتر از لت و کوب فرخنده» خواند.

شماری می گویند که این حرکت زنان افغان الگو برداری از حرکت زنان ترکیه بود که در همین اواخر تابوت «از گه جان» را بر دوش انتقال دادند.

اواسط ماه فوریه سال جاری بود که از گه جان اصلا ن بیست ساله به دلیل مقاومت در برابر یک راننده مینی‌بوس که قصد تجاوز به او را داشت، کشته و سپس جسدش آتش زده شد.

قتل او نیز اعتراضات زیادی را به همراه داشت و ده‌ها هزار زن و مرد را به خیابان‌های ترکیه کشاند.

سنگینی تابوت را احساس نکرده اما روز بعد فهمیده شانه اش کیود شده است. او می گوید که قتل فرخنده "فاجعه" ای بود که همه را تکان داد و باعث ترس و وحشت بسیاری ها شد و حالا آنها تنها خواهان تاملین عدالت به شکل جدی هستند.

بهار سهیلی یکی از زنان جوان دیگر که تابوت فرخنده را در روز مراسم تشییع جنازه اش به دوش کشیده بود گفت:

"احساس آن روز مرده بود. من هیچ حسی نداشتم. خودم را دفن کردم بعد از این دیگر چیزی اهمیت ندارد. نه من، نه شما و نه حقی. حالا که قرار است همه به نحوی بمیریم؛ خوب سکوت مرگ خواهیم کرد!" او پس از پایان مراسم تشییع در صفحه فیسبوکش نوشت: "امروز بوی مرد سالاری نمی آمد. همه چیز پاک و زنانه بود حتی حمایت مردان سوگوار. حضور مردان در کنار سی زن تابوت به دوش، امید امنیت و عدالت اجتماعی را در دل زنده می کرد. امروز همه برادر و پشتیبان بودند." او نوشته که تا به حال کابل را در چنین حال و هوا و زنان کابل را چنین راسخ، یکدست و سوگوار ندیده بود.

بهار می نویسد "فرخنده تاریخ ساخت. تاریخ جسارت و فریاد زن افغان در طلب

تشییع جنازه فرخنده حرکت خودجوش تابو شکن

برای اولین بار در افغانستان، تابوتی بر شانه‌های زنان برداشته شد. این تابوت بدن سوخته دختر جوانی بود به نام فرخنده که به اتهام آتش زدن قرآن در یکی از نواحی شلوغ شهر کابل، پایتخت افغانستان زیر مشت و لگد ده‌ها مرد جان داد و سوزانده شد.

زنان در کابل مصمم شدند که به هیچ مردی اجازه دست زدن به تابوت فرخنده را ندهند زیرا به باورشان "مردان حاضر در شاه دو شمشیره" عامل و تماشای کشته شدن فرخنده بودند و برای دفاع از او کاری نکردند.

دکتر عالمه از فعالان مدنی در کابل می گوید که قتل فرخنده، واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. به گفته وی، مفکوره برداشتن تابوت فرخنده از سوی زنان، از پیشنهادات کاربران شبکه‌های اجتماعی بود. او گفت که این پیشنهاد با خانواده فرخنده در میان گذاشته شد و با موافقه و استقبال آنها، گروهی از زنان از جمله خودش در مراسم تشییع جنازه، تابوت او را برداشتند. هیچ یک از حاضران در مراسم مخالفتی با آنها نکردند. زنان کابل در حالی که تابوت را به دوش می کشیدند مسیر ناهموار و نسبتاً طولانی قبرستان را با شعار و فریاد "ما همه فرخنده ایم!" طی کردند.

دکتر عالمه می گوید: "تمام زنان از ته دل شعار می دادند و بدون ترس و هراس قدم برمی داشتند. همه با اراده، تصمیم قاطع و همبستگی‌ای که نظیرش را ندیده بودم، حرکت می کردیم... خستگی احساس نمی کردیم، حتی نفهمیدیم چند دقیقه تابوت روی شانه‌های ما بود."

زنان حاضر در مراسم تشییع جنازه فرخنده، در نماز جنازه او نیز در صف آخر ایستادند و با دستان خودشان فرخنده را دفن کردند. رادا اکبر یکی دیگر از بانوان جوانی است که تابوت فرخنده را روی شانه‌اش حمل کرده است. رادا پس از شنیدن خبر قتل فرخنده، هیچ آرام و قرار نداشته و برای تسلی نسبی قلبش خواسته در مراسم تشییع اشتراک کند و سهمی در برداشتن تابوتش بگیرد. می گوید: "یک حس غریب داشتم.

زنان در کابل مصمم شدند که به هیچ مردی اجازه دست زدن به تابوت فرخنده را ندهند زیرا به باورشان "مردان حاضر در شاه دو شمشیره" عامل و تماشای کشته شدن فرخنده بودند و برای دفاع از او کاری نکردند.

دکتر عالمه از فعالان مدنی در کابل می گوید که قتل فرخنده، واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. به گفته وی، مفکوره برداشتن تابوت فرخنده از سوی زنان، از پیشنهادات کاربران شبکه‌های اجتماعی بود. او گفت که این پیشنهاد با خانواده فرخنده در میان گذاشته شد و با موافقه و استقبال آنها، گروهی از زنان از جمله خودش در مراسم تشییع جنازه، تابوت او را برداشتند. هیچ یک از حاضران در مراسم مخالفتی با آنها نکردند. زنان کابل در حالی که تابوت را به دوش می کشیدند مسیر ناهموار و نسبتاً



دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

♦ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا ♦ درمان بیماری های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی

♦Foot related diseases ♦Bunion, Callus, Corn ♦Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦Sports Medicine & Injuries ♦Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦Ankle Arthroscopy ♦Pediatric Foot Conditions ♦Flat Feet & Orthotics ♦Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032



دکتر تینا نافی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

We take the time. We listen.

We partner with our patient.

معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی و صدمات کاری با پیشرفته ترین وسائل پزشکی، دستگاههای ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafe.com

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923

1860 Mowry Ave. Suite 201, Fremont, CA 94538

بیست نفر طی هشت روز در ایران اعدام شده‌اند

دو نفر به اتهام «تجاوز به عنف» در شهر کرمانشاه در ملاءعام به دار آویخته شدند و به این ترتیب شمار اعدام‌شدگان در شهرهای مختلف ایران، حال اعلام کرد که شمار اعدامیها در چین موضوعی محرمانه است که منتشر نمیشود، اما انتظار میرود که در سال ۲۰۱۴، هزاران چینی اعدام شده باشند.

به گفته سازمان عفو بین الملل پس از چین و ایران، عربستان سعودی با دستکم ۹۰ اعدام، عراق با دستکم ۶۱ اعدام و آمریکا با ۳۵ اعدام بیشترین آمار اعدام در سال ۲۰۱۴ را داشته‌اند. این درحالی است که در سال ۲۰۱۳ میلادی، عراق با ۱۶۹ اعدام، عربستان سعودی با ۷۹ اعدام و ایالات متحده با ۳۹ اعدام در رتبه‌های بعدی فهرست این سازمان پس از چین و ایران قرار داشتند.

براساس گزارشهای پیشین سازمان عفو بین الملل عربستان در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی ۷۹ اعدام و در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ نیز ۸۲ اعدام داشته است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، طی سال ۲۰۱۴ عربستان سعودی ۸۳ متهم را

بنا به گزارش‌های رسمی، طی هشت روز گذشته به دست کم بیست نفر رسید. جرم بیشتر این افراد، «قاچاق مواد مخدر» اعلام شده است.

از طریق گردن زدن اعدام کرده که نسبت به پنج سال گذشته رکورد تازه‌ای در زمینه اعدام با این شیوه بر جای گذاشته است. بر اساس این گزارش، اغلب کسانی که در عربستان گردن زده شده‌اند متهم به جرایم مربوط به مواد مخدر بوده‌اند.

براساس گزارش سازمان عفو بین الملل بدون احتساب آمار اعدام در چین ۶۰۷ نفر در سال گذشته اعدام شده‌اند که در مقایسه با سال ۲۰۱۳ میلادی ۱۷۱ مورد کمتر است. براساس گزارش‌های پیشین این سازمان بدون احتساب چین ۷۷۸ نفر در سال ۲۰۱۳ در جهان اعدام شده بودند که این رقم نیز در مقایسه با سال ۲۰۱۲ میلادی ۹۶ مورد کمتر بود.

کاهش تعداد اعدام‌ها در جهان درحالی است که به گفته سازمان عفو بین الملل تعداد حکم‌های صادر شده اعدام در سال ۲۰۱۴ با افزایش ۲۸ درصدی به ۲۴۶۶ مورد رسیده است.

عفو بین الملل: چین و ایران بیشترین آمار اعدام را در جهان دارند

سازمان عفو بین الملل روز ۳۱ مارس، در گزارشی اعلام کرده است که ۷۴۳ نفر در سال ۲۰۱۴ میلادی در ایران اعدام شده‌اند. براساس گزارش این سازمان در سال گذشته میلادی پس از کشور چین، ایران بیشترین آمار اعدام را در جهان داشته است.

راديو فردا: به گفته این سازمان مدافع حقوق بشر، در سال ۲۰۱۴ میلادی، شمار اعدام افراد اعدام شده در هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند.

این سازمان تعداد افراد اعدام شده در ایران در سال ۲۰۱۳ میلادی را براساس آمار رسمی ۳۶۹ نفر و این رقم را با در نظر گرفتن اعدامهایی که رسماً اعلام نشده‌اند و با استناد به منابع قابل اعتماد تا ۷۰۰ نفر اعلام کرده بود. در همین حال احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران، در گزارش سالانه خود به شورای حقوق بشر ملل متحد، اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی در سال گذشته ۷۵۳ نفر را اعدام کرده که نیمی از آنها به علت ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر بوده است.

به گفته آقای شهید، این تعداد اعدام از سال ۲۰۰۲ تاکنون بی سابقه بوده است.

براساس گزارش سازمان عفو بین الملل کشور چین همچنان جایگاه نخست اعدام‌ها در جهان را دارد. این سازمان درعین

هایی که توسط مقام‌های قضایی اعلام شده ۲۸۹ مورد بوده است. این در حالی است ۴۵۴ اعدام دیگر نیز انجام شده که مقامهای قضایی آنها را اعلام نکرده‌اند.

براساس گزارش این سازمان ۱۴ نفر از



Ali Driving & Traffic School

کلاس‌های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی
- ♦ ما تضمین می‌کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می‌توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل‌های مدرسه ما نیز استفاده کنید

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده‌اند می‌توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس‌ها به زبان فارسی نیز عرضه می‌گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors



- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه‌ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

کامران پورشامی

متخصص و مشاور در امور خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams
Experienced Professional Realtor
Residential, Commercial,
Property Management

Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478

- ♦ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
- ♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می‌توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه‌های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343 Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020 Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

به تخم خدا خورده اعدام می کنند. همانطور سروان افشین را دم بیمارستان شاهرزای مشهد که از اطاق زایمان همسرش خارج شده تکه تکه کرده اند. همانطور که سر پاسبان حیدرخان را در میدان مجسمه مشهد با بینی به چنگک قضایی آویزان کرده و شکمش را با ساتور پاره کرده اند. به همین گونه هیچ آداب و ترتیبی را رعایت نخواهند کرد و با بمب به جان مردم خواهند تاخت که اگر بیگناه باشند به بهشت می روند و اگر گناهکار باشند جایشان جهنم است و سزایشان کشتن.

پس باید بر حذر بود از این خدعه گران اسلامی که هر جنایتی را که انجام دهند کلاهی شرعی برایش درست می کنند.

ای کاش می شد

ای کاش می شد عشق را در سینه انباشت جایی برای کینه در آینه نگذاشت با اشک گردن بندی از الماس تر ساخت زیب درفشی بر سر داری بر افراشت دفتر چه های خاطرات عاشقان را میخانه ی شمع و گل و پروانه پنداشت فکر بدی هم نیست هنگام تماشا گنجشک را در باغ صاحبخانه انگاشت در زادروز حضرت عیسی مصلوب از قطع پای کاج کوچک دست برداشت تا اندکی باران بیارد بر کوپری ای کاش می شد ابر را در آسمان کاشت از سرفرازان سر بزیری دلپذیر است ای کاش هر آزاده ای افتادگی داشت هر دخت ایرانی یکی گردافرید است گیرم نخیزد گر ابر مردی ز آلاشت درسی (سپند) آموخت از آتش پرستی دیوانه را در خدمت دیوانه نگماشت مسعود سپند

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916)483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825



یک سینه سفین

مسعود سپند

خدعه

به قسمت خدعه پردازم و نمی دانم او راجع به خدعه چیزی نوشته یا نه ولی بازماندگان این جنایتکار هنوز در ایران اهورائی که آموزگار بزرگش زردشت درگاتاها از راستی سخن گفته و ادعای پیامبری هم نکرده دارند از مال و اموال مردم ایران می چرند و کسی هم نیست که افسارشان را بکشد و به طویل باز گرداند. کسانی که پیش از این انقلاب ننگین (مانند دوران کودکی من) پیش منبرهای آخوندها نشسته اند خوب می دانند که آخوندها راجع به عقیل برادر نابینای علی بسیار سخن می گفتند. داستان این است که وقتی علی خلیفه می شود برادر کور و نادانش به سراغش می آید و تقاضای کمک می کند و می گوید: ای علی، حالا که بیت المال در دست توست و می توانی به من کمک کنی بهتر است اندکی از اینهمه ثروت را به برادرت بدهی ولی علی میله داغی را که در آتش نهاده بود در کف دست او می گذارد و فریاد و فغان عقیل بلند می شود. علی می گوید: تو با این میله داغ دستت سوخت و من اگر اموال بیت المال را به تو بدهم در آتش جهنم خواهم سوخت و می دانی که آتش جهنم سخت تر از این میله داغ است.

و ما که کودکانی بودیم باورمان میشد که مال مردم را باید خرج مردم کرد و حتی در زمان جشن های شاهنشاهی آخوندی در مسجد بندرعباس آمده بود و بدون آنکه نامی از جشن ها ببرد داستان علی و عقیل را با آب و تاب تعریف می کرد و مردم خودآگاه و ناخودآگاه بیادشان می افتاد که مثلا خرج این جشن ها نباید میشد.

هیچ دقت کرده اید که پس از این انقلاب شرم آور هیچ آخوندی و هیچ ملا و آیت الهی راجع به داستان علی و عقیل کلمه ای بر زبان نمی آورد و اگر از ایشان بپرسید چرا صحبتی از عقیل و علی نیست بعید نیست بگویند داریم خدعه می کنیم.

این داستان دلبرجانان یعنی پنج به اضافه یک دارد به یک جک بیشتر شبیه می شود تا به یک قرارداد سیاسی منجز و اینکه فردای روزگار چه کسی زیر قرارداد را بزند معلوم نیست اما این گروه متجاوز به

خدعه: لغت نامه دهخدا را باز می کنم و در صفحه ۸۲۲۶ واژه خدعه را می خوانم خدعه کردن- (مصدر مرکب) فریب بکار بردن مکر کردن، نیرنگ زدن، حقه سوار کردن، و ده ها معنی دیگر که همه اش بوی تقلب و دورنگی کردن و اینکه فریفتن کسی را و خواستن آنکه به وی مکردهی رساند بدون آنکه باخبر شود.

در تاریخ چنین نقل شده است حضرت علی (علیه السلام) در جنگ خندق عمروبن عبدود را بکار دیگری مشغول کرد و سپس به پای او شمشیر زد. عمرو گفت: ای علی خدعه کردی! حضرت جواب داد: (الحرب خدعه) جنگ فریب است.

و اما این یکی را بنویسم از روی (ویکی فقه دانشنامه حوزوی)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سه جا دروغ نیکوست ۱- فریب در نبرد ۲- وعده به همسر خود ۳- سازش دادن میان مردمان.

حالا با اطلاعاتی که راجع به خدعه بدست آوردیم چه مانعی داشت که وقتی به خمینی ملعون گفتند تو که گفته بودی میروم در قم و به عبادت می پردازم چرا چنین نکردی! خیلی راحت گفت: (خدعه کردم)

و این همه صغری کبری برای این است که آی مردم بدانید و آگاه باشید وقتی که رهبر مذهبی ملتی با کمال شهامت دروغ به این بزرگی را به راحتی خدعه می نامد و ملتی را نادان حساب می کند و گروهی نیز به راحتی می پذیرند که خدعه در جنگ اشکال شرعی ندارد و حضرت امام نیز به پیروی از امامان پیشین چون شاه جنگ داشته خدعه کرده و کار خوبی هم کرده.

باور کنید در اداره آگاهی وقتی به یک دزد سابقه داری میگفتی بگو تو بمبری راست میگویم! می گفت: جناب سروان من، تو بمبری نمی گویم. او یک دزد بود که از دیوار خانه مردم بالا میرفت و اموال مردم را می دزدید اما اینقدر شرف و معرفت داشت که تو بمبری نزنند اما این طایفه کثیف برای هر عمل خلافی کلاه شرعی می تراشند و به یک حدیث روایت ساختگی متوسل می شوند و راحت دروغ می گویند. من کتاب خمینی را در دست ندارم که

فروتنی

بیاورند پزشک به زن اشاره نمود که این کسی که اینجاست همان پادشاه ایران است. زن فکر می کرد به خاطر حرفی که زده او را به جرم گستاخی با تیغ شمشیر به دو نیم می کنند. پسر پادشاه ایران را آوردند و پدر به او گفت چرا اینگونه کردی و فرزند گفت متوجه نشدم و کودک را اصلاً ندیدم. پدر گفت از این زن و کودک عذرخواهی کن. فرزند پادشاه رو به مادر کودک نموده عذر خواست پادشاه ایران کیسه ای زر به مادر داده و گفت فرزندم را ببخش چون در مرام پادشاهان ایران، زورگویی و اذیت خلق خویش نیست.

زن با دیدن این همه فروتنی پادشاه و فریادت به گریه افتاد و می گفت مرا به خاطر گستاخی ببخشید. پادشاه ایران اردوان در حالی که از درمانگاه بیرون می آمد می گفت: فرزند من باید نمونه نیک رفتاری باشد نمونه.

اندیشمند یگانه کشورمان ارد بزرگ می گوید: پوزش خواستن از پس اشتباه، زیباست حتی اگر از یک کودک باشد.

اردوان (سومین پادشاه اشکانی و فرزند تیرداد یکم) پادشاه ایران از بستر بیماری برخاسته بود با تنی چند از نزدیکان، کاخ فرمانروایی را ترک گفت و در میان مردم قدمی می زد. به درمانگاه شهر که رسیدند اردوان گفت به دیدار پزشک خویش برویم و از او بخاطر آن همه زحمتی که کشیده قدردانی کنیم. چون وارد درمانگاه شد کودکی را دید که پایش زخمی شده و پزشک پایش را معالجه می نماید. مادر کودک که هنوز پادشاه را نشناخته بود با ناله به پزشک می گفت خدا پای فرزند پادشاه را اینچنین نماید تا دیگر این بلا را بر سر مردم نیاورد.

پادشاه رو به زن کرده و گفت مگر فرزند پادشاه این بلا را بر سر کودک آورده و مادر گفت آری کودکم در میانه کوچه بود که فرزند پادشاه فریادت با اسب خویش چنین بلایی را بر سر کودکم آورد. پادشاه گفت مگر فرزند پادشاه را می شناسی؟ و زن گفت خیر، همسایگان او را به من معرفی کردند. پادشاه دستور داد فریادت را



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

روشنفکر دینی

بگو در باب روشنفکر دینی که مریخی ست ایشان یا زمینی؟

طرفدار کدامین مکتب است او فرویدی یا که زین العابدینی؟

کدامین راه فکری را بپوید حسینی یا بلانسبت لئینی؟

کدامین فلسفه را می پسندد دکارتی یا امیرالمؤمنینی؟

چه گوید بابت آغاز انسان کلیسا مسجدی یا داروینی؟

بپرس از حجت الاسلام معروف چو در اسکایپ خود! او را ببینی:

اگر پایش بیفتد، صیغه ها را تکتاک می پسندد یا دوجینی؟

نویسد بهر زن ها حکم اعدام به جرم نقشه سقط جنینی؟

جنابش هیچ کرده اعتراضی به دسته دسته اعدام اوینی؟

از آن بوسه که زد بر دست آقا چه بوئی آمدش بر طرف بینی؟

شتر مرغ است ایشان یا که آدم، و یا درمانده در آنی و اینی؟

مسلمان است از روی صداقت و یا از مؤمنان ویتیرینی؟

بگوئیدش تفکر با تدین ندارد مرد مؤمن همنشینی

برایت فکر کرده دین ات از پیش نهاده روی میز و توی سینی

در آنچه مرجع تقلید گوید نه شک جایز بود نه بازبینی

تعبد حکم دین بوده ست و باید که تو باشی مطیعش با متینی

تو روشنفکر باشی؟ واقعاً که! عجب ساده ست عنوان آفرینی

چه روشنفکر یونیفورم پوشی! سلاحش نیز کوتاه آستینی

هم از توبره، هم از آخور؟ نه جانم مشخص کن، بساری یا یمینی؟

و بعد از آن بخور تا میتوانی شله زرد لذیذ اربعینی

«تدارکچی» خودت را خوانده بودی خوشم آمد از این سراسرستی بینی

به حق خویش قانع باش و، راحت بکن از خرمن دین خوشه چینی

ولی یا ملت ایران، دو دوزه هر آنکس کرد بازی، شد رفوزه

شاید زندگی آن جشنی نباشد که تو آرزویش را داشتی، اما حالا که به آن دعوت شده ای، تا میتوانی زیبا برقص. چارلی چاپلین

حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

Hamid Reiesieh
Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،
سریع، مطمئن و حرفه ای

Cell: (408)234-5793
Office: (408)298-2591



DRE#01326116 • NMLS# 344666

- ◆ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ◆ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ◆ Complimentary home evaluation
- ◆ No Cost Short Sales
- ◆ 1031 Exchange Transaction (Tax Deferred)

Your Trusted Advisor in
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ◆ www.hamidreiesi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008

...Because Image is *Everything*

✓ Service ✓ Quality ✓ Affordability

طراحی و چاپ

◆ کارت ویزیت ◆ بروشور ◆ پوستر ◆ کارت پستال
◆ کانالوگ ◆ فولدرهای تبلیغاتی ◆ پرچم تبلیغاتی

✓ Brochures ✓ Flyers ✓ Posters
✓ Banners ✓ Business Cards

(408)221-8624

LessCostPrinting@yahoo.com

وزیر اسرائیلی:

از هیچ اقدامی برای جلوگیری از توافق اتمی فروگذار نمی کنیم

وزیر اطلاعات و راهبردی اسرائیل می گوید که این کشور «به هر اقدام لازم دست می زند تا از رسیدن ایران و قدرت های جهانی به توافق هسته ای جلوگیری کند».



این نخستین بار است که یک مقام رسمی و بلندپایه اسرائیل آشکارا از استفاده این کشور «از همه امکانات برای جلوگیری از دستیابی ایران و قدرت ها به توافق هسته ای» سخن می گوید.

افزوده است که مذاکرات سوئیس «شکست نیز نخواهد خورد».

به گزارش خبرگزاری ها، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل گفته بود باید «توافقی بهتر» به دست آید که «زیرساخت های هسته ای ایران را تضعیف کند»، زیرا به گفته او، «ایران هنوز می تواند یک سال بعد، در صورت اراده به این کار، بمب هسته ای داشته باشد».

دنیاله مطلب در صفحه ۵۱

اداری، و با تروریسم مبارزه می کند. قرار بود انتخابات ریاست جمهوری نیجریه ۱۴ فوریه سال جاری برگزار شود، اما به دلیل حملات بوکو حرام به تعویق افتاد.

یووال اشتاینیتز، وزیر اطلاعات و راهبردی اسرائیل، در مصاحبه با رادیو اسرائیل، مدعی شد که اسرائیل در صورت ناچار شدن می تواند گزینه نظامی (حمله به سایت های هسته ای ایران) را نیز به تنهایی عملی کند. از سوی دیگر، موشه یعلون، وزیر دفاع اسرائیل، ارزیابی کرده است که از مذاکرات لوزان توافق هسته ای حاصل نخواهد شد. در همین حال، به گزارش جروزالم پست، یعلون

بوهاری که در سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ به عنوان یک دیکتاتور نظامی بر نیجریه حکومت می کرد، در مبارزات انتخاباتی اش وعده داده بود که اگر به ریاست جمهوری برسد، با فساد

سازمان ملل:

بوکو حرام ۱۵ هزار نفر را به قتل رسانده است

برخلاف میلشان به عقد شبه نظامیان درمی آورد و آنها را به بردگی جنسی وامی دارد. کمیساریای عالی حقوق بشر سوءاستفاده بوکو حرام از کودکان به عنوان «گوشت دم توپ» را یک «عمل نفرت آور» خواند.

نشست فوق العاده شورای حقوق بشر سازمان ملل به درخواست کشورهای آفریقایی در ژنو برگزار شد. در



قطعنامه ای که قرار است در این نشست تصویب شود، کشورهای عضو از جامعه جهانی می خواهند که برای مقابله با بوکو حرام در کشورهای نیجریه، کامرون و چاد به طور فعالانه تری کوشش کنند.

ترور (رأی دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری

چند هفته پیش بوکو حرام در انتخابات ریاست جمهوری نیجریه، به یک حوزه رأی گیری در شمال این کشور حمله کرد و ۱۵ نفر از رأی دهندگان را به قتل رساند. محمدو بوهاری، نامزد اصلی مخالفان در نیجریه، در رقابت با گودلاک جاناتان، رئیس جمهوری فعلی این کشور در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد.

نشست فوق العاده شورای حقوق بشر سازمان ملل به درخواست کشورهای آفریقایی در ژنو برگزار شد. در این نشست

که در ژنو برگزار شد، کمیساریای عالی حقوق بشر اعلام کرد بوکو حرام در نیجریه تاکنون ۱۵ هزار نفر را به قتل رسانده است. زید بن رعد بن الحسین گفت: «این قتل عام ها صلح و امنیت و توسعه نیجریه را سخت به خطر انداخته و هرچه زودتر می بایست متوقف شود».

به گفته کمیساریای عالی حقوق بشر، بوکو حرام بیش از یک میلیون نفر از شهروندان نیجریه را آواره و بی خانمان کرده و عده بی شماری از زنان و کودکان را نیز اسیر کرده و کودکان به اسارت رفته را به زور وادار به جنگیدن کرده است. الحسین گفت بوکو حرام زنان و دختران اسیر را

هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com

مرگ در پی استفاده از مواد مخدر در ایران ثبت می‌شود و بیشتر این قربانیان بین ۲۵ تا ۳۰ سال سن دارند. دو روز پیش از این، علی اصغر رفاهی، از مقام‌های قضایی ایران، گفته بود ۷۵ درصد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در ایران بین ۱۵ تا ۳۹ سال دارند.

گزارش دفتر ناظر بر مواد مخدر و جنایت سازمان ملل متحد از سال ۲۰۱۲ نیز نشان می‌دهد حداقل سن اعتیاد به مواد مخدر در ایران ۱۵ سال است.

۵ میلیون ثروتمند و

۷ میلیون فقیر شدید در ایران

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از وجود «پنج تا شش میلیون نفر دارای ثروت بالا مانند ثروتمندان خارجی» و «هفت میلیون نفر در فقر شدید» در ایران خبر داده‌است. به گفته علی ربیعی «هرم توزیع درآمدی کشور ما نشان می‌دهد که هفت میلیون نفر در شرایط فقر شدید هستند و امنیت غذایی آنها هم در مخاطره است.» به گفته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران، «پنج تا شش میلیون فرد پردرآمد» هم در ایران وجود دارند که «میزان ثروت آنها با میزان ثروت پولداران یا ثروتمندان در کشورهایی مثل آمریکا چندان تفاوتی ندارد.» منبع: ایلنا

«زیبایی» خود را به‌دست نمی‌آورند. قربانیان چنین حوادثی با مشکلات تامین هزینه‌های درمانی، بازیابی سلامتی و بازگشت به زندگی عادی روبه‌رو هستند.

۳۵ سانتی‌متر ارتفاع دریاچه ارومیه بیشتر شد مدیرکل محیط زیست استان آذربایجان غربی از افزایش ۳۵ سانتی‌متری ارتفاع دریاچه ارومیه نسبت به مهرماه سال جاری خبر داد. حسن عباس‌نژاد درباره وضعیت کنونی دریاچه ارومیه گفت: ارتفاع دریاچه اکنون به هزار و ۲۷۰ سانتی‌متر رسیده که نسبت به مهرماه ۳۵ سانتی‌متر افزایش یافته‌است.

۱۳ هزار طرح عمرانی نیمه‌تمام

میراث دولت احمدي‌نژاد

ایرج ندیمی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ایران می‌گوید که از حدود سه هزار پروژه عمرانی نیمه‌تمام که از دولت‌های قبل باقی مانده، ۲۴۸ پروژه برای اجرا انتخاب شده‌است. محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت حسن روحانی نیز گفته که هم‌اینک «۲۹۰۶ طرح نیمه‌تمام عمرانی» در ایران وجود دارد. ۸ مرگ روزه به دلیل اعتیاد به مواد مخدر نحیف حسینی، معاون ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران می‌گوید روزانه هشت

آمار و ارقام شگفت‌انگیز:

۵ میلیون ثروتمند، ۶۰ عمل جراحی بر روی یک نفر

اعداد و ارقام بعضی اوقات حامل واقعیاتی شگفتی‌آفرین هستند. نگاهی داریم به آمار و ارقامی که در روزهای اخیر در ایران بر سر زبان‌ها بوده‌اند:

۱۴۰۰ میلیارد تومان هزینه

جمع‌آوری زباله‌های تهران در سال رئیس کمیسیون سلامت شورای شهر تهران با بیان اینکه سالانه ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه جمع‌آوری زباله‌های پایتخت است، می‌گوید که با وجود این، وضعیت پاکیزگی شهر نامناسب است و می‌بینیم کنار کوچه‌ها یا مخازن زباله همچنان کیسه‌زباله‌ها وجود دارد. به گفته رحمت‌الله حافظی روزانه یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان هزینه جمع‌آوری زباله‌های شهر تهران می‌شود.

ایران چهل و هشتم دنیا در جذب گردشگر

در گزارش سازمان جهانی جهانگردی برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی در فهرست ۵۰ کشور برتر دنیا از نظر آمار ورود گردشگران خارجی قرار گرفت و رتبه چهل و هشتم را متعلق به خود کرد.

هر سال سازمان جهانی جهانگردی

فهرستی از ۵۰ کشور برتر دنیا از نظر تعداد ورود گردشگران خارجی ارائه می‌کند که ایران برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۳ رتبه ۴۸ را در این فهرست به دلیل جذب ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار گردشگر خارجی کسب کرد.

دست کم ۶۰ عمل جراحی

برای قربانیان اسیدپاشی

به گفته عضو هیئت مدیره انجمن جراحان پلاستیک و زیبایی ایران، نتایج جراحی پلاستیک قربانیان اسیدپاشی مطلوب نیست، چون جراحی پلاستیک آنان به یک یا دو عمل منتهی نشده و دست کم به ۶۰ عمل جراحی نیاز پیدا می‌کنند که روند درمان را به درازا کشانده و ممکن است تا ۱۰ سال نیز طول بکشد.

عبدالجلیل کلانتر هرمزی می‌گوید: «زیبا شدن» با «سالم شدن» متفاوت است و قربانیان اسیدپاشی دیگر



بابک رحیم زاده

Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



Personal & Business Federal & State Tax Return Filing

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

(408)247-5626

(408)899-8727

1900 Camden Ave, Suite 204
San Jose, CA 95124

www.BandAccounting.com



گفت با زنجیر در زندان شبی دیوانه ای
عقلان پیداست کز دیوانگان ترسیده اند
من بدین زنجیر ارزیدم که بستندم به پای
کاش می پرسید کس، کایشان به چند ارزیده اند
دوش سنگی چند پنهان کردم اندر آستین
ای عجب! آن سنگ ها را هم زمن درزیده اند
سنگ می دزدند از دیوانه با این عقل و رای
مبحث فهمیدنیا را چنین فهمیده اند
ما نمی پوشیم عیب خویش، اما دیگران
عیب ها دارند و از ما جمله را پوشیده اند
ما سبکساریم، از لغزیدن ما چاره نیست

عقلان با این گرانسنگی، چرا لغزیده اند
در دوره معاصر زنان تلاش کردند تا آن
ذهن پند معروف را بگسلند و گاهی هم
چوب آن را خوردند. وقتی فروغ شعر «گنه
کردم گناهی پر ز لذت» را گفت تکفیر
شد و مدت ها از او با زشت ترین کلمات
یاد می کردند. آن زن پرده نشین دیروز،
امروز با بی پرواترین کلمات از خواهش
های درونش سخن می گفت. او می گوید:
«شعر پنجره ایست که هروقت به طرفش
می روم خود به خود باز می شود، من آنجا
می نشینم، نگاه می کنم، آواز می خوانم،
داد می زنم، گریه می کنم، با عکس درخت
ها قاطی می شوم و می دانم که آن طرف
پنجره یک فضا هست و یک نفر می شنود،
یک نفر که ممکن است دویست سال بعد
از من باشد.

شاه با عشق به او می اندیشید و از او
خواست که از بایگاری دست برکشد و به
عقد ازدواج او درآید که طاهره نپذیرفت
و بالاخره پایان کارش بدین سان بود که
وی را در اصفهان در خانه شیخی زندانی
کردند و بعد نیمه شبی او را به خانه ای
دیگر بردند و در آنجا خفه کردند و به
چاه افکندند، از او اشعاری بیشتر از زنان
پیش از او نقل شده که معروف ترین آن
شعریست با این مطلع:

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره رو به رو
شرح دهم غم تو را نکته به نکته مو به مو
از ژاله قایم مقامی، مادر پڑمان بختیاری
غزلیات بسیار محکم و زیبایی برجای مانده
است بعد می رسم به دوران شکفتگی شعر
زنان در دوران معاصر.

پروین اعصامی: ساده ترین کلمات برای
پروین ابزار بیان اندیشه های فلسفی
بزرگ اخلاقی، اجتماعی و سیاسی اوست
و کثرت سَمبل ها در شعر او به دلیل احاطه
وی در استفاده لغات بسیار ساده است. کار
پروین یک نوآوری در لفظ و معنا بود و
نجات زبان فارسی از تکرارها.
پروین صاحب سبک بود، شعرش دور از
تعقیدات لفظی و لغات مبهم و زبانی ساده
و آسان برای فهم عموم بود.
دیوانه و زنجیر:



زنان شاعر و اندیشه جامعه ایرانی

گفتم، بر می گردیم به گذشته های دور،
تعدادشان اندک است و گاه بی پروایی ها
سرایشان را بر باد داده است.
رابعه بنت کعب قُرداری: در تمام تاریخ
ادبیات به این دو بیت از او برخوردارم.

عشق او باز اندر آوردم به بند

کوشش بسیار نامد سودمند

تو سنی کردن، ندانستم همی

کز کشیدن سخت تر گردد کمند
رابعه حق نداشت عاشق شود و حق نداشت
شعر عاشقانه بگوید. عاشق غلام سیاهشان
شد و این دیگر برای خانواده اش غیرقابل
تحمل بود. توسط پدر و برادرش کشته شد.
مخفی کردستانی، مهستی، طاهره قره العین،
که از مخفی و مهستی، اشعاری انگشت شمار
باقی مانده است. این دو بیت از مخفی است.

مخفیا دختران خطه رشت

چون غزالان مست می گردند

از پی مشتری به هر بازار

بند تلبان به دست می گردند
از طاهره شرح حال و اشعاری بیشتر در
تاریخ ادبیات نقل شده است.
پدرش مجتهد بود و خود وی در کودکی
حافظ قرآن بود، پدرش او را به مجتهدی،
به زنی داد و او در جوانی با مراجع شیعه
در نجف به مکاتبه پرداخت و سعی کرد
از ایشان اجازه اجتهاد بگیرد، که این برای
یک زن برخلاف عرف و عادت مذهب بود.
بعد از آن به مدت سیزده سال به نجف
رفت تا علوم دینی بیاموزد و در بازگشت
از آنجا از همسرش جدا شد. او ابتدا به
مذهب شیخیه گرایش پیدا کرد (سیدکاظم
رشتی) و به روایتی از او و به روایتی از
سید علی محمدباب لقب قره العین گرفت
(به معنای نور و روشنایی چشم). شیخیه
اصول توحید، نبوت، امامت و اصل اعتقاد
به امام زمان را باور داشتند و اصول معاد
و عدل را انکار می کردند.

طاهره به اطراف شهرها سفر می کرد و
درباره سیدعلی محمد باب به سخن رانی
هایی نافذ دست می زد، نقل است که در
هنگام سخن رانی در «بَدَشْت» ناگهان در
حین سخن گفتن حجاب از سربرافکند و بی
پروا و بدون حجاب به سخنان خویش ادامه
داد و این در آن زمان عملی بس عجیب
و دور از ذهن بود. می گویند ناصرالدین

می اندیشیدم که در طول ادوار تاریخ چرا
شمار زنان شاعر و نویسنده با همه نازک
اندیشی و نازک طبعی ایشان نسبت به
مردان این همه کم تر است و به بررسی
شمار ایشان از ابتدای تاریخ ادبیات تا به
امروز پرداختم. دریافتم که از دیرباز تاریخ
ادب تعدادشان اندک و در زمان پهلوی
ها که به دوره شکفتگی حیات اجتماعی
زنان می رسم بیشترند و باز دریافتم که
حتی در این زمان نیز راه پرفراز و نشیب
و پرسنگلاخی فراروی زندگی اجتماعی
ایشان بوده است. نمی دانم آیا در گذشته
دور که آثار زنان این همه اندک است آیا
دانشی نداشته اند یا گستاخی آشکار کردن
اندیشه هایشان را نداشتند، بعد دریافتم
که حتی در دوره نوجوانی من که درهای
دانشگاهها به طور یکسان بروی همه، اعم
از مرد و زن باز بود و هرکس می توانست
اندیشه های خویش را عیان، بیان کند،
زنان، خواهی نخواهی خود سانسور بوده
اند و بعد می اندیشم که این هراس بی
آمد تفکر جامعه مرد سالار ایرانی است،
جامعه ای که در هر کجای عالم باشد
بازهم با تفکر خود زندگی می کند، تفکری
که همیشه به این اندیشه می انجامد که
«می دانی این خانم و آقا چه رابطه ای با
یکدیگر دارند یا داشته اند» البته آن رابطه
را که می سازند برای مردان عزت و برای
زنان خفت است، بهترست زنان سرکوب
شوند تا آن جنس دیگر در مسیری بازتر
قدم بردارد و این چماق تهمت و افترا سن و
سال نمی شناسد بر هر سری یکسان فرود می
آید و بعد دانستم که چرا زنان در طول تاریخ
این همه انگشت شمار، احساس خویش را بر
صفحه ای نقش کرده اند، چرا در دیوان پروین
اعصامی شما حتی به یک بیت شعر عاشقانه
برخورد نمی کنید و چرا زنان حتی اندیشه
های خویش را به سانسور کشیده اند.

ما خاله زنگ ها در هر کجای دنیا باشیم
بیش از رابطه های انسانی بین انسان ها
به آنچه افتد و دانی می اندیشیم و من به
پیرانه سر می اندیشم که زنان در کدام
برهه از زمان زندگی خویش از ضربه این
شمشیرها در امان هستند.
از این مقوله بگذریم که سخن درازست
و مجال سخن اندک. از شاعران زن می

حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Hamid Abtahi



منطقه
منطقه
منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

Location! Location! Location!
Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)-366-2180 + (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070

کاهش بهای دلار در ایران

یک روز بعد از مذاکرات هسته‌ای لوزان بهای دلار در ایران ۲۰۰ تومان کاهش یافت.



به گزارش منابع خبری ایران، پیش از آن که مذاکرات هسته‌ای لوزان پایان یابد دلار در ایران تا سه هزار و ۳۰۰ تومان فروخته می‌شد اما در روز جمعه ۱۴ فروردین ماه به سه هزار و ۱۰۰ تومان رسید.

لوزان، در بازار ارز گمان می‌رفت که نرخ ارز کاهش یابد. سایت صدای اقتصاد پیش از آن که مذاکرات لوزان پایان یابد نتایج یک نظرسنجی از ۶۰ فعال اقتصادی در ایران را منتشر کرد که بر اساس آن ۸۶ درصد از آنها پیش‌بینی کرده بودند که نرخ دلار در صورت توافق هسته‌ای بین دو هزار و ۸۰۰ تومان تا سه هزار و ۱۰۰ تومان نوسان خواهد داشت. ۱۴ درصد نیز بر این باور بودند که قیمت دلار حتی در صورت موفقیت در مذاکرات از مرز سه هزار و ۲۰۰ تومان پایین‌تر نخواهد آمد.

نویید این را داد که جمهوری اسلامی مایل است در رابطه با کشورهایی که با آنها خصومت دارد، تنش‌زدایی کند.

گمانه‌زنی‌ها درباره کاهش نرخ دلار پس از مذاکرات هسته‌ای لوزان و صدور بیانیه مشترک ایران و کشورهای گروه ۵+۱، متفاوت است. برخی آن را مقطعی می‌دانند و برخی درازمدت. کسانی که آن را مقطعی می‌دانند معتقدند این کاهش نتیجه بار روانی ناشی از انتشار بیانیه مشترک لوزان است و احتمال بازگشت قیمت‌ها همچنان می‌رود، و کسانی که آن را درازمدت می‌دانند احتمال می‌دهند که قیمت دلار تا سه هزار تومان نیز کاهش یابد.

پیش از انتشار بیانیه مشترک هسته‌ای حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، درست در زمانی که نتایج بیانیه‌اش را می‌خواند به تلویزیون صداوسیما آمد و

نتانیاها: در توافق هسته‌ای، ایران باید موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد

بنیامین نتانیاها، خواسته است که توافق نهایی ایران و گروه ۵+۱ شامل شرطی برای به رسمیت شناختن کشور اسرائیل از سوی جمهوری اسلامی ایران باشد.

۱۴ مه ۱۹۴۸ اعتراض دارند. نتانیاها خطاب به مذاکره‌کنندگان با ایران می‌گوید: «خواسته اسرائیل این است که در هرگونه توافق نهایی با ایران حق اسرائیل برای وجود داشتن به شکل شفاف و بدون ابهام به رسمیت شناخته شود.»

بنیامین نتانیاها در جلسه امنیتی ویژه‌ای که به مناسبت «تفاهم‌نامه لوزان» برگزار شده است، شرکت کرد. او در این جلسه گفته که کابینه‌اش در اسرائیل با او هم‌نظر و مخالف این معامله‌اند و این معامله با ایران را خطری بزرگ



برای منطقه، جهان و بقای اسرائیل می‌دانند. نتانیاها تأکید کرده است هیچ مجال بحثی بر سر مسئله بقای اسرائیل نیست.

در عرصه مذاکرات صلح با فلسطین نیز، نتانیاها در تمامی این سال‌ها خواستار به رسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل بوده است. این حق را سازمان آزادی‌بخش فلسطین پذیرفته است.

با این حال در مراحل بعدی مذاکرات صلح، نتانیاها شاخص دیگری را نیز به مذاکرات اضافه کرد و از تشکیلات خودگردان فلسطین خواست که اسرائیل را به‌عنوان کشور «مردم یهودی» به رسمیت بشناسند. این چیزی است که تشکیلات خودگردان به آن معترض است و می‌گوید باورهای دینی نمی‌تواند مبنایی برای تشکیل یک دولت - ملت مدرن باشد.

نخست‌وزیر اسرائیل خطاب به قدرت‌های بزرگ جهان معامله با ایران را معامله‌ای «خطرناک» خواند و گفت: «راه سومی وجود دارد. سخت‌بایستید و فشار بر ایران را افزایش دهید تا معامله خوبی به دست آید.»

جمهوری اسلامی ایران برخلاف سازمان ملل متحد، کشور اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد. در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی به منطقه جغرافیایی که مرز کشور اسرائیل مدرن است، «سرزمین‌های اشغالی» می‌گویند. اشغالی خواندن این منطقه جغرافیایی، سیاست جمهوری اسلامی ایران و تمامی گفتمان‌هایی است که به تاریخ استعماری اشغال این سرزمین‌ها توسط نیروهای نظامی بریتانیا در سال ۱۹۴۷ و تشکیل بلافاصله کشور اسرائیل پس از خروج حاکمیت بریتانیا در

دکتر فتانه هوشداران

کایروپراکتر



Fataneh Hooshdaran, D.C.

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی‌های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته‌ترین وسایل پزشکی

♦ سر درد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه و زانو درد ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن دردهای کمر ♦ دردهای دست



مطب مجهز به دستگاه‌های فیزیکیال تراپی و ماساژ طب، ورزشی، Aqua Med Massage

اکثر بیمه‌های درمانی پذیرفته می‌شود Serving: San Jose & Santa Clara

(408) 712-3788

1610 Blossom Hill Rd., Suite #1
San Jose, CA 95124

(408) 244-7677

2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050

Residential Property Inspection

Property Inspector in San Jose Area

Since 2008

خرید
خانه؟



فروش
خانه؟

دریافت اطلاعات جامع از وضعیت ساختمان در زمان خرید و فروش

(408) 438-3934

ها را عصبانی می کند. آنان بیمناکند که فرهنگ شان و شیوه زندگیشان را از دست دهند. درست مثل تیم فوتبال ما که حالا همه چیز را از دست داده. تیمی که آرام آرام صاحب فرهنگی می شد، سازمانی داشت و انضباط شکل گرفته است. آیا این خوبست یا بد! باید به به تصمیم آقای کی روش احترام گذاشت یا برای بازیکنان گریست! کسی چیزی نمی داند. کی روش آدمی است که اکثریت ایرانی ها دوستش دارند. او به تیم ملی شخصیت بخشید و وقتی باخت، مردم او را بخشیدند اما تمامی مدعیان از چپ و راست بر سرش ریختند، جلالی، قلعه نویی، مایلی کهن، درخشان و بسیاری دیگر پرووهائی، هم چون سنگ پاهای سنتی مادر بزرگ ما که دیگر کمتر به پاها کشیده می شوند به همان سنتی و سختی.

آیا ما به نوعی شاهد نوع دیگری از تفکر خواهیم بود که جانشین جنگ های پشت پرده تیم های ملی ما است. آیا آقای کفاشیان که کفش هایش برای سمتش در ریاست فدراسیون گشاد است، غالباً حرف آخر را می زند و آیا او حتی به حرفی که میزند اعتقاد دارد؟ در حالیکه ما آخرین روزهای سال کهنه را پشت سر می گذاریم و تقویم سال آینده را باز کرده ایم، آرزومندیم که به دست آوردهای سالی که گذشت نگاهی داشته باشیم، ما استعدادها را در کنار تیم هایمان فراموش کرده ایم. مطالعات گوناگون در کشورهای متعدد نشان می دهد میزان شناسائی استعداد به عوامل مختلف بستگی دارد، اما بسیاری در سه یا چهار عامل مشخص هم عقیده بوده و آنها را چنین گزارش می کنند.

آمادگی روانی MENTAL تکنیکی
PHYSICAL فیزیکی
TECHNICAL تاکتیکی
TACTICAL تاکتیکی
عوامل روانی MENTAL

A- شخصیت بازیکن و آیا این بازیکن دارای Winning Mentality هست، آیا او در زمین بازی یک رهبر (Leader) است. آیا او یک بازیکن تیمی (Team Player) است و آیا او تاثیر مثبتی بروی هم تیمی هایش دارد.

B- رفتار او در شرایط (روزهای بد) سخت چگونه است؟ او چقدر انضباط شخصی را رعایت می کند. چقدر او قادر به کنترل رفتار خویش است.

C- زیرکی و هوش: آیا او درک خوبی از بازی دارد و وظیفه شخصی خود را در زمین بازی به هنگام حمله و دفاع انجام می دهد! آیا او قادر به مواجه شدن با مشکلات که به هنگام بازی اوج می گیرد هست؟

درستکار و لایقی هستم اما خیلی از این انتقادات منطقی بنظر نمی رسد و من وقتی با تیم IPSWICH به موفقیت رسیدم به من پیشنهاد مربیگری تیم ملی شد و با افتخار آن را پذیرفتم. آیا کسی که بعد از من می آید این تجربه و رکورد را داراست؟ هرکس که به این سمت نائل شود احتیاج دارد تیمش در بین چهار تیم اول انگلیس در ده سال متوالی جامی داشته باشد، آیا شما چنین آدمی را می شناسید؟» در سال ۱۹۹۱ آقای بابی کنسلر وقتی از مربیگری تیم ملی آمریکا استعفا داد و از او پرسیدند: چرا؟ او گفت «من دیگر قادر نیستم به اردک ها آموزش پرواز دهم.» خانواده مالدینی در ایتالیا از محبوب ترین های فوتبال هستند. وقتی مالدینی پدر مربی تیم ملی بود و ایتالیائی ها باختند، همه خواستار رفتن او شدند و او رفت و ساچی SACHI آمد و همه خوشحال بودند، اما سرنوشت او هم چون مالدینی پدر بود.

تری ونبلز مربی بزرگ انگلیسی که چندی رهبری تیم ملی استرالیا را به عهده داشت پس از باخت در یک بازی گفت «همه چیز خوب به نظر می رسد وقتی شما می برید، اما خدا نکند که ببازید. همه آن چیزهای خوب چنان بد می شوند که راهی به جز فرار ندارید.»

در میان انواع و اقسام مربیانی که وجود دارند، پوست کلفت ها قادر به رهبری تیم های ملی یا تیم های محبوب باشگاهی هستند. در روزهایی که گذشت ناگهان مربی تیم ملی فوتبال ایران ممنوع الخروج شد و به او اجازه سوار شدن به هواپیما را ندادند. او که بسیار عصبانی بود به محل اقامتش بازگشت و حالا مطمئناً ایران را ترک خواهد کرد. او در عید نوروز کابوس را تجربه کرد. این در روزهای عید یک بی معرفتی اخلاقی بود و او هرگز آن را فراموش نخواهد کرد. می گویند او مالیاتش را نپرداخته است در حالیکه دادن مالیات پول او به عهده فدراسیون فوتبال بود. آیا هنوز هم صدای پیچ از پشت درهای بسته به گوش می رسد! حالا نه پایانی خواهد بود و نه چاره ای و او که در میان ایرانیان علاقمندان بسیاری دارد، رفتنش موجب خشم بسیاری خواهد بود. آیا در همه چیز اخلاخل شده است و همه چیز و همه آرزوها در سال آتی به خاک سپرده خواهد شد!! تناقضی است بین عقل و قلب. در جهان امروز مشکل هویت ملی به ویژه بسیار حاد است. ما باید درک کنیم که دنیا اگر چه پر از تضاد است اما با این همه فقط یک دنیاست. این ملت



ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com

را باور می کنند» و رویای ما دیدن جام جهانی فوتبال و رفتن به المپیک بود. حالا سالها از آن روزها می گذرد و هیجان ها فروکش کرده اند. مشخص نیست که چند بهار دیگر، چند المپیک دیگر و چند جام جهانی دیگر را خواهیم دید. چقدر تشنه یادگیری بودیم و چه اشتیاقی برای فراگرفتن. با یک فرهنگ لغت در کیف دستی حرف های آقای بابی رابسون را که مربی تیم ملی انگلیس شده بود ترجمه می کردیم، لغت به لغت. بابی رابسون گفته بود «من بسیار خوشحالم که مربی ملی انگلیس هستم و فقط یک نفر در مملکت من این شغل را داراست و آن هم من هستم. من هرگز در طی سالهای مربیگری ام تقلبی نکرده ام و یا ساخت و پاختی نداشته ام. من حتی اگر در برابر همسرم تیم ام را به میدان می فرستادم آنقدر آماده بودم که هر لحظه پای او را بشکنم». بعد از یک باخت تیم فوتبال انگلیس او با انتقاداتی شدید روبرو شد. او گفت: «من آدم

بهار از راه رسیده است و من بیاد بهارهای گذشته می افتم. در روزهای دانشجویی ما از هر طرف که رها می شدیم از امجدیه سر در می آوردیم. توی امجدیه در روزهایی که بوی تب می داد اولین بار چراغ های پر نور را دیدیم که به ما اجازه داد در شب که هوا خنک تر میشد به تماشای بازی بنشینیم. چه لذتی داشت توی فضائی که بوی ناآشنائی میداد و پر از پوست تخمه های شکسته شده بود و بوی تند عرق بغل دستی و خنده های مستانه سرخابی ها آدمی را از خود بی خود می کرد. وقتی دانشجوی هستی چه رویاهائی را در سر می پرورانی و نمی دانی چه کاره خواهی شد. اضطراب شیرینی در وجودت موج میزند. این یک فلسفه ایتالیائی است که به بازیکن هایشان آموزش می دهند که اشتباه نکنند و به انتظار اشتباه حریفشان بمانند.

آیا ما اشتباه کردیم! آقای روزولت رئیس جمهور پیشین آمریکا گفته است «آینده متعلق به آنهاست که رویاهای خود



لیلی و شاهین
مشاوران املاک
DOMINE GROUP
Residential & Commercials

Shawn Jahanbani & Lilly Yaz
Realtors



اگر مایل به افزایش سرمایه خود می باشید، با ما تماس بگیرید تا ما زمین های قابل تقسیم (Subdividable Lots) را به شما معرفی کنیم. ما می توانیم نمونه هایی از این نوع سرمایه گذاری موفق را به شما نشان دهیم!

We do Complementary Free Staging & Videography to sell your home

همچنین اگر قصد فروش منزل خود را دارید با ما مشورت کنید تا منزلتان را با دکوراسیون مدرن و بالاترین قیمت روز به فروش برسانیم!

Lilly: (408)761-7499 Shawn: (408)916-8665

BRE#01506610 BRE# 01952057

Email: lillyyazrealty@gmail.com

3194 De La Cruz Blvd., # 10, Santa Clara, CA, 95054

جمع می شدند. همشهری ها هم برای دیدن و تحسین توریست ها! قاطی جمعیت شده، بسا کسی که فلوتی در آستین داشته در می آورد و به جمع مبارزین می پیوست و چنان شور و حالی به همگی دست می داد که بعضی ها هم که هنری نداشتند چون رقصی چنان میانه میدان نشان آرزو بود، جمعیت را عقب زده با گفتن «با اجازه» دست از آستین درآورده و با رقص «شتری» گرفته تا «شاطری» تن و بدن را عقده زدایی می کردند!!!»

آقای مدیر کل فریادم را قطع کردند و گفتند: پس چه نشسته اید، شما هم هنری بنمایید، ببینم چقدر دور و بر ما جمع می شوند و تشویق می کنند؟! گفتیم: قربان ساعت ۱۱ شب است و حتی شهر هم به خواب رفته.

گفتند: ما که هستیم... دست بر قضا یکی از کارمندان که البته خواننده نبود ولی صدایی رسا و در عین حال خام و ناپخته ای داشت و همیشه هم به دنبال موقعیت و گوش های مجانی می گشت!! با پیشنهاد همه همکاران دعوت به خواندن شد.

برای اکو و انعکاس صدا آنها را داخل یکی از غرفه های طاق مقعر پل بردم که جز صدای آب و تاریکی خبری نبود...

یا این که سازمان یونسکو اصفهان را یکی از ده شهر، به عنوان میراث جهانی شناخته است. بله توریست ها به این جا می آیند که شگفت زده و تحسین کننده، افتخار کنند که بالاخره به پل خواجو رسیدیم...

پایین محوطه پل از دو شیرسنگی در دو طرف پل که از زمان «صفویه» تاکنون ماشاء الله تکان نخورده! و قیراق و پابرجا تا امروز به خلق الله کولی می دهند، دیدن کردیم.

بساط کاهو فروشی در آن موقع شب برچیده شده بود. صدای غرش آب و هیبت آن از دهانه های پل سربه هم داده، ندای دوران مجد پایتخت و شاه نشینی «شاه عباس» را به گوش جان می رساند. صدا به صدا نمی رسید! با حالت فریاد گونه به عرض همکاران رساندم: «همه هنرمندان به خصوص دست اندرکاران موسیقی که از افق اصفهان طلوع کرده اند، بارها و بارها در همین قوس های پل با نواختن ساز و چهچهه صدا، خود را به نمایش می گذاشتند. در اصل با غوغای سیل آسای آبخار برای مسابقه، تمرین و خود نشان دادن «هل من مبارز» می طلبیدند...به مجردی که صدایی و نوایی از یکی غرفه ها بلند می شد توریست ها برای شنیدن و تشویق کردن دورشان



هستیم. قرار بود اماکن دیدنی و تاریخی که پزش را می دادید نشانمان بدهید؟! عرض کردم: سمعا و طاعتا، همین امشب بعد از شام...

چرا که بلافاصله به یاد محوطه پل زیبای خواجو در زیر نور ماه و چراغ های خیره کننده افتادم که بخصوص در شب های تابستان حال و هوایی دیگر داشت. اتومبیل اداره را به خدمت گرفتیم و راهی شدیم.

در بین راه هم تا توانستم در منقبت و شأن این شهر داد سخن دادم. گوئی همه شش دانگ اصفهان جمله طلق ملک پدرم بوده و برای چاشنی عرایض هم، از گفتار بزرگان و مشاهیر جهان یکی پس از دیگری ردیف می کردم. به قول «دیدرو» روانه قصری شدند عظیم که بر سردرش نوشته شده بود، «من از آن هیچ کس نیستم و از آن همگانم». پیش از آن که وارد شوید در این جا بوده اید و پس از آن که خارج شوید در این جا خواهید بود!

من همه شهرهای ایران را دوست می دارم که فرمود: همه جای ایران سرای من است... ولی چه کنم که خاطراتم بیشتر در حدود و ثغور اصفهان دور می زند! یاد یک روز و یک هفته و یک سال اقامت در سایر نقاط این دنیا به خیر ولی آن خاطراتی که طول زندگی سی سال در ذهن به جای می گذارد بالطبع چون حوادثش بیشتر، پرمات تر و هنگام یادآوری هم رنگ بیشتری پس می دهد بیشتر در ذهن می ماند...

سال ۱۹۷۳ از طرف وزارت تعاون، سمیناری برای شرکت های تعاونی در اصفهان ترتیب داده شد و بنده هم که جزو ابواب جمع اداره آموزش آن درگاه بودم، هفته ای را بین همشهری های خود به تعلیم و تعلم و تفرج گذراندم.

یکی از شب ها که به اتفاق کارشناسان دور میز شام جمع بودیم، آقای فیوضاتی مدیر کل آموزش که شخصی ادیب، سخنور و اهل بزم و رزم بودند، خطاب به بنده گفتند: آقای فلانی، آخر ما میهمان شهر شما



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴(۴۰۸)

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

عمر خود را بعد از پنجاه سال وقف این تئوری کرده و چند فیلمساز زندگی او را به فیلم درآورده اند که قابل تعمق است. از ایرلند فیلم ARDOYNE (ساخته: فیلیپ تامپسن) نخستین نمایش جهانی اش را در این فستیوال آغاز می کند که درباره بر خورد کاتولیک ها و پروتستان هاست که



ARDOYNE

تاریخچه بی طولانی دارند. از «شیلا» نوازنده طبل که معروفیتش را با خواننده «پرنس» آغاز کرد، میوزیک ویدیوی «مونالیزا» به نمایش درمی آید که اوج خلاقیت این نوازنده زن در جهان موسیقی است. برای کودکان چند فیلم مثل «امکا» از مغولستان (ساخته: باباراحمد) هست که داستان کودکی است که بعد از، از دست دادن پدر و مادرش می کوشد به پدر بزرگش بپیوندد. «جیرکا» (ساخته: کارل جناک) یک کمدی از چکسواکی، داستان پسر کنجکاوی ست که به اتفاق خانواده اش به یک مهمانی می رود و با کارهایش زندگی آنها را به هم می ریزد.

دنیاه مطلب در صفحه 04

است گام جلو می گذارد و می کوشد جسد زن را از مسیر گلوله ها خارج کند. کاری که او انجام می دهد فیلم را به اوج خود می رساند. صحنه نهایی فیلم این جوان را می بینیم که مقابل تیراندازها می ایستد تا چنانچه می خواهند او را که مسلح نیست هدف قرار دهند. پیام ارزنده ایی که این همه قتل و عام و کشتار برای چیست و چرا جان انسان ها انقدر بی ارزش شده است؟ بزرگداشت جشنواره برای فیلمساز بزرگ ایتالیا «برناردو برتولوچی» سازنده: آخرین تانگو در پاریس، ۱۹۰۰، بودای کوچک... است که یکی از مهم ترین فیلمسازان چند



«برناردو برتولوچی»

دهه سینمای ایتالیا و جهان بوده است. درباره ترور «جان کندی» رئیس جمهور آمریکا هنوز کسانی هستند که معتقدند «هاروی آزووالد» (قاتل او) تنها فردی نبود که به «کندی» شلیک کرد. یکی از این افراد شخصی ست به اسم «رابرت گوردون» معروف به «مردپلازا» که تمام

جشنواره بین المللی فیلم تیران

سعید شفا



دوره گرد با موتورش به روستای آنها می آید و او می خواهد مزه بستنی را بچشد،



«بستنی»

اما به خاطر نداشتن پول با مادرش درگیر می شود که به وضوح فقر و تنگدستی را در جوامع مشابه به زیر سوال می برد. «۱۳» (ساخته: هومن سیدی) از ایران، یکی از دیدنی ترین و غیرمنتظره ترین فیلم هایی است که در سالهای اخیر در ایران ساخته شده. نه تنها داستان فیلم بسیار متفاوت است بلکه به خاطر بازی های طبیعی بازیگران



«۱۳»

ناآشنای فیلم، این ساخته را در حدی اعلا از مابقی فیلم های سینمای ایران مجزا می کند. «خدا بزرگ است» (ساخته: کای جرولنکه) از آلمان که داستانش در سوریه اتفاق می افتد، یکی از گویاترین فیلم هایی ست که حس انسانیت را در حد کمال به نمایش



«خدا بزرگ است»

می گذارد. مادر و پسری که از مسیری در حرکت هستند، به خاطر تیر خوردن مادر توسط یک تیرانداز (نظیر فیلم «تیرانداز آمریکایی» ساخته «کلینت ایستوود») به خاک می غلطد و پسرش که تصور می کند مادرش کشته شده، نمی داند چگونه جسد مادرش را از زیر رگبار تیر به کنار بکشد. جوان دیگری که شاهد این واقعه

«جشنواره بین المللی فیلم تیران» که به منظور حمایت و عرضه فیلم های سینماگران مستقل دنیا احداث شده برای چهاردهمین سال خود طبق معمول هرساله روی مسایل مهم روز که به سیاست ارتباط پیدا می کند فیلم هایی در این زمینه به نمایش می گذارد. علاوه بر آن، فیلم هایی در ژانر مستند، انیمیشن، داستانی، موزیکال... نیز در برنامه اش هست که شامل سی و یک کشور می شود.

بخش ویژه امسال درباره «خاورمیانه» است که در ایام اخیر یکی از حادث ترین و پیچیده ترین منطقه های جهان در سالهای اخیر بوده است. فیلم هایی که در این بخش به نمایش در می آید شامل «انضباط» (ساخته کریستف صابر) از سوئیس است که داستان جمعی اضعاد است که در



«انضباط»

یک مغازه مواد غذایی به خاطر تبعیض نژادی و مذهب با یک دیگر درگیر می شوند. فیلم می کوشد مسایل شرقی ها را در کشورهای غربی از دیدی متفاوت و واقعیت نگر به نمایش بگذارد.

«خط قرمز» (ساخته: اندریاکیلین) از ترکیه و مصر درباره دو جوان سوریه یی است که برای رساندن دارو و غذا به مردم سوریه، سالهاست میان آمریکا و سوریه



«خط قرمز»

در رفت و آمد هستند و با به خطر انداختن جان خود می کوشند به هر نحوی شده به هموطنانشان کمک کنند.

«بستنی» (ساخته: سرهت کرسلان) از ترکیه داستان نوجوانی ست که در دهکده یی در این کشور روزهای خود را بی هدف سپری می کند تا اینکه یک بستنی فروش

کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال با دانش و تجربه در امور ورشکستگی، امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshaftefi, Esq.

مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی

♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

♦ Business Law

♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

(408)663-6286

www.headwaylegal.com

4701 Patrick Henry Dr., Bldg. 6, Santa Clara, CA 95054

ماجرای باغ انار!

سعید حیدری



بیشتر نبود. اون روز تعداد زیادی از کارگران بومی در باغ ما جمع شده بودن برای برداشت انار. ما بچه ها هم طبق معمول مشغول بازی کردن و خوش گذروندن بودیم! بزرگترین تفریح ما در این باغ، بازی گرگم به هوا بود اونم بخاطر درختان زیاد انار و دیگر میوه ها و بوته انگوری که در این باغ وجود داشت. بعضی وقتا میتونستی، ساعت ها قائم بشی، بدون اینکه کسی بتونه پیدات کنه! **دنباله مطلب در صفحه 01**

وقتی تلفن باز است حرف نزن. این دستگاههای انسرینگ واقعا راستگوترین رفیق ما هستند. خیلی از آدمها را که نمی شناسیم به کمک یک حواس پرتی می شناسیم. توصیه می کنم پیغام که تمام شد تلفن را قطع کنید.

زمانی که بچه بودیم، باغ انار بزرگی داشتیم که ما بچه ها خیلی دوست داشتیم. تابستونا که گرمای شهر طاقت فرسا میشد، برای چند هفته ای کوچ میگردیم به این باغ خوش آب و هوا که حدوداً ۳۰ کیلومتری با شهر فاصله داشت. اکثراً فامیل های نزدیک هم برای چند روزی میومدن و با بچه هاشون در این باغ مهمون ما بودن. روزهای بسیار خوش و خاطره انگیزی را ما در این باغ گذروندیم، اما خاطره ای که میخوام براتون تعریف کنم، شاید زیاد خاطره خوشی نیست اما درس بزرگی شد برای من در زندگیم!

تا جایی که یادمه، اواخر شهریور بود. همه فامیل اونجا جمع بودن چونکه وقت جمع کردن انارها رسیده بود. هشت و یا نه سالم

صدا بتدریج کم شد و بالاخره قطع شد. «از دوستم پرسیدم:

«خوب چه نتیجه ای گرفتی؟!»

جواب داد:

«نتیجه گرفتم که در لس آنجلس باید وقتی حرفت تمام شد گوشی را بگذاری.

نوشخند و پوزخند لبخند و زهرخند

عترت گودرزی (الهی)

etratelahi@aol.com

مهمانها از اینهمه ابراز محبت و علاقه دوستان تازه دچار بهت و حیرت شده بودند و مهمتر از همه این بود که شوهرم به شدت از بازیافتن یک رفیق دوران تحصیل آنچنان غرق شادی بود که نمی توانستم حدی برایش معنی کنم.

از آن بعد این زوج مهربان و دست و دل باز شدند جزء لاینجزی ما. اگر کنسرتی بود شوهرم چهار بلیط می خواست. اگر شام بزرگی بود این دو نفر در لیست ما بودند و جالب اینکه این دوست مدرسه ای در هر مجلسی چنان درباره شوهرم منبر میرفت و زبان به تحسین او باز می کرد که انگار دارد در وصف شاهی قصیده می خواند. در حرفهای او کوچکترین تقلبی نبود و بخصوص که او به هر مناسبتی ما را خجالت می داد تا اینکه...

رفیقم ساکت شد. صدایش حالت بغض ماندنی پیدا کرد و ادامه داد: «تا عید امسال که اتفاق جالبی افتاد. روز عید تلفن کردیم تبریک بگوئیم نبودند روز بعد تلفن ما را برگرداندند و این بار فقط آقا بود که باز با همان کلمات شیرین سرشار از اخلاص عید را به شوهرم و من تبریک گفت اما از خانمش خبری نبود. صدای او روی پیغام گیر بالا و پائین می رفت خداحافظی کرد اما تلفن قطع نشد. شوهرم به من گفت بیا ببین مثل اینکه اینها حرفی دارند و مثل اینکه سیمین هم می خواهد به تو تبریک بگوید. به تلفن نزدیک شدم دیدم تلفن باز است و زن و شوهر دارند حرف می زند صدای سیمین بود که می گفت:

«ولشون کن. تبریک گفتن که گفتن.

شوهرش گفت:

«آخه بده من تبریک گفتم تو نگفتی.

و سیمین جواب داد:

«نگفتم که نگفتم. مگه اینها کی هستن! پرزیدنت اواماست!!»

شوهر فریاد زد:

«اون برای من از پرزیدنت اواما بالاتره.

و خانم ادامه داد:

«آخه اینها چه پخی هستن که تو آنقدر ازشون تعریف می کنی؟!»

صدای دعوی زن و شوهر همینطور ادامه داشت و می شنیدم که شوهر فریاد می زد:

«رفیقمه، رفیقمه!

و خانم عربده می کشید:

«آره هر چی من میگم عوضیه!

این ماه می خواهم به مطلبی که یکی از دوستانم در ایام عید برایم بعنوان درد دل حکایت کرد بپردازم. باور کنید حتی یک کلمه از حرفهای آن دوست را جا نینداخته ام و در عین حال می دانم که یک کلمه نیز مبالغه نکرده است. دوستم می گفت: «همانطور که میدانی شوهر من یک آدم سرشناس لس آنجلس است که علاوه بر استادی در دانشگاه در اغلب انجمن ها و مجامع ایرانی و آمریکائی حاضر می شود یا بهتر بگویم دعوتش می کنند که مجلس رنگ و رونقی بگیرد. وقتی صحبت می کند چنان دو تمدن ایرانی و آمریکائی را با هم پیوند می دهد که محال است آقایان اواما و روحانی در کنار هم بتوانند اینکار را بکنند.»

حرفهای دوستم را یک قلم باور کردم چون خودم بارها شاهد میزان ابروی این زوج در جامعه ایرانی بوده ام. بهرحال دوستم دنباله حرفش را گرفت و ادامه داد: «اما حدود پنج شش سال پیش یک روز شوهرم با چهره خندان و خوشحال به خانه آمد. هرگز او را آنقدر خوشحال ندیده بودم معطل نکرد و گفت: (میدانی امروز چه اتفاق خوبی افتاد؟ من یکی از همکلاسی های دبیرستانی در تهران را بعد از سالها اینجا پیدا کردم. ما در مدرسه رفیق و خیلی بهم نزدیک بودیم. از دختر بازی تا تقلب سر امتحان با هم بودیم تا اینکه دبیرستان تمام شد و من به دانشکده رفتم، بعد هم برای ادامه تحصیلات روانه خارج شدم و از این دوستم جدا افتادم. بعد هم زندگی چنان مشغولم کرد که او را از یاد بردم. اما امروز در یک چلوکبابی یک هو دیدم یک نفر از پشت بغلم کرد. آره خودش بود. برای پس فردا شب از خودش و زنتش دعوت کردم که شام بیایند اینجا.) با این اخلاق غافلگیرکننده شوهرم سالهاست که آشنا هستم. طبعاً عده ای دیگر را هم دعوت کردم. شب موعود آقا با خانمش به مجلس وارد شد. باور کن انگار که دوتائی آمده بودند به یک سورپرایز پارتی. از زعفران و زرشک و کشمش و شربت بگیر تا چیزهای دیگر که در یک چرخ گذاشته بودند همراه با یک دسته گل. با هر دو دست دادم و از ملاقاتشان ابراز خوشحالی کردم. بخصوص خانم که بسیار مودب و مبادی آداب بنظر می رسید.

Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی

لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی

♦ دریافت حقوق پرستاری

♦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط

♦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج

♦ تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی

♦ اخذ ویزای نامزدی

♦ مدیکر و مدیکل، SSI

♦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی

♦ اخذ پاسپورت سفید

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش:
مهندس پرویز نظامی



طالب آملی

از طالب آملی است:

از ضعف به هر جا که نشستیم، وطن شد
از گریه به هر سو که گذشتیم، چمن شد
جان دگرم بخش که این جان که تو دیدی
چندان ز غمت خاک به سر ریخت که تن شد
پیراهنی از تار وفا دوخته بودم
چون تاب جفای تونیاورد کفن شد
هر سنگ که بر سینه زدم، نقش تو بگرفت
آن هم صنمی بهر پرستیدن من شد
طالب آملی، مدت ها در آرزوی این بود
که به وسایلی خود را به دربار جهانگیر
شاه سلطان مشهور هندوستان برساند
چندان از راه طلب، پای نکشید تا سرانجام
مطلوب خویش را به دست آورد و پس از
سالها کوشش و مجاهدت و تحمل مشقات،
به حضور جهانگیر شاه معرفی شد. ولی
واقعه ای روی داد که نتوانست چنان که

علامه اقبال بزرگترین شاعر پارسی گوی
پاکستان درباره شاه همدان در منظومه
مفصلی می گوید:

سیدالسادات سالار عجم
دست او معمار تقدیر امم
آفرید آن مرد ایران صغیر
با هنرهای غریب و دلپذیر
رواج زبان و ادبیات و شعر فارسی در
کشور باستانی هند به جایی رسید که بنا به
نوشته یکی از تذکره نویسان، تنها در یک
دهکده از آن دیار، هفتصد شاعر پارسی
گوی بوده اند. و نیز چنانکه قبلاً گفته شد
دربار سلاطین پارسی دوست هند مدت ها
مأمّن شاعران مهاجر ایران از قبیل صائب
تبریزی، کلیم کاشانی، طالب آملی و ده ها
شاعر دیگر ایرانی بوده است.

برمقام و منزلت وی بیفزود تا اینکه در
سال ۱۰۲۸ هجری، منصب ملک الشعرا
دربار هند را به او تفویض کرد و وی را
مورد الطاف خاص قرار داد. طالب، در
سفر و حضر مصاحب و ندیم سلطان بود
و با او به کشمیر و گجرات و سایر نواحی
هندوستان سفرها کرد. در موقع ورود
سلطان به احمدآباد گجرات، چون مرض
ویا به آن شهر هجوم آورده و تلفات بسیار
به ساکنین آنجا وارد کرده بود، طالب
ضمن یک رباعی، به این واقعه اشاره کرده
و گفته است:

دور از تو، ز شهر، خاطر شاد گریخت
عشرت چون برق و عیش چون باد گریخت
از بس که نهاد رو به ویرانی ملک
آباد، ز نام احمد آباد گریخت!

طالب آملی که در سال ۱۰۲۸ هجری
چنانکه متذکر شد مرتبه ملک الشعرا
دربار جهانگیر شاه را یافته بود چندسالی
در نهایت عزت و احترام در رکاب او بود
و بعد از سالها اقامت در هندوستان به علت
همان اختلال مشاعری که در او پدید آمده
بود حدود سال ۱۰۳۵ یا ۱۰۳۶ چشم از
جهان فرو بست. در موقع مرگ تقریباً چهل
سال از عمر او گذشته بود. شاعر معروف
حکیم رکنای مسیح کاشی که از منسوبین
او بود در رثایش چنین سرود:

فرزند عزیز و طالب خوبش رفت
زین واقعه تا چه بر دل ریشم رفت
من بودم و آن عزیز در عالم خاک

حاکم بر سر، که آن هم از پیشم رفت
بدینگونه دوران حیات شاعری بزرگ و
خوش ذوق که از نوآوران ادب پارسی
است، در جوانی به پایان رسید، در حالی
که با فرصت کوتاهی که از روزگار یافته
بود مجموعه ای بزرگ از شعر فراهم آورد.

بود خویشی، میان ارغنون و سینه عاشق
از آن بر دل نشینند، ناله ای کز تار برخیزد
به اندک شورشی کز عشق بینی عافیت مگزین
به ملک عاشقی، زین فتنه ها، بسیار برخیزد

ز اشک شام و سحر چند دیده، تر ماند؟
دعا کنیم که نه شام و نه سحر ماند
ز غارت چمن، بر بهار منت هاست
که گل به دست تو، از شاخ، تازه تر ماند
نهاده ام به جگر، داغ عشق و می ترسم
جگر نماند و این داغ، بر جگر ماند
ز شهید خامه طالب، چو لب کنم شیرین
دو هفته در دهنم، طعم نیشکر ماند
طالب، از شعرای نامدار سبک هندی و از
نادره گویان عصر خویش بوده است. نازک
خیالی و رقت اندیشه و مضامین تازه و
تعبیرات جدید در اشعار و گفته های او
فراوان دیده می شود.

صائب تبریزی، شاعر بزرگ عهد صفوی،
در غزلی نام طالب را یاد کرده و می
فرماید،

باید مشمول عنایت پادشاه قرار گیرد. اما
دومین بار که به خدمت سلطان باریافت،
مورد لطف واقع شد و در سلک شعرا
دربار هند درآمد.

داستان آن واقعه ناگوار از این قرار است:
طالب در اواخر عمر اندک اختلالی در
حواسش پدید آمد. تصور می رود که این
اختلال حواس، اگر حقیقت داشته باشد،
نتیجه مداومت در استعمال معجون افیون
دار بوده باشد. طالب هنگامی که قرار بود
به پیشگاه جهانگیر شاه معرفی شود از این
مفرح افیونی خورده و در نتیجه هنگام
باریافتن به اختلال حواس دچار شده بود
و نتوانست در برابر محبت ها و عنایت
های شاهانه کلمه ای بر زبان آورد و در
قطعه ای که بعد از این واقعه سروده از راه
اعتذار چنین گفته است:

مفرحی زده بودم بقصد گفتن شعر
خروج نشأه آن کرد هر چه کرد بمن
ببزم پادشهم زان زبان نمی گردید
که گشته بود مرا خشک از آن زبان و دهن
این مفرح زدن طالب کار تازه ای از
او نبود و وی در اشعار خود به اعتیاد
خویش بر استعمال افیون اعتراف
هایی دارد و از آن جمله می گوید:

طالب نصیب ما ز می لاله رنگ نیست
ما را برات نشأه به افیون نوشته اند
روی گردان می شود از صحبتش فیض شراب
همچو طالب هر که او معتاد افیون می شود

بی نشأه افیون بتنم هوشی نیست
این زهر گوارنده کم از نوشی نیست
ماشی است مرا خوراک افیون آنگاه
ماشی که برابر گه موشی نیست
پس واضح است که بیچاره طالب به
خوردن افیون خو کرده بود و اعتیاد
بدین زهر پرخطر نتیجه های بدی دارد
که یکی از آن ها هوش ربایی و عقل
زدانست و دچار شدن شاعر پر استعدادی
چون طالب به اختلال حواس باید بیشتر
از همین راه بوده باشد.

گذشتی بر من و دامن فشانندی
خس و خارم به پیراهن فشانندی
فشانندی بر دلم پیرایه حسن
بساط برق، بر خرمن فشانندی
همان دامن که از دستم ربودی
بر از گل کرده، بر دشمن فشانندی
در مذمت از کشیدن بار منت، رباعی
دلپذیری دارد به این شرح:

آسوده لبی، که ساغر جم نچشید
خوش دل زخمی که بار مرهم نکشید
من بلبل آن گلم که در گلشن دهر
پژمرده شد و منت شبینم نکشید
پادشاه هند، که سلطانی شعرشناس و کریم
النفس بود، نسبت به طالب، نهایت محبت
و ملاطفت را مبذول داشت و روز به روز

دکتر کاملیا محمودی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

Law Office of
Camelia Mahmoudi



طلاق، لیونگ تراست، وصیت نامه، مالیات

Family Law:

♦ Divorce (Litigation & Mediation)

♦ Prenuptial Agreements

Estate Planning:

♦ Wills & Living Trust

Taxation:

♦ IRS & State Tax problems

دعای خانوادگی:

♦ طلاق: دعای و موافقتی

♦ قرارداد های قبل و بعد از ازدواج

انحصار وراثت:

♦ تنظیم وصیت نامه، تراست و وکالتنامه

امور مالیاتی:

♦ مشکلات مالیاتی و دفاع در مقابل IRS

Experience and results matter.

Our law firm has both.

Camelia Mahmoudi

Attorney at Law/J.D., LL.M. Taxation

(408)658-8580

camelia@camelialaw.com + www.camelialaw.com

2021 The Alameda, Suite 200. San Jose, CA 95126

منطقه فضول آباد

این دیگه کیه سخنرانی می کنه؟

خطابه یا سخنرانی مثل هر چیز دیگه، فوت و فن داره، حساب و کتاب داره، درس داره و باید یاد بگیریم. نکته ها داره و اگر بلد نباشی، هر کی میخوای باش، کم میاری، بی اعتبار میشی و بدتر از آن یه وقت دیدی میون ناباوری هنگام سخنرانی هو شدی. اینته که آگه این فن یا هنر را خوب بلد نیستی، گیر میکنی. آگه می خوای سخنران خوبی باشی و حرمت داشته باشی این ها را بخوان.

👉 این آقای سخنران به دست لباس حسابی نداشت بیوشه؟

👉 چرا پشت میکروفن اینقدر وول میخوره؟

👉 چرا میکروفونش درست تنظیم نیست؟

👉 چرا جلو مردم اینقدر اخم کرده؟

👉 چرا اینقدر آب می خوره؟

👉 چرا درست و حسابی نمیکه میخواد راجع چی حرف بزنه؟

👉 چرا نمی گن چقدر وقت داره حرف بزنه؟

👉 چرا اینقدر مرتب سرشو می خارونه؟

👉 چرا بجای حرف زدن اینقدر داد میکشه؟

👉 چرا این قدر کلمات قلمبه و سلمبه بکار میره آنهم برای یک عده کارگر؟

👉 چرا درست معرفیش نکردن، نگفتن چی خونده؟

👉 چرا بی جهت مثل دیوونه ها بیخودی می خنده؟

👉 چرا اینقدر از خودش تعریف می کنه؟

👉 چرا اینقدر کتابی و خشک حرف مینزنه؟

👉 چرا هر مطلبی را اینقدر کش میده؟

👉 چرا اینقدر لهجه داره ما نمی فهمیم چی میگه؟

👉 چرا در سالن رو بستن؟

👉 چرا کولر سالن راباز نمی کنند گرما هلاک شدیم؟

👉 چرا اینقدر آدمها تو سالن هنگام شروع سخنرانی باز راه میرن؟

👉 چرا بلندگو اینقدر خر خر می کنه؟

👉 چرا این آقا دو ساعته یک ریز حرف می زنه! هلاک شدیم؟

👉 چرا این سخنرانی تموم نمیشه؟

👉 باشو بریم. این تموم بکن نیس!

👉 بریم؟ بریم!

♦ هم کار آقای میز است که مثل همه کارهای ایشان زیبا و درست است.

پوست هندوانه گاز بزنی کچل می شوی

صادق هدایت نامدارترین نویسنده عصر ما کتابی دارد بنام نیرنگستان که حاوی بخشی از عقاید خرافی و بی اساس است. نمونه هایی از این خرافات را چنین می آورد.

♦ برنج خشک بچوید ریشتان کوسه می شود

♦ تخم دستنبو آوارگی می آورد

♦ تخم جاروب در اتاق بریزد دعوا می شود

♦ حنا موخوره را میریزاند

♦ درخت پسته و گردو آمد و نیامد دارد

♦ روی هر دانه برنج یک قل هو الله نوشته نباید زیر پا بیفتد

♦ پوست هندوانه گاز بزنی کچل می شوی. دو سر هندوانه را باید یک نفر بخورد. دو نفر بخورند دعوا می شود.

♦ گل محمدی از عرق روی محمد که بر

زمین چکیده سبز شده

♦ بعد از خوردن هندوانه تخمه اش را بشکنند خاصیتش می رود

♦ هرگاه زن آبستن سیب و گلابی بخورد بچه اش خوشگل می شود

♦ انجیر و سیب و انگور میوه بهشت است

♦ پیاز در خانه گل بدهد آوارگی می آورد

♦ روز جمعه پیاز خام نباید خورد

♦ ریشه درخت مو سبز را نباید کند.

هرکسی بکند می میرد

♦ خون قورباغه و مارمولک شوم است

و اما داستانی دیگر از همین کتاب

عوج بن عتق بقدری بلند بوده که ماهی را

از دریا در می آورد و جلو خورشید پرشته

می کرد و می خورد. یک روز منیت کرد

به خودش بالید و گفت مخلوقی بلندتر از

من نیست. هنگام صید ماهی که رسید دست

کرد در دریا کمر یک ماهی را گرفت بیرون

کشید و برد جلو خورشید. وقتی که نگاه

کرد دید سر و دم ماهی هنوز در دریاست

ماهی را ول کرد. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

مشقی تازه
در روزهای غربت

حسینعلی مکنوئی

فریمان- کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



شکوفایی و شهرتش بود. سال ۱۳۵۸ بود که برای معالجه رفت به لندن. من هم لندن بودم و با پدرم هر روز به دیدنش می رفتیم. یک روز دکتر پدرم را صدا کرد و به او گفت که امیدی نیست و تا دو سه ماه دیگر کار تمام است. یاد می آید تمام راه تا خانه در سکوت و بغض گذرانیدیم. من همان روز تصمیم گرفتم برای این دوست خوب و عزیز کاری بکنم. فردا که به بیمارستان رفتیم از او اجازه ی چاپ کتاب را گرفتیم. همه اش می گفت من که کسی نیستم. کتاب برای چه؟ اما بعد گفت: امیدوارم کتاب را ببینم. برگشت تهران. من هم برگشتم. به او گفتم که کتاب را شروع کرده ام. اجازه چاپ نقاشی ها را از صاحبان آثار گرفتم و اجازه چاپ شعرها را هم کتبا از خانواده گرفتم اما انتشار کتاب به زنده ماندن او نرسید. این کتاب هنوز هم دارد منتشر می شود و هواخواه دارد. نویسندگان ارزشمندی هم برای کتاب مقاله نوشتند و شکل ظاهری کتاب و صفحه بندی

انقلاب، مصیبت پیش بینی ناپذیر

راسل در زندگینامه خود می نویسد که جوزف کنراد هر انقلابی را یک مصیبت پیش بینی ناپذیر می شناخت. او می گفت: هر انقلابی یک چشم بندان و یک شعبده است. شعبده ای که مردم را به آسانی خیره می کند و همه را به مرزهای تخریب می کشاند و تدبیر جامعه را به جنگ نیروهای عقل ستیز می دهد. جوزف کنراد به من گفت: شما یک نمونه بدست بدهید که یک انقلاب و دگرگونی زیر و زبر کننده نیروهای عقل ستیز را بر جامعه مسلط نکرده باشد. روشنفکران، این هواستج های بحرانها، باید مراقب باشند که با دگرگونی و انقلابشان شومی و شوم بختی را به ارمغان نیاورند.

لیلی گلستان از سپهری می گوید!

سهراب دوست خانوادگی ما بود. او را زیاد می دیدیم. بعد سرطان گرفت. در اوچ

آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا



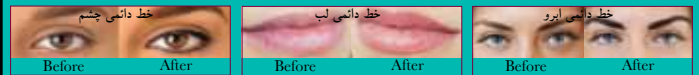
Mino Parsa/Beautician

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز، زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملا آرام و بهداشتی

♦ Permanent Makeup Specialist

♦ Non-Surgical Facelift ♦ Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974

سه حکایت

مرد جوانی نزد «ذوالنون مصری» رفت و از صوفیان بدگویی کرد. ذوالنون انگشتی را از انگشتش بیرون آورده به او داد و گفت: «این را به بازار دست فروشان ببر و ببین قیمت آن چقدر است؟»

مرد انگشتش را به بازار دست فروشان برد ولی هیچ کس حاضر نشد بیش از یک سکه نقره برای آن بپردازد. مرد نزد ذوالنون بازگشت و مایه را تعریف کرد. ذوالنون گفت: «حال انگشتی را به بازار جواهر فروشان ببر و مظنه آن را بپرس.»

در بازار جواهر فروشان انگشتش را به هزار سکه طلا می خریدند. مرد شگفت زده نزد ذوالنون بازگشت و ذوالنون به او گفت: «علم و معرفت تو از صوفیان و طریقت ایشان به اندازه علم دست فروشان از این انگشتیست.» **قدر زر، زرگر شناسد، قدر گوهر، گوهری.**

مردی از کنار جنگلی رد می شد، شبی را دید که برای شغالی خط و نشان می کشد. شغال به خانه رفت و در را بست ولی شیر همچنان به حرکات رزمی اش ادامه داد و شغال را به جدال فرا خواند. مرد سرگرم تماشای آنان بود که کلاغی از بالای درخت از او پرسید چه چیز تو را این چنین متعجب کرده است؟

مرد گفت: به خط و نشانهای شیر فکر می کنم، شغال هم بی توجه به خانه اش رفته بیرون نمی آید!

کلاغ گفت ای نادان آنها تو را سرگرم کرده اند تا روباه بتواند غذایت را بخورد!

مرد دید غذایش از دستش رفته از کلاغه پرسید روباه غذایم را برد شیر و شغال را چه حاصل؟

کلاغه چنین توضیح داد: روباه گرسنه بود توان حمله نداشت، غذایت را خورد و نیرو گرفت، شیرهم بدنش کوفته بود خودش را گرم کرد تا هنگام حمله آماده باشد و شغال هم خسته بود رفت خانه تا نیرویی تازه کند تا آن زمان که جلوتر رفتی هر سه بتو حمله کنند و تو را بخورند؟!

مرد پرسید: از اطلاعاتی که به من دادی تو را چه حاصل؟

کلاغ گفت: آنها کیسه زر تو را به من وعده داده بودند تا تو را سرگرم کنم.

مرد فقیری بود که همسرش کره می ساخت، آن زن کره ها را به صورت دایره های یک کیلویی می ساخت.

مرد آنها را به یکی از باقالی های شهر می فروخت و در مقابل مایحتاج خانه را می خرید. روزی مرد بقال به اندازه کره ها شک کرد و تصمیم گرفت آنها را وزن کند. هنگامی که آنها را وزن کرد، اندازه هر کره ۹۰۰ گرم بود.

او از مرد فقیر عصبانی شد و روز بعد به مرد فقیر گفت: دیگر از تو کره نمی خرم، تو کره را به عنوان یک کیلو به من می فروختی در حالی که وزن آن ۹۰۰ گرم است.

مرد فقیر ناراحت شد و سرش را پایین انداخت و گفت: ما ترازویی نداریم و یک کیلو شکر از شما خریدیم و آن یک کیلو شکر را به عنوان وزنه قرار می دادیم. یقین داشته باش که: به اندازه خودت برای تو اندازه می گیریم!

مرض موت با رضایت زنان دیگر خود، بستری به منزل عایشه برد و هم در آنجا رحلت کرد. به نوشته مورخان، عایشه زنی زیبا، باهوش، آشنا به ادب عرب بود. بعد از مرگ پیغمبر، عایشه مورد احترام خلفای اول و دوم بود اما از اواسط خلافت عثمان که نحوه خلافتش به امارت شبیه شده بود از مدینه به مکه رفت و این کار را به عنوان یک عمل اعتراضی انجام داد. بعد از قتل عثمان، به همراه طلحه و زبیر که دو تن از صحابه خاص پیغمبر بودند به بهانه انتقام خون عثمان و مخالفت با خلافت امام علی بن ابی طالب قد علم کرد و جنگی را که به نام جنگ جمل معروف است تقریباً رهبری نمود.

جنگ با پیروزی علی به پایان رسید. طلحه و زبیر کشته شدند اما امام علی ابن ابی طالب عایشه ام المؤمنین را به احترام تمام روانه مدینه کرد و او تا پایان عمر در آن شهر بسر برد و هم در آنجا وفات یافت و در گورستان بقیع در کنار دیگر

یادداشتهای با تاریخ

صدرالدین الهی



گلشيفته فراهانی و عایشه همسر پیامبر

را دختری زیبا، با جرأت و بیرون از ابعاد تصورات معمول مرد جمهوری اسلامی توصیف می کنند بدانند که عایشه نامی بزرگ در تاریخ اسلام است. عایشه دختر ابوبکر صدیق یار غار پیغمبر اسلام و خلیفه اول مسلمین است. این دختر مورد توجه و علاقه پدر بود. بعد از وفات خدیجه نخستین همسر پیغمبر، زن عثمان بن مظعون در جستجوی همسری برای پیامبر برآمد و عایشه را برای این کار نامزد کرد.

ازدواج پیغمبر با عایشه هجده ماه بعد از هجرت به مدینه اتفاق افتاد. پیغمبر به همسر جوانش که از هوش سرشاری برخوردار بود علاقه فراوان داشت. عایشه را به سبب آن که سرخ مو بود حمیرا صدا می زدند و پیغمبر او را به این نام می خواند.

علاقه پیغمبر به عایشه تا به آن حد بود که پس از نزول وحی و خستگی ناشی از این نزول، پیامبر چون چشم می گشود عایشه را به حضور می طلبید و از او می خواست که با وی سخن گوید و اصطلاح «کلمینی یا حمیرا» یعنی ای حمیرا با من سخن بگویی، از اینجا آمده است و مولانا در مثنوی چند بار آن را به کار برده از جمله در این بیت که در نعت رسول خداست گفته است:

آنکه عالم بنده گفتش بدی

کلمینی یا حمیرا می زدی

علاقه پیغمبر به عایشه به حدی بود که در

به یاد خبری افتادم که سال ها پیش درباره گلشيفته فراهانی در نشریات خواندم. گلشيفته فراهانی هنرپیشه جوان ایرانی که قرار بود برای مذاکره با کمپانی های فیلمبرداری هالیوود به آمریکا بیاید، ممنوع الخروج شده بود. در همان خبر آمده بود که او در یک فیلم با لئوناردو دو کاپریو هنرپیشه جوان سینمای امروز آمریکا همبازی بوده و نقشی را با نام عایشه بازی کرده است. تصور این بنده بدبین، در زمانی که این خبر را خواندم، بر این بود که رژیم اسلامی ایران از برگزیدن نام عایشه توسط یک دختر ایرانی شیعی به خشم آمده و دختر هنرپیشه را به این جرم ممنوع الخروج کرده بود.

این که این تصور برای من پیدا شده بود ریشه در دشمنی ملایان شیعه با زنی دارد که دیگر مسلمین جهان او را «ام المؤمنین» یعنی مادر صاحبان ایمان می خوانند و خطاب می کنند. اما ملایان شیعه این زن را دشمن امام علی بن ابی طالب قلمداد کرده اند و به تدریج نام عایشه در فرهنگ شیعی ما مرادف با زن بد شده و در تداول عام اگر می خواسته اند به زنی توهین کنند، او را «عایشه» خطاب می کردند.

در این اندیشه بودم که دیدم بد نیست یادداشتی درباره عایشه بنویسم تا گلشيفته فراهانی که دوستان سینمایی نویسن من او

لادن الهی

مشاور آگاه و با تجربه

در خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

My mission is to provide an excellent service & to exceed all your expectations!

www.TheBayAreaHomes.us



فرید منزل می تواند بزرگترین سرمایه گذاری در طول زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Ladan Elahi, Broker Associate, CDPE, GRI BRE # 01866376

Cell: (925)336-0227 ♦ ladan@ladanhomes.us

760 Camino Ramon #200, Danville, Ca 94526



سوپر مارکت اطمینان



سماور های تمام اتوماتیک ساخت آلمان



Samovar
mulex
Germany

نماینده پخش سن حوزه: فروشگاه اطمینان

عرضه محصولات گوشتی در سوپرمارکت اطمینان:
کله، پاچه، زبان، گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی سفید و ماهی دودی



عرضه کننده مجموعه ای از لوازم خانگی، آشپزخانه، کادویی، قلیان و انواع تنباکو

5754 Santa Teresa Blvd. San Jose, CA 95123
(408) 226-5992

بتراشیم که به هر کیفیتی امکانش موجود باشد با کسانی که وضع مفصلی دارند آشنا شویم و رفت و آمد مداومی را تضمین نماییم و مثلاً دوست شویم و در ضیافت های شبانه ما هم باشیم و این بودن در جمع «دوستان» سرشناس متمکن یعنی تبلیغ و ایجاد فضای ترفیع موقعیت شخص. چرا که عجالتاً «پولدار» بودن بالاترین مزیت انسان زنده بین ما ایرانیان است. شخص پولدار یعنی سرآمد دهر و مظهر شخصیتی استثنائی و چه نعمتی است دوستی چنین موجود فوق بشری. و اما در عهد و زمانه ما دوستی های واقعی از دوران تحصیل و همسایگی و خویشاوندی نطفه می بست و تدریجاً طی سالیان سال استحکام می یافت. حساب کتابی در کار نبود. صدق و صفای مطلق. نمی دانم شاید آن دوستی های ناب هم همانند سایر مواهبی که می پنداشتیم در فضائل نیک ایرانی اصیل نبوده است و همانگونه که درباره «هوش و فراست» خودمان غلو می نمودیم که هنوز هم جماعتی خوش خیال همین تصور باطل را مرتباً تذکر می دهند شاید دوستی های قدیم هم چندان بی غل و غش نبوده است.

روزی به شب و شبی را به صبح رسانند و ما وطن گم کردگان مدعوین میهمانی های شبانه را دوست می نامیم که معمولاً دوستی ظاهری، سطحی و نمایشی است. فقط برای سرگرمی، گردش و وراجی های بی معنا. همان بهتر که «سنگ صبور» مان واقعاً یک قطعه سنگ باشد. نه توقعی، نه انتظاری، نه حرف و نقلی. سالم و ساکت و شنوا. ما بگوئیم، درد دل کنیم و سنگ صبورمان گوش کند. دیگر فهمیده ایم که همه مواهب مراتب دنیای امروز را بقائی وجود ندارد چه رسد به صفات پسندیده و امتیازات انسانی مورد نیاز و بعد از چند دهه ناپسامانی قاعدتاً باید فهمیده باشیم زندگی در غربت عقیم و تسکین سرخوردگی ناشی از تغییرات و تحولات مادی و معنوی توهمی گذراست. بدین معنا که اصولاً زندگی در این سرزمین پهناور پوشالی است، حتی برای خود این مردمان پناهنده دور دنیا و شاید از شدت شرایط ناموزون مشخص ترین واکنش همین مرحله دوست یابی و دوست نمائی ما ایرانی ها باشد که معاشرین مجالس سور و سرور سرگرمی و محک زدن سر و پز را دوست می انگاریم. مهمتر آنکه بگردیم، بیرسیم، وسیله

از درگوشی ها

به قلم: پیرایه

تراشی از رودخانه ای که روزی چند بار آبکشی می کرد پیدا کرده و شبها دیروقت با سنگ درد دل می کرد. خلاصه سنگ صبورش اشکها و ناله های دخترک را تحویل می گرفت و خواش می کرد.

فریدون مشیری که یادش گرمی باد می گوید: «بیا به سنگ بگوئیم، چونکه غیر از سنگ کسی حکایت دوران ما نمی داند». و چنین است که پناه بر سنگ خارا، بر دوست و دوستی زمانه ما رجحان دارد چرا که خصوصاً در این سرزمین عجائب دیگر هیچگونه رابطه و ضابطه اخلاقی، فرهنگی و عواطف هم وطنی، هم مسلکی، همخونی و همسایگی وجود ندارد. مردمی هم که از در و دیوار بی در و پیکر این پناهگاه هجوم می آورند جمیعاً از ریشه جدا شده و از خانه و خانمان رانده و طبعاً بدون پایبندی به هم بستگی های قلبی و عاطفی و انسانی در باد شناورند که

در جائی خواندم «غمی بر دلم سنگینی می کرد. رفتم با دوستی درمیان گزارم شاید از بارگرائش بکاهد تا اندکی از رنج درون سبک شوم دیدم ای دل غافل کو دوست. گشتم و گشتم و بسیار گشتم و نیافتم...»

ننه پیری داشتیم که شب ها برای ما بچه ها قصه می گفت. دهان گرمی داشت و حکایت های شیرینی روایت می کرد. قصه ملک جمشید، دختر شاه پریان، امیر ارسلان و چندین و چند قصه دیگر که خاطر ندارم. قصه ها تکرار می شد و گاهی سرریزنگاه قصه، ننه خوابش می برد و ما بچه ها پررو داد می زدیم «نخواب باقی شو بگو».

یادم می آید هر شب هم ننه می پرسید «کدوم و بگم» و من همیشه می خواستم قصه «سنگ صبور» را بگویم. حکایت دختر بچه بی مادری، اسیر ظلم و جور «زن پدر، بد خلق، خشن، تنبل و بسیار حسود». دخترک سنگ سفید خوش



Kids Club Daycare

هدف ما ایجاد فضایی سازگار با روح کودکان است تا در آن شادی و امنیت را تجربه کنند، مهارت های خوداستقلالی را بیاموزند و از بند های وابستگی رهایی یابند

Our goal is to provide a safe & clean environment with healthy meals, lots of love, care & creative learning experience.



با مدیریت توران ریواز
Lic.#434414083

Ages 1 month
to 8 years old



Monday-Friday 7:30 to 5:30

Cell: (408)826-2467 Work: (408)217-8984

2650 Keystone Ave., # 65, Santa Clara, CA 95051



مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing & Tax Services

سرویس مطمئن، قیمت مناسب، توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت ها)

Tax Planning

Tax Return Preparation

Business Bookkeeping

Tax Problem Resolution



Responsive to Your Needs

Reliable Service Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408)236-2444 Fax: (408)236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117

مریلین مونرو



مریلین مونرو با نام اصلی «نورما جین بیکر» در تاریخ ۱ ژوئن ۱۹۲۶ میلادی در لس آنجلس به دنیا آمد. در ۹ سالگی به یتیم‌خانه سپرده شد و سپس در طول سال‌ها سرپرستی وی به ۱۱ خانواده مختلف سپرده شد. مادرش از بیماری روان‌گسیختگی رنج می‌برد.

پدر حاضر نشد که مریلین را ببیند. بعدتر، زمانی که او بازیگر پرآوازه‌ای شده بود، پدرش درخواست ملاقات با او را کرد. این بار این مریلین بود که از دیدن پدر سرباز زد. مریلین در زمان تشیع جنازه پدرش به دوستی گفت که علت سرپیچی پدر از دیدار دخترش مریلین این بود که نمی‌خواست زن دومش بفهمد که او فرزندی از زن دیگری دارد. دنباله مطلب در صفحه ۴۹

جنایت، Easy Rider، طلای مک گنا، گلوریا و Misery.

جدایی مریلین از مادرش در هشت سالگی اتفاق افتاد. او یک سال در پرورشگاه بود و پس از آن حق حضانتش به دوست صمیمی مادرش، گریس مکی، سپرده شد. در طول سالها، نگهداری مریلین مونرو به ۱۱ خانواده مختلف سپرده شد. او در دومین خانه مورد تجاوز قرار گرفت. این تجاوز تأثیرات روانی عمیقی بر او و به ویژه رفتار جنسی او گذاشت. او به طور دردناکی احساس نا امنی می‌کرد. درست پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا بیش از هر زمان دیگری در تاریخ این کشور نقش پدر بسیار کلیدی در تربیت دختر در خانواده تصور می‌شد. به این دلیل مونرو به دنبال پدرش گشت، او را پیدا کرد ولی

شده، پیک نیک، مردی از لارامی، توپهای ناوارون، مردی برای تمام فصول، تشریح



توسط این کمپانی ساخته شد که می‌توان به آثار باستر کیتن، چارلی چپس، هری لنگدون، و اندی کلاید اشاره کرد. در ضمن آثار معروف سه کله پوک (Three Stooges) از تولیدات این کمپانی به حساب می‌آید. در دهه ۱۹۴۰ هنرپیشگان بزرگی مانند: گلن فورد، جودی هالیدی، جک لمون، لوسیال بال و کیم نوک کارهای معروفی را به یادگار گذاشتند. اولین فیلمهای وسترن رنگی

در سال ۱۹۱۸ توسط برادران کوهن (هاری و جک) و جو برنیت تأسیس شد. از سال (۱۹۸۷-۱۹۸۲) کمپانی کوکاکولا صاحبش بود و از ۱۹۸۹ تاکنون شرکت سونی (Sony) مالکش به حساب می‌آید.



(Technicolor) با بازی راندولف اسکات و گلن فورد را این کمپانی ساخت. این وسترنها محصول دهه ۱۹۵۰ بودند. برخی از آثار مارلون براندو مانند وحشی، دربار انداز، تعقیب، آقای اسمیت به واشنگتن می‌رود، آقای دیدز به شهر می‌رود، افق گم

با کمک فرانک کاپرا به یکی از بزرگترین کمپانیهای فیلمسازی هالیوود بدل شد. هنرپیشگان بزرگی مانند جین آرتور، کری گرانت، جیمز استوارت، ریتا هیورت، گلن فورد و ویلیام هولدن در پا گرفتن آن نقش مهمی داشتند. فیلمهای کمدی بزرگی

میهن کو
MIHAN CO.
Iranian Legal Services
دفتر حقوقی ایرانیان



امیر کیا
وکیل پایه یک دادگستری
در ایران و امور بین المللی



علیرضا کاشی
کارشناس املاک در ایران



مایکل ایستین
وکیل مهاجرت



ندا نیاوندی
وکیل دادگستری در ایران
فوق لیسانس حقوق از آمریکا

با همکاری کارشناسان حقوقی و وکلای دادگستری در ایران

با مدیریت آقای کاشی

ما با دو دفتر در شمال و جنوب کالیفرنیا و با تجربه کافی، دقت و پشتکار، شما را یاری می‌دهیم

www.mihancompany.com

- انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران از هر نقطه آمریکا
- انجام کلیه امور مهاجرت به آمریکا با وکلای اداره مهاجرت این دفتر
- انجام انحصار وراثت، تقسیم و دریافت ارث و امور مربوط به آن
- استرداد املاک توقیف شده و یا تصرف شده توسط اشخاص
- انجام کلیه امور مربوط به طلاق، مهریه در ایران و آمریکا
- دریافت شناسنامه و کارت ملی فوری از ایران و دریافت پاسپورت
- برقراری حقوق بازنشستگی و حقوق معوقه
- تهیه و تنظیم کلیه وکالتنامه‌ها، متون حقوقی و وصیتنامه و قراردادها
- ترجمه و تأیید کلیه متون به هر زبانی
- تنظیم هر گونه قرارداد حقوقی طبق قوانین دو کشور (ایران و آمریکا)

دفتر جنوب کالیفرنیا (310) 967-7755 ♦ (877) 644-2607 ♦ (408) 249-9827 دفتر شمال کالیفرنیا

940 Saratoga Ave., Suite #260. San Jose, CA 95129

حالا دنباله داستان را از کتاب «تاریخ قم» برای شما می خوانم:
«...بعد از این کار؛ سرهای رجال را در توبره کردند و به حضور احوص آوردند. پس مجموع آن سرها را در چاهی انداختند...مردم بعضی بر دست عرب مسلمان شدند و بعضی پناه بر ایشان آوردند و دیگران در شهرها متفرق و پراکنده شدند...»

نقل از: تاریخ قم . صفحه ۲۵۷

حالا می فهمیم چرا حافظ گفته است:

از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت

عجب که بوی گلی مانده است و عطر باسمنی
و حالا می فهمیم که نوروز و چهارشنبه سوری و سیزده بدرمان از چه سنگلاخ های مهیب و پرتگاههای خونین و دهشتناکی گذشته و همچنان خندان و شاد و سرمست نسل ها و نسل ها را پشت سر نهاده و به ما رسیده اند . نوروز بر شما خجسته و فرخنده باد.

ما و حضرت سعدی

این روزها؛ ما روزی ده دوازده ساعت کار میکنیم. کار که چه عرض کنیم؟ فی الواقع جان می کنیم . حکایت ما حکایت همان خرکی است که مرحوم مغفور رشید و طواط هفتصد هشتصد سال پیش داستان را در سه بیت شرح داده است. دنباله مطلب در صفحه ۵۵

ممکن است ما را به اتهام طاغوتی بودن بگیرند و بیندازند زندان اوین و یک عمر آنجا آب خنک بخوریم!!!!
من آن روز به ساده دلی دوستم پوزخند زدم؛ اما بعد ها بلاهایی به سر خود آمد که فهمیدم طفلک رفیق من راست میگفته است. حالا اجازه بفرمایید تاریخ را برای شما ورق بزنم تا بدانید در میهن ما همیشه تاریخ تکرار شده است:

در کتاب «خلاصه البلدان» اثر صفی الدین؛ که توسط حسین مدرسی طباطبایی تصحیح و در تهران چاپ شده است؛ چنین می خوانیم: «.....روزی که قم به دست اعراب افتاد؛ احوص، رئیس قبیله عرب، برای قتل رجال و ثروتمندان قم حيله ای اندیشید.

او یک روز را انتخاب کرد که: اهل فرس آن را تعظیم مینمودند و عید میدانستند. در آن روز تنم در اکل و شرب و عیش و طرب و لهو و لعب را مبارک دانستندی.... احوص به غلامان خود دستور داد که آن شب روسا و رجال قم را به قتل رسانند . پس غلامان گفتند که: ما در شب ریسان را از غیر ریسان چگونه فرق توانیم کردن؟؟ احوص گفت: هر آنکس که از وی بوی خوش آید او را به قتل برسانید....»

نقل از کتاب: خلاصه البلدان؛ صفی الدین. به تصحیح حسین مدرسی طباطبایی. صفحه ۵۵



است!!! این را میگویند مملکت امام زمانی! **بوی فوش**

سالها پیش، یعنی همان سال هایی که یک مشت آتا و اوتا؛ بلند و کوتاه؛ از دایناسورهای اسلامی آمده بودند و صاحب اختیار جان و مال و ناموس و هستی خلاق شده بودند؛ من و رفیقم از شیراز پا شدیم آمدیم تهران تا برویم وزارت علوم و آموزش عالی مدارک دانشگاهی مان را بگیریم.

در تهران؛ رفیق من کفش اش پاره شد. رفیقم توی یک کفاشی و یک جفت کفش تازه خریدیم. فردا صبحش شال و کلاه کردیم و راه افتادیم که برویم وزارت علوم. رفیق من کفش تازه اش را پوشید و مقداری هم گل و لای به کفش اش مالید و با من راه افتاد. من با حیرت گفتم: چرا همچی کاری کردی دیوونه؟؟!!

گفت: ای بابا! اگر با این کفش نونوار و براق برویم وزارت علوم نه تنها مدارک دانشگاهی مان را بما نخواهند داد بلکه

مملکت امام زمانی اینجاست!!

یک آقای شیر پاک خورده ای؛ قطعه زمینی را برای ساختن خانه های سازمانی به ارتش جمهوری نکیته اسلامی میفروشد. هنوز مرکب این معامله شیرین خشک نشده بود که همین زمین را دوباره میفروشد به سپاه پاسداران. بعدش هم میروند بانک و روی همین زمین یک وام چاق و چله میگیرند. دست آخر برای اینکه ثوابی هم برده باشد یک نوک پا تشریف میبرد حوزه علمیه قم و همین قطعه زمین را وقف حوزه علمیه میکند تا جماعت ملایان و بچه ملایان برایش دعا کنند و جاده بهشت برایش هموار تر و بی دست انداز تر بشود. سرانجام بار و بندیش را می بندد و خوش و خندان با یک چمدان پول راهی فرنگستان میشود. از همه اینها گذشته تازگی ها فهمیده اند که این زمین متعلق به سازمان منابع طبیعی بوده و هیچکس حق خرید و فروش آنرا نداشته

Sweet Rendezvous
(408) 225-5004

بستنی و فالوده ایرانی شیرینیجات اروپایی و انواع لوازم کادویی
با بیش از ۹۰ نوع بستنی های خوشمزه

We have over 60 flavors of rich and delicious ice creams!

قهوه باقلوا شکلات آبنبات بستنی کیکی

چای کافه گلاسه

در محیطی گرم، دوستانه و خانوادگی
وعده ما در سوئیت راندو

Hours: Sunday-Thursday 12pm-9pm
Friday & Saturday 12pm-9:30pm

668 Blossom Hill Road, San Jose, CA 95123

آیا عزیزان شما در ایران نیاز به سمعک دارند؟

www.audina.ir

50 درصد ارزانتر
30 روز دوره آزمایشی
تجویز توسط پزشکان گوش، حلق و بینی
در سرتاسر ایران

www.audina.net

با مدیریت مهندس جعفری نژاد
متخصص سمعک با 25 سال سابقه فیتینگ در آمریکا
(نماینده انحصاری سمعک های آمریکایی آدینا در ایران)

(912)239-5602
(21)222-74680 ♦ **(21)222-74615**

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شریعتی، خیابان ظفر، کوچه صبر، پلاک 1، واحد 3

نوع جدید کلاهبرداری

این نوع جدید کلاهبرداری است. گویند که اخیراً متوجه شده ایم کامپیوتر شما دچار ویروس و خطا (error) های خیلی زیادی شده است و اگر ما به شما کمک نکنیم بزودی تمام اطلاعات درون کامپیوترتان را از دست خواهید داد. این اشخاص شرکتی را با آدرس جعلی به ثبت می رسانند و هر چندما یکبار این شرکت ها را منحل و شرکت جدیدی با نامی جدید و با شماره حساب بانکی جدید ثبت می کنند. هدف از ثبت شرکت هم این است که بتوانند از سرویس های تلفنی ارزان راه دور ۸۰۰-۱ متعدد استفاده کنند. هدف نهایی این است که شما را قانع کنند که کامپیوترتان کاملاً خطرناک و ویروسی شده است و پس از اینکه شما به صورت آنلاین مبلغی (که بنا به میل این کلاهبردار معمولاً بین ۴۵-۲۰۰ دلار است) به حساب شرکت قلابی او پرداخت کردید، دنباله مطلب در صفحه ۴۵

خواهند گذاشت یا کمکی نخواهند کرد، ایشان را مجبور به انتقال اموالشان کنند. اگر شما و یا شخص سالمندی را که می شناسید، قربانی سوء استفاده مالی است حتماً این مسئله را به سازمان محافظت سالمندان کالیفرنیا گزارش کنید.

سالمندان سوء استفاده کنند و آنان را تحت فشار قرار دهند که آنها اموالشان را به آن شخص منتقل کنند. این موارد ممکن است تحت شرایطی باشد که شخص سالمند نیاز به کمک دارد و یا احساس تنهایی کند و نزدیکان با تهدید به اینکه سالمند را تنها

سوء استفاده مالی از سالمندان

کاملیا مومودی، وکیل رسمی
دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

camelia@cameliaw.com



۳- تصرف علنی و یا مخفیانه اموال شخصی سالمند با اصرار و زور و با اعمال نفوذ منفی به شخص سالمند هشدار به سالمندان برای جلوگیری از سوء استفاده مالی توسط دیگران:

زمانی که می خواهید امور مالی خود را رسیدگی کنید، فقط با اشخاص و یا با سازمانهایی که آشنایی کامل دارید، معامله کنید. هیچگاه در مورد معامله اموال، به یک قول شفاهی اطمینان نکنید و همیشه یک قرارداد کتبی از طرف مقابل بخواهید و قبل از امضای یک قرارداد، تمام بندهای آنرا به دقت مطالعه کنید. هیچگاه قراردادی را

تحت فشار و با عجله امضاء نکنید، در زمان امضای قرارداد به خاطر بیاورید که یک عمر برای بدست آوردن اموالتان زحمت کشیده اید و فقط با یک امضاء ممکن است همه اموالتان را از دست بدهید. حتی نزدیکترین افراد خانواده ممکن است از ضعف و ناتوانی در کالیفرنیا، اشخاصی که حداقل ۶۵ سال سن دارند، سالمند محسوب می شوند. طبق قانون کالیفرنیا، سوء استفاده مالی از سالمندان از نظر جنایی و مدنی قابل محاکمه است. یک مورد سوء استفاده مالی زمانی جنایی محسوب می شود که شخص سالمند، قربانی دزدی، جعل اسناد و کلاهبرداری قرار گیرد. مجازات چنین اعمالی شامل جریمه مالی و زندان می باشد. طبق قانون مدنی، سوء استفاده مالی از سالمندان وقتی صورت می گیرد که یک شخص امور ذیل را در مورد شخص سالمند انجام دهد:

۱- اموال منقول و یا غیرمنقول شخص سالمند را چه علنی و چه مخفیانه با قصد کلاهبرداری تصرف کند

۲- همکاری با شخصی که اموال منقول و غیرمنقول شخص سالمند را با قصد کلاهبرداری تصرف می کند.

You can count on me every step of the way

I'll help you find the home loan that's right for your needs, and keep you informed every step of the way, from application to closing.

Let's talk about home loan options that can help you:

- Buy a home
- Take advantage of the equity in your home
- Refinance your current home loan
- Buy a second home or investment property

Contact me to get started.

من فارسی صحبت می کنم

David Azari

Mortgage Loan Officer

NMLS ID: 585670

408.615.6096 Mobile

David.m.azari@bankofamerica.com

mortgage.bankofamerica.com/davidmazari

دیوید آذری

متخصص با سابقه در اخذ وام

Bank of America Home Loans

Credit and collateral are subject to approval. Terms and conditions apply. This is not a commitment to lend. Programs, rates, terms and conditions are subject to change without notice. Bank of America, N.A., Member FDIC.
Equal Housing Lender. ©2014 Bank of America Corporation. HL-105-AD 07-2014 ARY8D9C9

تردید شده و مانع واکسیناسیون کودکان خود شوند. بیشتر کودکانی که از مادران خود متولد می شوند آنتی بادی لازم را از مادران خود دریافت می کنند و ویروس ها را از بین می برند. به همین دلیل کودکان دوباره واکسینه شده تا در مقابل ویروس های بعدی مقاومت کرده و بیماری را دفع کنند.

واکسیناسیون لازم و ضروری است. قبل از اینکه واکسن سرخک کشف شود چیزی حدود ۳ تا ۴ میلیون آمریکائی هر سال دچار این عفونت می شدند و حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر آنها می مردند. حدود ۵۰۰۰ بستری شده و حدود ۱۰۰۰ نفر دچار تورم غشاء مغز می شدند ولی پس از استفاده از واکسن MMR حدود ۹۹ درصد افراد دیگر دچار این عفونت های ویروسی نشدند.

در سال ۲۰۰۶ حدود ۲۵۰۰۰ نفر در سطح دنیا از این بیماری جان خود را از دست دادند، یعنی چیزی حدود ۶۰۰ نفر در روز و چنانچه این واکسیناسیون انجام نشود این ارقام دوباره بر خواهند گشت. در آمریکا گاهی مسافرانی که از کشورهای دیگر که عفونت ویروسی دارند وارد می شوند و ویروس را با خود حمل می کنند، دچار آلودگی افراد دیگر در این کشور شده و بیماری تدریجا پخش می شود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۵

در محیط باشند آلوده می شوند. این یک بیماری است که فقط در انسان ظاهر می شود. هیچگونه از حیوانات به آن آلوده نشده و یا آن را پخش نمی کنند.

بیشتر مشکلات در کودکان زیر ۵ سال و بزرگسالان زیر ۲۰ سال ظاهر می شوند. در مواردی که درمان نشود فرد مبتلا به عفونت گوش و اسهال می شود که مهمترین آثار سوء آن می باشند. در موارد نادر و شدید گاهی کودکان دچار سینه پهلو (Pneumonia) می شوند و تورم غشاء مغز باعث مرگ آنها می شود. بنابراین واکسیناسیون در کودکان بسیار ضروری و مهم است.

واکسن MMR از سه نوع ویروس ساخته شده است که هم سرخک و دو نوع دیگر عفونت ویروسی اوریون و سرخچه را جلوگیری می کند. این ویروس ها زنده ولی ضعیف شده هستند که ایجاد بیماری نمی کنند ولی در بدن فرد آنتی بادی می سازند (Antibody). زمانیکه ویروس واقعی وارد بدن شد این آنتی بادی ها آنها را از بین می برند. بیش از ۹۵ درصد افرادی که واکسن MMR دریافت کرده اند در مقابل این ویروس مقاومت می کنند.

مصرف این واکسن و سایر واکسن ها بسیار مطمئن می باشند و پدر و مادران با پیشرفت علم پزشکی امروز نایستی دچار شک و



تازه های دنیای پزشکی

دکتر منوچهر سلجوقیان

سرخک (Measles) و واکسن MMR

اولین بار بوسیله پزشک نامدار ایرانی ابوعلی سینا در قرن نهم شناخته شد و او این بیماری را از بیماری ابله جدا تشخیص داد. علائم این بیماری بین ۷ تا ۱۴ روز پس از گرفتن ظاهر شده و شامل تب بالا، سرفه، آب ریزش از بینی و قرمزی چشم می باشد. دو یا سه روز بعد از گرفتن لکه های سفیدی روی زبان ظاهر می شوند و ۴ تا ۵ روز بعد Rash قرمز رنگی در صورت شروع شده و تمام پوست بدن را در بر می گیرد. در این زمان تب به ۱۰۴ درجه می رسد. سپس پس از آن تب کاهش پیدا کرده و Rash تدریجا از بین می رود.

این بیماری بسیار واگیردار بوده و ویروس در مخاط بینی و دهان فرد آلوده زندگی می کند و از طریق سرفه و عطسه پخش می شود و حدود ۹۰ درصد افرادی که

طبق توصیه CDC در کشور آمریکا تمام کودکان بایستی در مقابل ویروس سرخک واکسینه شوند، چون این بیماری ویروسی بسیار خطرناک بوده و در بچه ها با ایجاد تب شدید و برآمدگی هائی روی پوست (Rash) ظاهر می شود و به سرعت توسعه پیدا کرده و به همین جهت بایستی جلوی آن گرفته شود.

کودکان و حتی بزرگسالان بایستی بوسیله واکسن MMR (سرخک، اوریون، سرخچه) واکسینه شوند. این عمل شامل دو تزریق واکسن می باشد ۱- اولین واکسن در سنین ۱۲-۱۵ ماهگی و ۲- دومین واکسن چهار هفته بعد از اولین انجام می گیرد و این واکسیناسیون بایستی قبل از اینکه کودک به کودکان پرورد انجام گیرد. جالب است این ویروس و بیماری ویروسی

Ali's Construction & Remodeling

Celebrating 18 Years in Business

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

◆ New Custom Home ◆ Room Additions ◆ Bathroom ◆ Kitchen Remodel

Let us Build your Custom Dream Home

With 18 years of experience we guarantee to exceed your expectations



(408)-898-6474

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA



با مدیریت علی زمانی

www.alisconstruction.com

است. از آنجا که مردم علاقه وافری به طعم تند و بوی معطر آن داشته اند و نوعی خاصیت گرمایی داشته و برای درمان درد معده مؤثر بوده است، کاشفان و جهانگردان در سرتاسر نقاط گرمسیری آن را کشت داده اند. ریشه این گیاه در درمان سرگیجه، تعریق، تهوع و استفراغ ناشی از بیماریهای حرکتی یا دریازدگی مؤثر واقع میشود. این گیاه همچنین گلودرد، سردرد، پاره ای از انواع دردهای قاعدگی و آرتروز و تب و درد ناشی از انواع سرماخوردگیها



و آنفلونزا را درمان می کند.

می توانید ریشه زنجبیل تازه را نیز بخرد و با دکم کردن تکه های آن به اندازه نصب کف دست یا با نصف قاشق چایخوری دکمه رنده شده، شسته شده و پوست دار در آب گرم یا با ریختن نیم لیتر آب جوش روی ۳۰ گرم ساقه ریشه دار، چای زنجبیل درست و مصرف کنید. برای اینکار بگذارید چای مورد نظر به مدت ۱۵ دقیقه دم بکشد و سپس روزانه دو لیوان از آنرا میل کنید.

دنباله مطلب در صفحه ۴۰

از مصرف دارچین در غذاهای خود پرهیز کنند زیرا موجب تشدید آلرژی نمی شود. اثرهای مضر مصرف زیاد دارچین، عبارت است از، التهاب یا ورم کردن پوست، زخم ها و ترک های گوشه دهان و سوزش معده. دارچین، از لخته شدن خون جلوگیری می کند اما زیاده آن در خون باعث بروز مشکل های خونی و گردش خون می شود به ویژه اگر با داروهایی مانند آسپرین که باعث رقیق شدن خون می شود مصرف شود مشکل را ۲ برابر می کند.

دارچین، رمز جوانی است، مصرف روزانه آن انسان را سلامت و جوان نگه می دارد و بهترین دارو برای دردهای عضلانی است و به عنوان تب بر استفاده می شود. دارچین خاصیت عجیب دیگری دارد که آن هم قوی کردن مصنوعیت بدن در مقابل امراض است. اگر حس می کنید ضعیف شده اید و ممکن است مریض شوید، چای دارچین را فراموش نکنید. حتی اگر سرما خورده اید یا ضعف شدید دارید چای دارچین بهترین دارو است.

خواص درمانی زنجبیل

زنجبیل اصالتاً یک گیاه چینی و هندی است و در این کشورها در طول بیشتر از ۴۰۰۰ سال در پخت و پز غذا مصرف شده

معتقدند که آب انار می تواند مقدار اسید چرب موجود در خون موسوم به اسید چرب را کاهش دهد. آزمایشات قبلی که روی انسان و حیوانات انجام گرفته، نشان داده است که مقدار زیادی از این اسید چرب، ذخیره چربی را در اطراف شکم افزایش می دهد و در نتیجه سبب تشدید احتمال ابتلا به بیماری قلبی و دیابت نوع دوم می شود.

خواص درمانی دارچین

دارچین، به جز درمان اختلال های گوارشی، خاصیت آرامش بخشی دارد. دارچین قند و کلسترول خون را کنترل می کند و از آن برای درمان سوء هاضمه، درد و نفخ معده و اسهال استفاده می شود.



متخصصان به این نتیجه رسیده اند که دارچین علاوه بر آن که دیابت را کنترل می کند، بر کلسترول خوب و LDL هم اثر می گذارد. افرادی که آلرژی دارند نباید

خواص آب انار

آب انار برای پیشگیری از سرطان مفید است، سلامت قلب را بهبود می بخشد و حتی می تواند توان جنسی را تقویت کند.



متخصصان تغذیه تاکید کرده اند که آب انار همچنین می تواند چربی های اطراف معده و شکم را در زنان و مردان چاق کاهش دهد.

این متخصصان در یک آزمایش یک ماهه ثابت کردند، میزان تشکیل سلول های چربی در اطراف شکم در افرادی که آب انار مصرف می کنند، کاهش می یابد. کسانی که آب انار می نوشند، فشار خونشان پایین می آید و بنابراین خطر بروز حملات قلبی و سکته مغزی و بیماری کلیوی در این اشخاص نیز به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می کند. پزشکان

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

Oil Change Special
Get \$5 OFF on
Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

(408)738-1960
597 S. Murphy Ave.
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1
Established in 1996

(408)583-1200
1800 S. Winchester Blvd.
Campbell, CA 95008

کره، ژاپن و سایر مناطق آسیای جنوب شرقی به جاگذارده است نمونه بارز آن، شکل جادویی شهر پکن است. در این الگو جهات دارای معانی و رنگهای خاص خود هستند. شمال سیاه و به یمن تلقی می شود و از این رو سپری برای دفاع از شهر در مقابل تأثیرات آن ساخته شده است. با آنکه قرنها از تکوین چنین هنری در چین می گذرد بسیاری از کارشناسان معتقدند که در ساخت برخی از شهرهای جدید در چین از فنگ شویی استفاده می شود و به نوعی تأثیر بسیاری از اصول و بنیادهای آن در معماری و شهرسازی مدرن در بسیاری از کشورهای غربی متداول و رایج شده است. لازم به ذکر است در دوران حاکمیت مائو، بواسطه ظهور و تسلط گفتمان ایدئولوژیکی مارکسیستی، دولت چین با شیوه فنگ شویی بسیار مخالفت کرد و تلاش می کرد با بهره گیری از رویه های سیستم شهرها بر مبنای فنگ شویی طراحی نشود و حتی شهرهایی که بر این اساس ساخته شده بود توسط مقامات حزبی مورد بی مهری قرار گرفت و تخریب شد. مائو معتقد بود روشها و متدهایی که مربوط به دوران سنتی ملت چین است برای امروز قابل قبول نخواهد بود. او همه چیز را بر مبنای ایدئولوژی مارکسیستی - مائویستی توجیه می کرد.

بسیاری از افرادی که در سالهای حاکمیت وی از چین دیدن کرده اند از شهرهایی یاد کرده اند که با متدهای شهرهای سوسیالیستی مطابقت داشته و به هیچ عنوان با طراحی های سنتی و ریشه ای چین مثل فنگ شویی همخوانی نداشته است. اما در دوران اخیر با انتقاد از رویه مائو و یا شعار اصلاحات همه جانبه گرایش دوباره به سوی هنرهای سنتی مثل فنگ شویی دیده شده است.

که مردم (انسان)، محیط زیست (خاک) و روان (آسمان) با تشکیل وحدتی موزون، زمینه های پیشرفت انسان را ایجاد کنند.

پالایش مکان: طبق روایات سنتی چین آنچه برای یک زندگی و جامعه سالم لازم و ضروریست انرژی (+) و فعال است. اگر انرژی و نیروی حیات آزادانه در خانه و محل کار جریان نیابد انباشتگی ایجاد می شود که در نتیجه آن زندگی به سوی تیرگی و ایستایی حرکت خواهد کرد.

بطور کلی سه فاکتور اساسی سبب انسداد انرژی در یک مکان می شود. الف: آلودگی فیزیکی ب: انرژی ساکنان قبلی پ: انباشتگی و درهم ریختگی.

آلودگی فیزیکی: منظور هرگونه چرکی ناپاکی یا چیزهایی که در محیط زندگی آلودگی ایجاد می کند. انرژی پایین همواره پیرامون چرکی و ناپاکی جمع می شود. پرداختن به یک نظافت کامل و کلی بخش اساسی پالایش مکان است.

انرژی ساکنان قبلی: هرآنچه که در عمارتی رخ دهد در دیوار و کف و اثاثیه و اشیای موجود در آن فضا ضبط می شود و مانند چرکی و آلودگی به صورت لایه هایی روی یکدیگر قرار می گیرد. با این تفاوت که نمی توانیم آن را ببینیم، اگرچه به شیوه های ژرف بر زندگی مان تأثیر می گذارد.

انباشتگی و درهم ریختگی: هرگونه بی نظمی و درهم برهمی یا نگهداری انبوهی از اشیای غیر لازم و مواد زاید مانع جریان نرم و هموار و آزادانه انرژی پیرامون یک فضا شده و در زندگی ساکنان آن مکان اغتشاش و گرفتگی ایجاد می کند. - فنگ شویی و شهرسازی: کوین لینچ از معروف ترین شهرسازان معاصر جهان، در مورد نقش این باورها در شکل دادن به شهرها می گوید: «الگوی چینی تأثیر شگرفی در شکل تقریباً تمام شهرهای عمده چین،

معنای دولفت چینی: فنگ (FENG) باد و شویی (Shui) آب

اهمیت بالایی برخوردار است بطوری که اگر در خانه اشیاء در مکانهای مناسب قرار نگیرند از آنها انرژی منفی متساعد خواهد شد که به نوعی تلخی و ناراحتی را وارد زندگی انسان خواهد کرد. فنگ شویی، یا طراحی استقرار اشیاء برای خلق زندگی متوازن و موفقیت آمیز بسیار کارا و سودمند محسوب می شود. این حکمت باستانی ابزار لازم جهت نیل به آرامش و رشد انسان را از طریق تعیین چگونگی ارتباط وی با اشیاء و محیط پیرامون فراهم می سازد. استقرار اشیاء به گونه ای

عبارت باد و آب نماد «صعود باد به قله کوه» و «اوج گیری آب در موج» است که در صورت همناوبی رفتار و کردار انسان را به سوی تعالی پیش می برند. ریشه های فنگ شویی را باید در ستاره شناسی کهن، علم جغرافیای قدیم، حکمت محلی چین، جهان بینی و فلسفه نائویستی و طالع بینی چینی مندرج ئی چینگ (یکی از متون کلاسیک چینی که نی چینگ یا دگرگوئیها نیز نامیده می شود) جست وجو کرد. در فرهنگ سنتی چین مکانیابی و قرار گرفتن اشیاء در موقعیتهای مناسب از ویژگی و

پاریناز کدخدایان
مشاور با گواهینامه رسمی
از سرنوشت خود با کمک ستاره شناسی و علم قدیم چینی مطلع شوید
۵۶۸۷-۷۰۴(۶۵۰)
فنگ شویی در ایجاد جریان و حرکت مثبت انرژی در فضای منزل،
کار و بهتر شدن رابطه های خانوادگی و دوستی به شما کمک می کند
جدول زندگی شما با آگاهی به دانش کهن ستاره شناسی و رابطه های نجومی
Transform your environment & transform your life
Feng Shui & Astrology Certified Consultant
برای آسایش روان و آرامش در زندگی با من تماس بگیرید!
www.FengShuiAndLiving.com ★ Parinaz@FengShuiAndLiving.com

اول صیغه شرعی، بعد ماساژ تایلندی

ماهرخ غلامحسین پور



روى پيشانى صفحه صورتى رنگ وبلاگ با فونت درشت نوشته شده: «ماساژور خانم برای آقا» و در ادامه توضیح داده شده است «در قالب صیغه شرعی». در سکوت پلک می‌زنم و پست آخر وبلاگ را می‌خوانم. عذرخواهی مسئولان این پدیده عجیب است از این بابت که بدلیل تعطیلات نوروز و مرخصی کادر، دوستان ماساژ دهنده از ۱۵ فروردین به بعد در خدمت مشتریان محترم! خواهند بود.

با مطالعه بیشتر متوجه می‌شوم مرکزی وجود دارد که در تهران و کرج برای آقایان خدمات ماساژ ارائه می‌کند. برخی مشتریان برای اینکار به محل مراجعه می‌کنند و برخی دیگر درخواست می‌کنند ماساژور به محل زندگیشان اعزام شود. در یادداشتی که به معرفی خدمات این مجموعه پرداخته، نوشته شده است «این وبلاگ برای آقایان علاقه‌مند به ماساژ طراحی شده که مایلند از یک ماساژور خانم ماساژ بگیرند و البته برایشان مهم است که این موضوع در چارچوب مسائل شرعی انجام شود و به گناه آلوده نشوند. لذا خواهشمندیم آقایانی که به امر صیغه اعتقاد ندارند، با ما تماس نگیرند. گردانندگان وبلاگ در ادامه تاکید می‌کنند که خدمات مذکور در قالب صیغه موقت

انجام می‌شود و برای آقایان عزیز جای هیچ نگرانی وجود ندارد- لایه منظورشان این است که تضمین می‌کنند طرف گیر سه پیچ نمی‌دهد - یکی از نکاتی که به درخواست کنندگان تذکر داده شده این است که «ماساژ فقط با دست انجام می‌شود» و تذکراتی از این دست که «بانوی ماساژور در تمام مدت با لباس کامل در خدمت آقایان محترم هستند» و «به درخواست مشتریان ماساژ می‌تواند هپی‌اند باشد آن هم با دست و نه شکل و شیوه دیگری».

در بخش تماس مشتریان موقت تذکر داده شده که پیغام‌ها و درخواستهایی که در آن‌ها شماره تلفن قید نشده باشد مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و هزینه ماساژ با توجه به اینکه در کدام مرکز انجام شود (سه آدرس در سه منطقه شهر بعنوان محل ماساژ معرفی شده است) یا چقدر زمان ببرد و یا اینکه ماساژدهنده به محل فرد متقاضی اعلام شود یا نه؟ بین ۱۲۰ تا ۱۸۰ هزار تومان برای هر ساعت اعلام شده است.

دنباله مطلب در صفحه ۴۹

دختر بچه‌های پاره‌پاره پرداخته‌اند، از این مفهوم ژرف فرهنگی عبور کرده‌اند: جسم سالخورده دارای خاطره و حافظه است. برهنگی سزاوار مجازات نیست. با ما به دنیا می‌آید و با ما از دنیا می‌رود.

رنگ بپازند، و سرشان را از خجالت پایین بیندازند و سکوت کنند، در حالی که از مردان انتظار می‌رود در چنین مواقعی خشمگین و برافروخته شوند. زنان سالخورده اوهايو با تقویمی که برای

یک چشم انداز مطبوع: زنان برهنه خانه سالمندان اوهايو

حسین نوش آذر

وقتی به خانه سالمندان فکر می‌کنید، چه تصویری در ذهن شما شکل می‌گیرد؟ زنان و مردان سالخورده‌ای که تنها و بی‌کس در انتظار مرگ به سر می‌برند؟ پیر شدن جمعیت و آنطور که در رسانه‌های فارسی‌زبان القا می‌کنند: رفتن برکت از خانواده ایرانی؟ فرزندان ناخلف و سودجویی که خانه مادر یا پدر سالخورده را فروخته‌اند و او را به خانه سالمندان فرستاده‌اند؟

نشریه ای به نام Akron Beacon Journal گزارش داده است که گروهی از زنان سالخورده‌ی خانه سالمندانی در شهر «بربرتون»، در حال و هوایی طنزآمیز تقویمی با عکس‌های نیمه‌برهنه‌شان منتشر کرده‌اند و این تقویم را به قیمت ۱۲ دلار در بازار عرضه کرده‌اند. درآمدی که این بانوان سالخورده از راه فروش این تقویم به دست می‌آورند، قرار است صرف خرید کفش برای دختران بی‌چیز یک مدرسه دخترانه بشود. جوان‌ترین این خانم‌های زنده‌دل ۸۷ سال دارد.

نشریه ای به نام Akron Beacon Journal گزارش داده است که گروهی از زنان سالخورده‌ی خانه سالمندانی در شهر «بربرتون»، در حال و هوایی طنزآمیز تقویمی با عکس‌های نیمه‌برهنه‌شان منتشر کرده‌اند و این تقویم را به قیمت ۱۲ دلار در بازار عرضه کرده‌اند. درآمدی که این بانوان سالخورده از راه فروش این تقویم به دست می‌آورند، قرار است صرف خرید کفش برای دختران بی‌چیز یک مدرسه دخترانه بشود. جوان‌ترین این خانم‌های زنده‌دل ۸۷ سال دارد.

چشم‌انداز مطبوع با یک بسته شکلات

در یکی از تصاویر این تقویم، سه زن سالخورده را می‌بینیم که برهنه شده‌اند و پلاکاردی را مقابل سینه‌شان گرفته‌اند. روی پلاکارد این کلمات را می‌بینیم: Pleasant View, Pleasant Pointe



یک بازی زبانی و ترکیبی از نام خانه سالمندانی که آن‌ها در آن زندگی می‌کنند (Pleasant Pointe) و مرکز خدمات درمانی که اداره خانه سالمندان را به عهده دارد (Pleasant View).

هر ماه تقویم، به نام یک بانوی سالخورده نامگذاری شده. خانم «فوریه» برای مثال ۸۷ سال دارد. او برهنه در یک وان با کف زیاد و گلبرگ‌های گل سرخ دراز کشیده و جام شامپاین را هم به دست گرفته و در همان حال یک بسته شکلات در اطراف او دیده می‌شود.



نامگذاری شده. خانم «فوریه» برای مثال ۸۷ سال دارد. او برهنه در یک وان با کف زیاد و گلبرگ‌های گل سرخ دراز کشیده و جام شامپاین را هم به دست گرفته و در همان حال یک بسته شکلات در اطراف او دیده می‌شود.

هر ماه تقویم، به نام یک بانوی سالخورده نامگذاری شده. خانم «فوریه» برای مثال ۸۷ سال دارد. او برهنه در یک وان با کف زیاد و گلبرگ‌های گل سرخ دراز کشیده و جام شامپاین را هم به دست گرفته و در همان حال یک بسته شکلات در اطراف او دیده می‌شود.



خانم «مارس» که ۸۸ سالش است، فقط یک کلاه به سرش گذاشته و جز آن چیزی در بر ندارد. ترزا موریس، مدیر خانه سالمندان به



آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach

atoosa30@yahoo.com

- ♦ رسیدن به شادی و موفقیت و نشاط درونی
- ♦ خودشناسی، خودسازی، هدف یابی
- ♦ اعتماد و حرمت نفس و تعادل
- ♦ تصمیم گیری‌های درست در زندگی شخصی و یا کاری
- ♦ روابط و حل اختلافات زوجی و یا خانواده‌ها
- ♦ صحبت‌های مثبت و سازنده برای نوجوانان و جوانان

۹۷۰۰-۲۹۷-۹۲۵





رایحه مظفریان در حال سخنرانی به مناسبت روز جهانی زن و برگزاری سمیناری با موضوع ختنه زنان در کلیسای مرکزی سازمان ملل CSW

روی دختران انجام میدهند. زنان دستیار برای کاهش جراحات وارده به دختر حین عمل، دست و پاهای دختر را محکم نگه میدارند و مانع از حرکات اضافی او میشوند. در مواردی هم گزارش شده است که بریدن بخشی از اندام تناسلی زنان توسط نزدیکترین فرد آنها صورت

هر روستا یک دایه وجود دارد. در برخی از روستاها نیز میتوان بیش از یک دایه پیدا کرد و در برخی دیگر دایه ها هنوز به طور کامل شناخته شده نیستند.

در یکی از روستاها، از دایه ای پرسیدم: "چرا خودت نوه هایت را ختنه نکردی؟" او که چهره شکسته و پیری داشت بلند خندید و گفت: "ما رحم داریم، گریه می-کنند دلم نمیآید." این همان دیدی است که بسیاری درباره آنها دارند و باید اصلاح میشود. بنابراین تصمیم گرفتم این مطلب را بنویسم تا چهره خشنی را که از این زنان ساخته شده است تصحیح کنم. در حقیقت میبایست ریشه اشتیاق آنها را برای ختنه کردن دختران را مییافتیم. با آنچه تجربه کرده بودم دلیلی جز بیرحمی داشت.

میگیرد. این نزدیکترین فرد میتواند مادر، خاله، عمه و یا مادر بزرگ باشد. ختنه دختران در ایران معمولاً با تیغ صورت تراشی و بدون استفاده از بی-حسی یا بیهوشی انجام میشود. کمتر دیده شده است که دایه ها از وسیله های برنده دیگری استفاده کنند. این زنان برای ضد عفونی کردن محل بریده شده روشهای گوناگونی دارند. آنها اغلب از بتادین استفاده میکنند، اما در نقاطی که دسترسی به مواد ضد عفونی کننده نیست از خاکستر، پارچه، دود سقر و یا خاک طبیعی نیز استفاده میشود. در سفرهایی که به نقاط مختلف استان هرمزگان داشتم برای یافتن دایه ها و پرس و جو درباره ختنه از روستاهای مختلفی دیدن کردم. تقریباً میتوان تخمین زد که در



رایحه مظفریان دانش آموخته کارشناسی ارشد از دانشگاه شیراز است. پایان نامه وی در مورد «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی ختنه زنان: مطالعه موردی دختران و زنان ۱۵ تا ۴۹ سال در جزیره قشم» بوده است که در اردیبهشت ۱۳۹۰ با درجه عالی به تصویب کمیته داوران رسیده است. آخرین کتاب وی زیر عنوان «تیغ و سنت» در پاریس و تهران به چاپ رسیده است. وی در فوریه ۲۰۱۵، به مناسبت روز جهانی ناقص سازی جنسی زنان، در پارلمان کردستان عراق و در مارس ۲۰۱۵، به مناسبت روز جهانی زن، در کنفرانسی که از سوی کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد در نیویورک تشکیل شده بود سخنرانی نمود.

زنای مهربان و سنتی خشن (ناقص سازی جنسی زنان)

ریشه های قطع آلت جنسی زنان خواست مردان است، اما این همکاری بین زنان و مردان است که سنت ختنه دختران را زنده نگه داشته است. تا کنون در هیچ گزارشی از ایران اعلام نشده است که

ختنه دختران که در مجامع علمی از آن با عنوان ناقص سازی جنسی زنان یاد میکنند عملی است که همچنان در بسیاری از کشورهای جهان انجام می-گیرد. بیشتر کسانی که از ختنه دختران

ختنه دختران توسط پزشک، ماما یا پرستاران تحصیل کرده انجام میگردد. دادهها در پژوهشهای محدودی که در ایران صورت گرفته است نشان میدهد که بیشتر دختران توسط زنان بومی ختنه میشوند. زنان جراح بومی که شیوه های مختلف ختنه دختران را به طور موروثی فرا گرفته اند با القابی



دایه ای در یکی از روستاهای استان هرمزگان در حال نشان دادن ابزار کارش برای ختنه کردن دختران است. او از پنبه، بتادین و تیغه صورت تراشی مردان استفاده می کند

مانند دایه، ماما محلی، ملا و غیره وظیفه ختنه کردن دختران را پذیرفته اند. اغلب آنها زنای پیر هستند که در گذشته دور از مادران و مادر بزرگان و اقوام نزدیکشان این سنت را یاد گرفته اند. آنچه در دوران معاصر اهمیتی ویژه دارد توجه به این نکته است که فرآیند "دایه شدگی" همچنان ادامه دارد. دایه شدگی را میتوان فرآیندی تعریف کرد که در آن زنی با خواست خود، اشتیاق اجتماعی، مرگ دایه پیشین، کهولت و کسالت دایه پیشین و عوامل متعدد دیگری مسئولیت مثله کردن دختران را میپذیرد و پس از مدتی در میان سایر زنان شناخته میشود. فرآیند دایه شدگی ممکن است کم و بیش هر ۴۰ سال یک بار اتفاق بیفتد. بنابراین در روستاهایی دایه های جوانی هم پیدا میشوند که به تازگی مسئولیت ختنه کردن را پذیرفته اند.

کم و بیش اطلاعاتی دارند گمان میکنند که این عمل بیشتر در آفریقا صورت می-گیرد و سنتی منسوخ است، در حالی که سعی بیش از هفت هزار سازمان دولتی و غیر دولتی در سراسر جهان این است که در زمینه ریشه کنی و آگاه سازی مردم مناطق مختلف فعالیتهای فرهنگی داشته باشند. در این میان، خاورمیانه نیز درگیر ناقص سازی جنسی زنان است. با آن که تلاش این سازمانها در خاورمیانه توانسته است منطقه کردستان عراق را به خوبی پوشش دهد، اما هر سال خبرهایی از کشورهای خاورمیانه به گوش میرسد. سال گذشته میلادی نواحی دیگری از عراق مرکزی و جنوبی، ایران، پاکستان، هند و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز شناسایی شدند ولی تا کنون نتوانستند برای همکاریهای متقابل بین دولتهای مربوط و سازمانهای دیگر بینالمللی تعامل ایجاد کنند.

زن جراح به همراه چند زن دیگر (در بیشتر موارد مادر دختران) به عنوان دستیار یا کمک کننده، عمل ختنه را بر

ختنه دختران فرهنگی است که توسط خود زنان ادامه پیدا میکند. با آنکه

تا در طلب گوهر کانی کانی
تا در هوس لقمه نانی نانی
این نکته رمز اگر بدانی دانی
هر چیز که در جستن آنی آنی مولوی

آرایه نوروزی

راهنما و همراه شما



۹۵ در صد مغز ما توسط ضمیر ناخودآگاه اداره میشود که مجال نمیشهد اهداف خودآگاه ما تحقق یابند. با تماس با من این اهداف را جامه عمل بپوشانید. با رزرو ۳ جلسه، ۱ جلسه رایگان دریافت نمایید.

www.BeLoveKnow.com

- ◆ Discovering & Clearing Limiting Beliefs
- ◆ Goal Setting & Time Management
- ◆ Improving Life in Health, Relationship, Success, Spirituality

Arayeh Norouzi / Personal Development Coach

Certified by Achieve Today & Joe Vitale (A star in the movie "Secret")

Like us on Facebook BeLoveKnow

(831)915-9438

با عشق روشن کرده و عشق مجازی را متعلقات دنیا و دلباختگی بی حد به ثروت و مکنت و حرص و هوی و شهوات و نخوت و غرور و غرق شدن در لذات مادی می داند و می گوید در عشق حقیقی یک اندیشه ناپاک و آلوده نمی تواند جوانه زند و همین عشق حقیقی است که می تواند جسم را از خاک بلند کرده بر اوج افلاک رساند و کوه طور از مشاهده نور معشوق (الهی) به رقص در آید و جان طور سینا گردد و موسی را در حال بیهوشی اندازد. مولوی گوید:

جسم خاک از عشق بر افلاک شد

عشق جان طور آمد عاشقا
طور مست و خرّ موسی صاعقا

مصراع اول از ابیات فوق اشاره دارد به معراج پیامبر اکرم و سه مصراع بعدی اشاره دارد به تجلی حق تعالی به کوه طور و اینکه هیچکس توانائی دیدن او را ندارد، حتی حضرت موسی که تاب تحمل تجلی معشوق را نیاورد و چون افراد صاعقه زده بزمین افتاد و بعد در پیشگاه حق از خواهش خود که رویت خداوند است عذر می جوید. در این گونه عشق حقیقی است که عاشق صادق چنان در وجود معشوق فانی است که فقط از او یک نمود ظاهری دیده می شود. او در حقیقت خود را با معشوق متحد ساخته است. **دنیاه مطلب در صفحه ۵۲**

دیگر از ویژگی های عشق این است که می تواند مورد عشق را تا بی نهایت بزرگ کند اگرچه موضوع مقروض از لحاظ کمیت و کیفیت محدود باشد و این از آن جهت است که فعالیت روح انسانی می تواند تا بی نهایت گسترش یابد و نیز عاشق فقط زیبایی ها و خوبی های معشوق را می بیند و زشتی و نازیبائی معشوق برای او معنی ندارد. به ابیات زیر از مولوی توجه فرمائید:

گفت لیلی را خلیفه کان توی

کز تو مجنون شد پریشان و غوی

از دگر خوبان تو افزون نیستی

گفت خامش، چون تو مجنون نیستی

دیده مجنون اگر بودی تو را

هر دو عالم بی خطر بودی تو را

با خودی تو، لیک مجنون بیخود است

در طریق عشق بیداری بد است

ارزیابی درباره عشق در این است که

معشوق کیست و چیست؟ و چنین

می نماید که عشق حقیقی همان عشق

افلاطونی است نه عشق های شهوانی

و مجازی. ویکتور هوگو در جای دیگر

گوید دل با نیروی عشق دلاور می شود،

دیگر از چیزی ترکیب نمی یابد مگر از

طهارت و به چیزی تکیه نمی کند جز بر

عفت و عظمت.

مولوی در آغاز دفتر اول تکلیف خود را



مولوی و عشق

دکتر حسین مسیح پور

عید نوروز باستانی را به مدیریت و کارکنان محترم مجله پرارزش پژواک و همچنین خوانندگان عزیز آن تبریک و تهنیت گفته. مناجاتی و غزلی از حضرت مولانا را بعنوان عیدی تقدیم شما عزیزان می نماید و برای همگان در این سال نو سلامتی و کامیابی و موفقیت را از خداوند بزرگ خواهانم. دکتر حسن مسیح پور

عید بر عاشقان مبارک باد

عاشقان عیدتان مبارک باد

عید ار بوی جان ما دارد

در جهان همچو جان مبارک باد

بر تو ای ماه آسمان و زمین

تا به هفت آسمان مبارک باد

عید آمد به کف نشان وصال

عاشقان این نشان مبارک باد

عید آمد که ای سبک روحان

رطل های گران مبارک باد

مناجاتی از حضرت مولانا

ای در میان جانم و جان از تو بی خبر

وز تو جهان پر است و جهان از تو بی خبر

چون بی برد به تو دل و جانم که جاودان

در جان و در دلی و دل و جان از تو بی خبر

نقش تو در خیال و خیال از تو بی نصیب

نام تو در زبان و زبان از تو بی خبر

از تو خبر به نام و نشان است خلق را

و آنچه همه به نام و نشان از تو بی خبر

مولوی از مجالس سبعه

غزلی از دیوان شمس

حیلت رها کن عاشقا دیوانه شو دیوانه شو

واندر دل آتش در آ پروانه شو پروانه شو

هم خویش را بیگانه کن، هم خانه را ویرانه کن

و آنچه بیا با عاشقان هم خانه شو هم خانه شو

رو سینه را چون سینه ها، هفت شو از کینه ها

و آنچه شراب عشق را پیمانه شو پیمانه شو

باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی

گر سوی مستان می روی مستانه شو مستانه شو

گر چهره بنماید صنم پُر شو از او چون آینه

وز زلف بگشاید صنم، رو شانه شو رو شانه شو

بقیه از شماره قبل...

جسم خاک از عشق بر افلاک شد

کوه در رقص آمد و چالاک شد

عشق جان طور آمد عاشقا

طور مست و خرّ موسی صاعقا

و آن شخص را که می خواهم منم. ما دو روحیم که در یک بدن حلول کرده ایم. در عشق چون سختی روح انسانی با روح انسان دیگر بیشتر از موجودات دیگر است. لذا عشق به انسان دیگر ابتدا از کالبد زیبایی معشوق را در خود متجلی می بیند و تدریجا زیبایی کالبد را تا درجه دوم پائین می آورد و اینجاست که روح معشوق نسبت به عاشق از اهمیت خاص برخوردار خواهد شد و عاشق آرام نخواهد گرفت تا زمانی که روح معشوق را با روح خود کاملاً متحد ببیند.

و مراد مولوی آنست که اگر عشق ما جرات رسیدن و وصال معشوق را نداشته باشد مجازی است و مانند مرغ بی پری است که نتواند پرواز کند. بدا به حالش! عده ای معتقدند که وقتی عشق به کمال خود رسید، شخصیت عاشق و معشوق یکی می شود.

من کییم؟ لیلی و لیلی کیست؟ من

ما یکی روحیم اندر دو بدن

آنا من اهوی و من اهوی انا

نحن روحان، خللنا بدنا

من همان شخص هستم که او را می خواهم

STUDIO 4726

Innovation in design

شمع
استکان
کفروت
شال گردن
کاشی...





بهترین و ارزنده ترین کادوی نوروزی

تصویر زیبای عزیزان شما بر روی انواع شمع ها

با مراجعه به وب سایت ما از سایر کالاهای بی نظیر ما دیدن فرمایید

www.studio4726.com 925-899-6831

Find us on
 Facebook



**حافظ و قرآن
(تعمد یا تصادف؟)
بهرام گرامی
bgrami@yahoo.com**

دیوان غزلیات حافظ شامل ۴۸۶ غزل است. ۱ در تمامی این دیوان، واژه قرآن، به عنوان نام کتاب، هشت بار در هشت غزل آمده است. ۲ با توجه به تعداد غزلیات و مجموع ابیات در دیوان غزلیات، هر غزل به طور متوسط دارای ۸/۳ بیت است که، برای سهولت در بحث و نتیجه گیری، ۸ بیت در نظر گرفته می شود. احتمال رویدادهای تصادفی حکم می کند که از هشت فقره واژه قرآن در دیوان حافظ، به طور متوسط یک بار در بیت اول، یک بار در بیت دوم، و... همین طور یک بار در بیت هشتم یا بیت آخر غزل های مختلف بیاید یا توزیعی کم و بیش مشابه آن داشته باشد، در حالیکه در هر هشت مورد، واژه قرآن در بیت آخر آمده است. بسیاری از غزلیات کمتر از هشت بیت دارند که احتمال آمدن واژه قرآن را در بیت آخر، به دلیل عرصه محدودتر، افزایش می دهد، و در عوض غزلیات بسیاری یا بیش از ۸ بیت وجود دارند که در آنها عرصه آمدن واژه قرآن فراخ تر بوده و احتمال آمدن این واژه در بیت آخر کاهش می یابد. در هر حال، نکته حایز اهمیت در کانون بحث آن است که واژه قرآن فقط در بیت تخلص که معمولاً بیت آخر غزل است آمده است. به بیان دیگر، هر بیت که در آن واژه قرآن هست، بدون استثنا، نام حافظ نیز در آنجا هست. برای اثبات غیر تصادفی بودن یا، به زبان آمار و احتمالات، نشان دادن درجه معنی دار بودن چنین مشاهده ای، باید گفت که احتمال آمدن واژه قرآن در بیت هشتم از یک غزل هشت بیتی برابر با یک هشتم است و برای این که این واژه در هر هشت بار در بیت هشتم (بیت آخر) باشد، احتمال آن برابر با $(\frac{1}{8})^8$ یا یک در 16777216 یا کمتر از یک در ۱۶ میلیون است. به بیان بسیار ساده، اگر ۴۱۰۰ بیت شعر حافظ را ۴۱۰۰ فنجان در نظر بگیریم که در یک سطح چیده شده اند و ۵۰۰ فنجان از این ۴۱۰۰ فنجان به نشانه ابیاتی که اسم حافظ در آنهاست به رنگ آبی باشند و ۸ مهره را به منزله ۸ واژه قرآن در دست بگیریم و به سمت فنجان ها بریزیم، در هر ۱۶ میلیون بار ریزش مهره ها، فقط یک بار احتمال دارد که هر هشت مهره درون فنجان های آبی ریخته شوند.

نکته قابل توجه دیگر آن است که چون هیچ گونه رابطه صرفی و نحوی یا ترکیبی و عبارتی بین دو واژه قرآن و حافظ، دست کم در ابیات مورد نظر، وجود ندارد، لذا انتظار می رود که در هشت بیت مزبور واژه قرآن در بعضی ابیات قبل از حافظ و در بعضی دیگر بعد از حافظ آمده باشد، در حالیکه در هر هشت بیت، بدون استثنا، نام حافظ قبل از قرآن آمده است و این خود احتمال تصادفی بودن چنین رویدادی را به نحو چشمگیری بیش از پیش کاهش می دهد. در ادامه تمثیل بالا، اگر هر فنجان را با کشیدن یک خط در میان آن به دو نیمه، مثلاً چپ و راست، تقسیم کرده باشیم، احتمال آن که هر ۸ مهره در یک سمت فنجان قرار گیرند، به مراتب کمتر می شود.

هشت بیت مورد نظر به قرار زیرند:

۱. حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی / دام تزویر مکن چون دگران قرآن را
۲. عشقت رسد به فریاد و خود بسان حافظ / قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت
۳. حافظ به حق قرآن کز شید و زرق بازی / باشد که گوی عیشی در این جهان توان زد
۴. زاهد را رندی حافظ نکند فهم چه شد / دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند
۵. حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار / تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور
۶. گفتمش زلف به خون که شکستی گفتا / حافظ این قصه دراز است به قرآن که مپرس
۷. هیچ حافظ نکند در خم محراب فلک / این تنعم که من از دولت قرآن کردم
۸. ندیدم خوش تر از شعر تو حافظ / به قرآنی که اندر سینه داری

پند نکته زیر در فور توجه بسیار است:

حافظ خانلری که مستند و ملاک این مقاله است بر اساس چهارده نسخه تصحیح گردیده و اختلاف نسخه ها برای هر بیت نشان داده شده است. برای دو واژه حافظ و قرآن در هشت بیت مورد بحث حتی یک مورد اختلاف، چه از نظر با هم نبودن دو واژه در یک بیت و چه از جهت ترتیب تقدم آنها، در میان نسخه ها دیده نمی شود.

به جای بیت ردیف ۷ در بالا، ضبط دیگری در حافظ قزوینی/غنی وجود دارد که در آن نیز حافظ قبل از قرآن در یک بیت آمده است:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ / هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم
خارج از حافظ خانلری، بیت دیگری در حافظ قزوینی/غنی وجود دارد که در آن نیز

حافظ با قرآن و قبل از آن در یک بیت آمده است:

ای چنگ فرو برده به خون دل حافظ / فکرت مگر از غیرت قرآن و خدا نیست
خارج از دیوان غزلیات، در بیت زیر از یک قصیده نیز حافظ با قرآن و قبل از آن آمده است:

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد / لطایف حکمی با کتاب قرآنی

در دو بیت زیر، شاید گنجینه یا گنج به قرآن اشاره داشته باشد، و در هر دو بیت نام حافظ قبل از آنها آمده است:

فقر ظاهر مبین که حافظ را / سینه گنجینه محبت اوست

چو حافظ گنج او در سینه دارم / اگرچه مدعی بیند حقیرم
یادداشت ها:

۱. دیوان حافظ، خواجه شمس الدین محمد، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، جلد اول (غزلیات)، جلد دوم (ملحقات غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات و رباعیات)، چاپ دوم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲.
۲. فرهنگ واژه نمای حافظ، مهین دخت صدیقیان (با همکاری ابوطالب میرعابدینی)، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.

گلستان سعدی

باب پنجم در عشق و جوانی

حسن میمندی را گفتند سلطان محمود چندین بنده صاحب جمال دارد که هر یکی بدیع جهانی اند، چگونه افتاده است که با هیچ یک از ایشان میل و محبتی ندارد چنان که با ایاز که حسنی زیادتی ندارد؟ گفت هر چه به دل فرو آید در دیده نکو نماید.

هر که سلطان مرید او باشد

گر همه بد کند نکو باشد

وانکه را پادشاه بیندازد

کسش از خیل خانه ننوازد

کسی بدیده انکار اگر نگاه کند

نشان صورت یوسف دهد به ناخوبی

وگر به چشم ارادت نگه کنی در دیو

فرشته‌ایت نماید به چشم، کروی

شبی یاد دارم که یاری عزیز از در در آمد چنان بیخود از جای بر جستم که چراغم به آستین کشته شد. نشست و عتاب آغاز کرد که مرا در حال بدیدی چراغ بکشتی به چه معنی؟ گفتم: به دو معنی: یکی اینکه گمان بردم که آفتاب بر آمد و دیگر آنکه این بیتم به خاطر بود:

چون گرانی به پیش شمع آید

خیزش اندر میان جمع بکش

ور شکر خنده ایست شیرین لب

آستینش بگیر و شمع بکش

پارسایی را دیدم به محبت شخصی گرفتار، نه طاقت صبر و نه یاری گفتار. چندانکه ملامت دیدی و غرامت کشیدی ترک تصابی (کارهای کودکانه) نگفتی و گفتی
کوتاه نکنم ز دامن دست

ور خود بزنی به تیغ تیزم

باری ملامتش کردم و گفتم: عقل نفیست را چه شد تا نفس خسیس غالب آمد؟ زمانی بفکرت فرو رفت و گفت:

هر کجا سلطان عشق آمد نماند

قوت بازوی تقوی را محل

پاکدامن چون زید بیچاره ای

اوفتاده تا گریبان در وحل

بیچاره ای که تا گریبان در گل فرو رفته، چگونه تواند پاکدامن و نیالوده به گل زندگی کند.

گویند خواجه‌ای را بنده‌ای نادرالحسن بود و با وی به سبیل مودت و دیانت نظری داشت با یکی از دوستان. گفت دریغ این بنده با حسن و شمایلی که دارد اگر زبان درازی و بی ادبی نکردی. گفت ای برادر چو اقرار دوستی کردی، توقع خدمت مدار که چون عاشق و معشوقی در میان آمد مالک و مملوک برخاست.

خواجه با بنده پری رخسار / چون درآمد به بازی و خنده

نه عجب کو چو خواجه حکم کند / وین کشد بار ناز چون بنده

دانیان روشندل می دانند که دوران زندگی دراز نیست، تن آدمی از این جهان است و روان از سرای دیگر. بزرگمهر



فریبا برای مادرش و خودش چای می ریزد و از کارش در نانوائی و پختن نانهای آلمانی می گوید که تاجی نمی شنود، علاقه ای به شنیدنش ندارد حالا همه اش دلش می خواهد بداند این چه زندگی است که دخترش دارد. تاجی جون همه توانش را جمع کرد و پرسید: «فریبا، چیه

کنه، اینجوری هر چی درمیاره را باید بده به دولت. ولی کار که مال خودت باشه، صد تا راه داره که بتونی سرشون را کلاه بذاری و مالیات ندی، اینا را من بلدم، همه اونایی که به جایی رسیدن از اینکارا کردن. با حقوق بگیری آدم به جایی نمی رسه». بعد بادی به غبغبش انداخت، دوباره برای خودش چای ریخت و استکان نیمه خالی تاجی جون را هم پر کرد ولی به روی خودش نیاورد که استکان فریبا خالی است و همانطور که سرش پایین بود گفت: «حالا چقدر داری؟ قرار بود با خودت بیاری که من به کار بزنم». تاجی جون مثل اینکه از این سؤال غافلگیر شده باشد کمی مکث کرد و گفت: «خودت میدونی که پول ایران چقدر بی ارزشه تبدیلش کنی چیزی نمیشه»، همه اینها را می گفت تا وقت پیدا کند و رقمی از پولی که داشت را بگوید و بعد مثل اینکه ناگهان چیزی به ذهنش رسیده باشد گفت «سه هزار تا با خودم آوردم». حسن سرش را بلند کرد و با دهان نیمه باز اول تاجی جون و بعد فریبا را نگاه می کند «سه هزار تا فقط همین، چکارش کنم من؟ مسخره کردی خودتو و منو؟!». فریبا براق شد و گفت: «درست حرف بزن، مکه طلبکاری از مادرم». حسن حبه قندی که نصفش را خورده بود روی میز پرت کرد، زیر لب به فریبا حرفی زد که او در جواب گفت: «نفهم، بی شعور». حسن که در خانه را بهم کوبید و رفت، تاجی جون نفس راحتی کشید، استکان چایش را در ظرفشویی خالی کرد، دوباره برای خودش چای ریخت و برای دخترش هم همینطور. چند جرعه از چایش را نوشید و بعد بشقاب را جلو کشید، تکه ای پنیر در آن گذاشت و در ظرف مربا را باز کرد و همانطور که روی نانمش کره می مالید بی آنکه دخترش را نگاه کند گفت «چایت سرد شد بخور، مرباش خیلی خوبه با این نونا خوشمزه می شه». فریبا چایش را با میل نوشید و وقتی اولین لقمه نان و مربای بهارنارنج را قورت داد با ذوق گفت: «تاجی جون، مزه همون موقع ها را میده، یادت میاد وقتی عیدما می رفتم پیش خان جون شمال، همه مربا ها را خودش درست می کرد، یادته؟».

مادر، چی شده؟ مشکلی داری؟» بعد چشمش را دوخت به دهان دخترش به امید اینکه چیزی بشنود که در نیمه باز آشپزخانه باز شد و حسن با زیر پیراهن رکابی و شورت پارچه ای گلداري دم در ظاهر شد، خمیازه ای کشید و گفت: «میذارین بخوابیم، بسکه سرو صدا می کنین، چه خبر تونه!». چشم فریبا سر و پای شوهرش را با خشم برانداز کرد، هنوز یادش بود که در خانه پدریش هیچوقت کسی با این سرو وضع جلوی دیگران نیامده بود. زیر لب به آلمانی چیزی می گوید که حسن برافروخته جواب می دهد: «خونه خودمه، هر جوری بخوام می گردم، هر کی خوشش نیامد نیاد اینجا». تاجی جون چشمش را به بشقابش دوخت و صحبت را به نان آلمانی برگرداند و بعد بی آنکه سرش را بلند کند صدلی کنارش را نشان داد و گفت «بفرما، براتون چای بریزم». حسن صدلی را با سر و صدا عقب کشید و دورتر از میز نشست و سیگاری روشن کرد. دود سیگارش که در آشپزخانه پیچید، تاجی جون سرفه کرد، فریبا بلند شد و پنجره را باز کرد. حسن بحثی را که دیشب شروع کرده بود ادامه داد: «من اگه پول داشته باشم به همه نشون می دم بیزینس یعنی چی. اینایی که چیزی نشدن عرضه نداشتن و بلد نبودن. من سر یکسال پول را صد برابر می کنم. تاجی خانم شما اگه سهم خونه فریبا را بدین که من سرمایه گذاری کنم، از سودش به شما هم میدم، شما هم می تونی سر سال یک خونه تو ایران بخری. اینجا رستوران وضعیت توپه، توپه، اینم کاریه که من خوب بلدم». هنوز صدای او که بر سر دخترش فریاد زده بود در گوش تاجی جون می پیچید که گفت: «شما چرا پس حالا کاری نمی کنی؟ یعنی پول نباشه آدم کار دیگه ای نمی تونه بکنه؟» فریبا با چشمانی حیرت زده مادرش را نگاه کرد، مثل اینکه انتظار این سؤال را از مادرش نداشت، با اینحال انگار یکجورایی دلش هم خنک شد. حسن پک محکمی به سیگارش زد و دودش را بطرف تاجی جون فرستاد و گفت: «شما اینجا را نمی شناسی و به قواعدش وارد نیستی، صرف نمی کنه آدم بره واسه دیگران کار

تاجی جون

ناهدید کشاورز

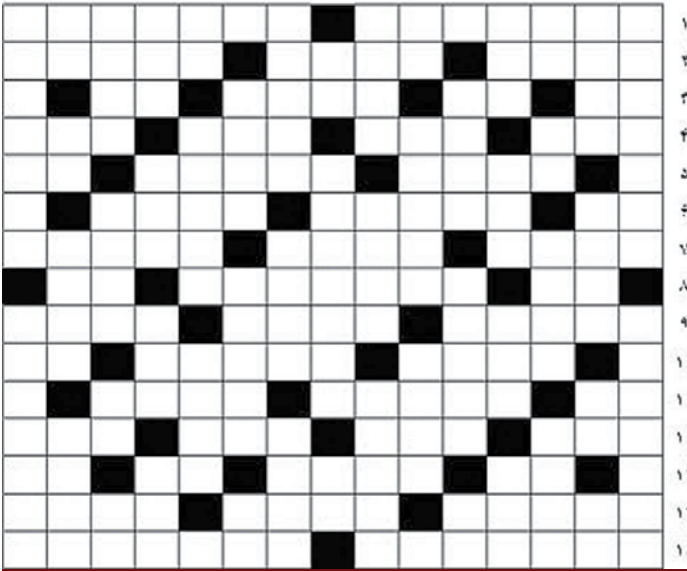
آنهاست. تاجی جون به آشپزخانه می رود که روی میزش کثیف است و چند استکان نشسته و بشقاب غذای نیمه خورده روی آن است و هوایش بوی بدی می دهد. او آرام پنجره را نیمه باز می کند، کتری برقی را به برق می زند، روی میز را جمع می کند و در دلش می گوید: «معلوم نیست تا نصفه شب اینجا چکار می کرده، کاراش غیر آدمیزاده، روزا عوض اینکه بره سر کارمگیره می خواجه و شبها بیدار می مونه». تاجی جون دلش از گرسنگی مالش می رود و ساعت را نگاه می کند که ۹ را نشان می دهد و فکر میکند که کم کم دخترش می آید و لابد بازهم از نانهای مانده روز قبل نانوائی با خودش می آورد. «دخترم را فرستادم اروپا درس بخونه شده سر از نانوائی در آورده، کله سحر باید پاشه بره و شوهر بی غیرتش تا لنگ ظهر بخوابه». تاجی جون همینطور بی هدف چند دوری در آشپزخانه گشته بود که صدای باز شدن در خانه آمد و فریبا هراسان به آشپزخانه وارد شد، مادرش را بوسید پانکی نان را روی میز گذاشت و گفت «وای، تاجی جون بمیرم هنوز صبحونه نخوردی؟! چایم که نداریم، شما باید دواها تو بخوری، بنشین الان خودم جورش می کنم، حسن هنوز خوابه؟!». سؤال آخر را یکجوری پرسید مثل اینکه خواب بودن شوهرش تازگی دارد و با قیافه ای گیج بطرف اتاق خواب رفت. تاجی جون در آشپزخانه را بست، دلش نمی خواست حرفهای آنها را بشنود، بعد از کتری که جوش آمده بود در فلاسک چای ریخت، درش را بست و فکر کرد «اینکه نشد چای!». دعوی دختر و دامادش در اتاق خواب بالا می گیرد و او روی صدلی آشپزخانه می نشیند و زل می زند به در بسته آشپزخانه می طولی نمی کشد که دخترش می آید، چشمانش قرمز است ولی زورکی لبخند می زند و صورتش را از نگاه مضطرب مادر می دزدد. دو استکان روی میز می گذارد و از پاکتی که همراه آورده بود چند نان گرد کوچک و شیرینی را در می آورد و توی بشقاب می گذارد، از یخچال پنیر و کره و مربای بهارنارنجی که تاجی جون با خودش آورده بود را روی میز می گذارد و خودش هم پشت میز روبروی مادرش می نشیند. تاجی جون دیگر اشتها نداشت، دلش چای هم نمی خواست، فقط آرزو می کرد دخترش با او حرف بزند، دلش می خواست همه چند روز گذشته را خواب دیده باشد. چقدر همیشه آرزو کرده بود دخترش ازدواج کند و او نوه هایش را بغل کند و خانواده بزرگی که همیشه آرزویش را داشت پیدا کند.

تاجی جون بی سرو صدا از جایش بلند می شود، دستش را به کمرش می گیرد، بالاتنه اش را صاف می کند سرش را به جلو خم می کند و بعد چند بار گردنش را به چپ و راست می گرداند، نگاهی به دور و برش می اندازد، پتویش را تا می کند و زیر بالشش روی کاناپه می گذارد و کنار آن می نشیند. دلش یک استکان بزرگ چای خوش رنگ دم کشیده می خواهد، که از وقتی به اینجا آمده گیرش نیامده است و از دست فریبا دخترش حرص می خورد که نگذاشته بود از ایران با خودش سماور بیاورد. تاجی جون به آرامی از جایش بلند می شود و با احتیاط قدم بر می دارد، مراقب است که پایش به جایی نخورد و در این آپارتمان کوچک سرو صدا نکند. دلش نمی خواهد دامادش حسن که هنوز خواب است را بیدار کند، هر چند که او تا تا دیر وقت شب در آشپزخانه نشسته بود و نور چراغ آنجا به صورت تاجی جون تابیده بود و خوابش را بر هم زده بود و او به اجبار در همان جای تنگش انقدر جابجا شد تا بالاخره خوابش برده بود. از آمدن تاجی جون به آلمان فقط یک هفته می گذشت و او هر روز بیشتر از دامادش که برای اولین بار او را می دید بدش می آمد و غصه اش بیشتر شده بود، چون حس می کرد تنها دخترش خوشبخت نیست. با اینکه فریبا سعی می کرد خودش را سر حال نشان بدهد و با همسرش خوش رفتاری کند ولی از دید مادر پنهان نموده بود که خیلی از رفتارهای او ظاهری و برای دلخوشی مادر است. تاجی جون هر شب قبل از خواب پیش خودش فکر می کرد مگر می شود دختری که او تربیت کرده عاشق چنین مردی بشود، مردی که هیچ ظرفیتی در رفتار و گفتارش نبود و تاجی جون شک کرده بود که اعتیاد هم داشته باشد. او دلش می خواست فکر کند که دخترش از سر ناچاری و تنهایی و مشکلات و بدبختی های اینجا لابد گول زبان چرب و نرم او را خورده و زنش شده است. تاجی جون از روزی که آمده بود دلش می خواست فرصتی می شد می نشست و یک دل سیر با دخترش حرف می زد، سالها بود از وقتی که دخترش از ایران رفت، آرزوی همچین روزهایی را داشت و حالا که پیشش بود فرصت نمی شد، حسن همسرش روزها خانه بود و بیشتر وقتها شبها که آنها خواب بودند از خانه بیرون می رفت. خانه و زندگی فریبا به نظرمادرش فقیرانه می آمد و جای تنگ و وضعیت خواب نامناسب و رفتار دامادش باعث شده بود که او در همین مدت کم احساس کند که سربار

حل جدول در صفحه ۵۰

سرگرمی

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



مدرسه فارسی البرز
 تجربه یادگیری زبان فارسی را
 برای فرزندان شما زیباتر می سازد

(408)829-8296
 1954 Camden Ave. #3, San Jose

عمودی:

- ۱- گوهرها- بررسی دفترها و اسناد حسابداری
- ۲- جای بی خطر- دیگر- مخفف پادشاه- بسته نیست
- ۳- رمق آخر- بخشی از حیوانات- فصاحت- دراز کشیدن و آسودن
- ۴- فرتوتی- نگاه کوتاه- چشم درد- کاسه آبخوری
- ۵- استراتژیست ارزی در نیویورک- برگزیده ترین- بوی رطوبت
- ۶- بالا پوش مردانه- به دفعات- خیانت
- ۷- نوشابه زاپنی- نقاش- منسوب به یمن
- ۸- فرمان اتومبیل- معامله گران تکنیکال در بازار تبادلات ارزی- علامت جمع فارسی
- ۹- گروه گروه- بی بی- به رخ کشیدن زینت
- ۱۰- غلتک- کربلای سابق- جانشین او
- ۱۱- شخص- قضاوت- نیروهای مسلح سه گانه
- ۱۲- مقابل رفت- خوب و زیبا- آرزوها- ناپدید
- ۱۳- پسر مازندرانی- کلاهخود- مروراید درشت- واحد سطح
- ۱۴- محل ورود- ساز شاکي- کرمینه- تالیف کننده
- ۱۵- آزادی و رهایی- مربوط به باج و خراج

افقی:

- ۱- اقتصاد دان اهل بریتانیای کبیر متولد ۱۹۰۴ و برنده نوبل اقتصاد- اقتصاد دان انگلیسی متولد ۱۷۷۲ میلادی که کتاب معروفش به نام «درباره اصول اقتصاد سیاسی و مالیات» در سال ۱۸۱۷ منتشر شد.
- ۲- هوس زن باردار- نرده- زن گندمگون
- ۳- پیشوند سال و روز- آب بینی- از تقسیم بندی های علم اقتصاد- راندن مزاحم
- ۴- از قدرت های اقتصادی نوظهور در جهان- پاک از گناه- زه کمان حلاجی- الفت
- ۵- روشنی بخش- بزرگراه معروفی در تهران- هنوز فرنگی
- ۶- پایه- سهل الهضم- از رؤس اصلی تصمیم گیری در مورد بودجه هر کشور
- ۷- از ظروف آشپزخانه- پدر حضرت ابراهیم (ع)- فالگیری
- ۸- حرف دهن کجی- قدیمی و کهن- علامت مفعولی
- ۹- تصنیف- پیشوند انگلیسی به معنی کوچک- بزرگوار
- ۱۰- از توابع اردبیل که قرار است در آینده در آنجا منطقه ویژه اقتصادی تاسیس شود- از استان های کشورمان که در سال ۱۳۸۲ رتبه ۴۶ را از ۱۰۰ به لحاظ توسعه یافتگی صنعتی کسب کرد- گشود
- ۱۱- شورا- پستی- سیاهرگ
- ۱۲- حیرت- یکی از اهرام- نام ایرانیان فارسی زبان- سنگ انداختن
- ۱۳- گذر کردن- بخشنده- رایحه- حرف تعجب
- ۱۴- کشوری در شمال شرقی آفریقا که اکثرا مسلمان هستند- فلک- چگونگی
- ۱۵- یادبود- یکی از برترین تحلیلگران تکنیکال فعال در بازار معاملات با نام کوچک «جان»



تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نيمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۰۹۳۹-۹۹۸-۹۲۵ یا ایمیل mayheravi@yahoo.com تماس حاصل فرمایید.

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
 ۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
 ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت.
 مکان:
Fremont, Main Library
 ۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
 ۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
 ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

دومین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب.
 تلفن اطلاعات:
 ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰
1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

آموزش شعر و ادب با نصرت الله نوح

در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. هر هفته در روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ عصر برگزار می شود.
 (۶۵۰)۵۶۵-۹۶۸۵
 Ortega Park, 636 Harrow Way, Sunnyvale

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰
 ۱۲۳۴-۳۶۹-۴۰۸
 ۶۴۴۰-۳۷۱-۴۰۸
 مکان: رستوران ساقی
1392 S Bascom Ave, San Jose
 ورودیه با شام ۲۵ دلار

کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس حاصل فرمایید.
 (۴۰۸)۷۲۵-۲۹۲۲

۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

نیاز مندیها

آشنایی و دوستی

یک مرد بازنشسته سالم، خواهان آشنایی و دوستی با یک بانوی بالای ۶۰ سال می باشد. سپاسگزار خواهم شد با تلفن ۰۸۸۳-۷۸۴(۵۱۰) تماس بگیرید.

استخدام

برای زندگی و نگهداری از مادرم به یک خانم با تجربه نیاز می باشد. برای دریافت اطلاعات لطفا با تلفن ۸۴۸۵-۳۴۷(۶۵۰) تماس بگیرید.

به یک خانم ایرانی و یا افغان، مهربان و صبور، بطور شبانه روزی، جهت نگهداری از آقای نود ساله که به بیماری فراموشی مبتلا هستند، در منطقه سن متئو نیازمندیم. ۸۱۲۴-۵۷۱(۶۵۰)

به یک خانم و یا آقای ایرانی، مسلط به زبان انگلیسی، با داشتن اجازه کار و گواهینامه مجوز در ایالت کالیفرنیا برای کار بازار یابی نیازمندیم. ۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)



قیمت استثنایی

قیمت استثنایی سال نو، فقط به مدت محدود کوتاه کردن مو با رنگ ۶۰ دلار. توسط سمیرا، متخصص رنگ مو و با داشتن مجوز آرایشگری و سال ها تجربه ۶۵۳۶-۷۷۰(۴۰۸)

مهد کودک کاملیا

محیطی گرم و خانگی با امکانات آموزشی، صبحانه و ناهار برای کودکان یک ماهه تا چهار ساله و بعد از مدرسه. دارای ۱۲ سال تجربه و با داشتن گواهینامه مهد کودک، کمک های اولیه و CPR. در منطقه کمپل و West San Jose ۱۵۴۵-۴۰۶(۴۰۸)

جویای کار

خانمی با تجربه، دارای گواهینامه معتبر، مسئول، با حوصله و مهربان، آماده نگهداری از سالمند شما در سن حوزه و شهرهای حومه از ساعت ۸ صبح الی ۲ بعد از ظهر می باشد. ۷۳۸۳-۶۰۱(۴۰۸)

پژواک ناهستان
برای درج آگهی با شرکت پژواک تماس بگیرید!
۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

فصل ستارگان

دی

گرچه حساس هستید ولی باید پولی را که به کسی قرض داده اید پس بگیرید. عاشق کارهای روزمره و در عین حال پیرو نظم و انضباط هستید. از طرفی بسیار مقاوم و لجباز، اما باید یاد بگیرید که بیشتر انعطاف پذیر بوده و با دیگران مهربانتر باشید. در این ماه احتمال سفر کوتاهی برایتان هست. بزودی مسئولیت بزرگی را بر دوش خواهید کشید.

مهر

از احوال دوگانه خود در این ماه تعجب نکنید. چون ماه که وارد برج حمل شود، به ناگهان طبیعت مبارزه جوی شما فعال شده و فورانی از انرژی در شما ایجاد می شود و شما به راحتی از عهده کارها و خرده فرمایش های دیگران بر می آید، ولی در آینده حتما در استخدام خود باشید و برای خودتان کار کنید. از یکی از دوستانتان رنجیده خاطر می شوید. با او در این مورد حرف بزنید.

تیر

آدم بی قراری هستید و افکارتان همواره در حال پرش از جایی به جای دیگر است. باید در آرامش غذا بخورید زیرا غذا خوردن همراه با استرس و یا با ذهنی آشفته و یا در حال رانندگی هم مفید نیست و هم سلامتی تان را به خطر می اندازد. بهتر است یک یا دو قسمت از کارهای مهم تان را در دست بگیرید و اداره بقیه را به دیگران بسپارید.

شروالدین

انجام کارهای خود را به تعویق نیندازید. بگذارید دیگران هم از امکاناتی که در اختیار شماست بهره ببرند. ممکن است برای حل یک مشکل بزرگ خانوادگی به داوری شما نیاز باشد، ولی پیش از آن بهتر است اطراف و جوانب کار را به دقت بررسی کنید. ضمناً بدانید که روزهای شیرینی در راه است. یکی از دوستانتان به کمک فکری شما نیاز دارد.

بهمن

باید مراقب اطرافیانتان باشید و به ظاهر افراد اهمیت ندهید و فریب آنها را نخورید. شما مهربان و عاطفی هستید، اما بعضی ها از این مهربانی سوء استفاده می کنند. هر کاری را در حد اعتدال و تعادل انجام دهید و از زیاده روی و احساساتی شدن بپرهیزید. اگر دلی را شکسته اید به فکر ترمیم آن باشید. تا آنجایی که می توانید به دیگران مهربانی و محبت کنید.

آبان

چنانچه از لحاظ احساسی رویایی در سر داشته اید اکنون به حقیقت می پیوندد. در مورد اهدافتان خودخواه و لجباز هستید که باید در آن تجدید نظر کنید. اگر دانشجو هستید انرژی زیادی خواهید داشت که این موضوع احساس خوبی به شما می دهد. افراد زیادی دوست دارند شما را بیشتر بشناسند. از اشخاصی که به شما انرژی منفی می دهند دوری کنید.

مرداد

شما در این ماه برای رفع یک سوء تفاهم تلاش کرده و احساس مسئولیت می کنید. مطمئن باشید که مشکل شما در یک رابطه دوستانه برطرف خواهد شد. با اینکه واضح صحبت می کنید، ولی دیگران ممکن است که گفته های شما را اشتباه تفسیر کنند. پس اکنون وقت ساکت بودن و کمتر حرف زدن است. از کسانی که پشت سر دیگران حرف های منفی می زنند دوری کنید.

اردیبهشت

در روزهای آینده خبر خوشی خواهید شنید که موجب خوشحالی عمیق شما خواهد شد. ممکن است به سفر دوری بروید. از اظهار نظرهای خود هراسی نداشته باشید و آنچه را که می پندارید درست است بی پرده با اطرافیانتان در میان بگذارید. کارهایتان را با احتیاط به جلو ببرید تا موفقتر باشید. به یک مهمانی بزرگ دعوت می شوید.

اسفند

این ماه از طلایی ترین ماه های زندگی شماست. قدر آن را بدانید. بزودی اوضاع مالی تان هم بهتر خواهد شد. اگر به فکر کاری جدی تر هستید از هم اکنون زمان فکر کردن و اقدام به آن است. پس فرصت سوزی نکنید. برای رسیدن به آرامش و تمرکز بیشتر در تصمیم گیری ها، با پیاده روی در مسیری زیبا نتیجه بسیار خوبی خواهید گرفت.

آذر

از تعریف و تاثیر دیگران خرسند نشوید. در خلوت خودتان را ارزیابی کنید. چرا که با خودتان دیگر رودرپایستی ندارید. به خواسته هایتان اعتدالی ببخشید. هیچ گاه ناامیدی به دلتان راه ندهید که بعد از هر گرفتاری فرجی هست. امیدتان را از دست ندهید. سنجیده سخن بگویید و در تصمیم خود عزمی جزم داشته باشید. روزهای خوشی در راه هستند.

شهریور

در این ماه تمام مسائل عجیب و مرموز زندگی تان از بین می رود. بسیار ایده آلیست هستید ولی باید یاد بگیرید که واقع بین باشید. شما، متولدین این ماه، شنوندگان بسیار خوبی هستید و به همین دلیل می توانید مشاورین، معلمین و حتی روانکاوان و وکلای موفق باشید. یکی از دوستانتان از راه دور به دیدن شما می آید و خبر مهمی را با خود همراه دارد.

فرورداد

امیدتان باید به خودتان باشد نه به دست این و آن. شما برخلاف ظاهر جدی و خشکتان دلی رؤف و مهربان دارید، اما اشکال کار اینجاست که گاهی نمی دانید چه حرفی را کجا بزنید، به همین دلیل ممکن است حتی دوستان و نزدیکان از شما برنجند. انتظار نداشته باشید که همیشه کارها بر وفق مرداتان باشد. سنجیده کارهایتان را انجام دهید.

دهید و حرکات کششی انجام دهید و نفس



عمیق بکشید تا بتوانید وظیفه بعدی را با نیروی تازه و درایت کامل شروع کنید. هر چند وقت یک بار، اولویت‌های خود را باز نگری نمایید و لیست خود را تجدید کنید. بدانید که انجام چندین تکلیف در آن واحد، کار بهینه ای نمی‌باشد و از کیفیت کار می‌کاهد.

سیستمی برای ممانیت و تشویق خود در نظر بگیرید.

انرژی روزانه خود را حفظ کنید و نگذارید در چاله‌های منفی گرایب اسیر شوید. با افرادی که حامی و مشوق شما هستند کماکان در تماس باشید. روزانه به اعمالی که موجب بالا نگاه داشتن انرژی شما میشود بپردازید. تسلیم نشوید و بدانید که کار نیکو کردن از پر کردن است. از راهی که در پیش گرفته اید لذت ببرید و زمان حال را فراموش ننمایید. تنها رسیدن به هدف مهم نیست؛ زندگی کردن در اکنون، کلید رستگاری و رهایی می‌باشد.

از مطالعه و تمقیق دست نکشید و در هر زمان، هدفی بالاتر برای خود بر گزینید.

داشتن آرزوهای بزرگ در هر لحظه، ضمانتی است برای داشتن یک زندگی پویا و غنی. هر چه بیشتر در امورات دنیا شراکت کنید، زندگی پر برکت تر و روحی رها تر و والا تر خواهید داشت. **دیدگاه صمیم و باز خود را از زندگی از دست ندهید.**

آدمی به راحتی می‌تواند غرق مشکلات و چالش‌های روزانه شود، و هدیه گرانبهای زمان حال را فراموش کند. اهداف خود را در ذهن بسپارید ولی مسیر رسیدن به آنها را تماماً زندگی کنید و از آن لذت ببرید. هر روز صبح، در دفترچه یادداشت شکر گذاری خود، حداقل ۵ مورد را درج نمایید و بدین صورت، روز خود را با انرژی مثبت قدردانی آغاز نمایید و در انتظار روزی پر بارتر و زیبا تر، مملو از انرژی، وظایف روزانه خود را به انجام برسانید.

عقاید بازدارنده خود را بشناسید و از میان بر دارید.

نود و پنج درصد مغز ما از هنگام تولد تا شش سالگی با میلیاردها داده، برنامه نویسی می‌شود. این اطلاعات یا عقاید، توسط بزرگان، آموزگاران و جامعه، در بطن مغز جاگذاری می‌شوند. این قسمت از مغز، ضمیر ناخودآگاه نامیده شده و بانی اکثر عادت‌ها، عکس‌العمل‌ها و خوی‌های ما می‌باشد. پنج درصد بقیه مغز که جایگاه خواسته‌ها و آرزوهای خودآگاه است، در مقابل قدرت عظیم ضمیر ناخودآگاه بی اثر می‌ماند. برای شناسایی این عقاید باز دارنده، شروع به نوشتن احساسات منفی خود کنید و عقیده ای که باعث به وجود آمدن این حس میشود را بنویسید. با یافتن آن، علت آن را از خود جویا شوید و با آوردن دلایلی که به شما خلاف آن را ثابت می‌کند، قدرت مخرب آن را از میان بردارید. در نهایت، به این نتیجه خواهید رسید که آن باور ویرانگر، عقیده ای بیش نیست و اساس واقعی ندارد. در این زمان، اعتقادی را که برای شما سود آور است، بر گزینید و در زمان مدیتیشن و تجسم‌های فکری، این عقاید را روی ضمیر ناخودآگاه خود برنامه ریزی کنید. تمرین‌های ضمیر ناخودآگاه را به طور مداوم برای ۲۱ روز ادامه دهید تا به نتیجه مطلوب دست یابید و باور قدیمی را با اعتقاد سازنده جدید جایگزین نمایید. دکتر بروس لیتون می‌گوید، اگر باورهایتان را عوض کنید، زندگیتان تغییر خواهد کرد.

اهداف خود را مطالعه کرده و آنها را به بفش‌های کوچکتر و قابل اداره تقسیم نمایید.

هر شب، قبل از خواب، وظایف روز بعد خود را همراه با زمان لازم برای تکمیل آنها در جایی یادداشت کنید. با انجام هر قسمت از تکلیفهای روزانه، به خود پاداش دهید تا با حس حصول به مقصد، ترغیب شوید و به انجام بقیه مراحل بپردازید تا اینکه هدف خود را به نتیجه برسانید.

سیستم اداره زمان اتخاذ نمایید.

زمان را مدیریت کنید و به آن پای بند بمانید. مدیریت زمان، در حقیقت، مدیریت ارجحیت‌ها میباشد. مهمترین و بحرانی‌ترین کار را اول انجام دهید و بعد به وظایف ساده و کم اهمیت تر بپردازید. هر جا که لازم باشد، از گفتن "نه" خود داری نکنید. بعد از انجام هر تکلیف، به خود استراحت



۷ راه رسیدن به اهداف روزانه

از داشتن آرزوهای بزرگ نهراسید. حس مسئولیت را در خود بر انگیزید که شما نقاش بوم زندگی خویش هستید. پس بهتر است نهایت تلاش خود را برای ترسیم هر چه زیباتر آن بنمایید. زمانی که لیست اهداف خود را تهیه کردید وقت آن است که نتیجه نهایی را طوری تجسم کنید و با احساسات در آمیزید که گویی به وقوع پیوسته اند.

بهترین زمان برای تجسم، لحظاتی است که در حال به خواب رفتن هستیم. در فاصله بین خواب و بیداری، امواج مغزی ما در سطح آلفا ارتعاش می‌کنند و ضمیر خود آگاه و ناخودآگاهمان به راحتی تبادل اطلاعات می‌نمایند. از جهان با شعور هستی یا ایزد مئان طلب یاری کنید. بخواهید تا به آنچه میخواهید برسید.

تصویر واضحی از هدف خود داشته باشید و نتیجه نهایی را آن طور که می‌فهمید به طور دقیق تبسم کنید.

لحظه‌ای تامل کنید و از خود بپرسید که در این لحظه آیا واقعا میدانید چه خواسته‌هایی دارید. اگر ندانیم چه می‌خواهیم، جهان هستی چگونه میتواند آن را به ما اهدا کند؟

بهترین روش برای کشف آرمانها و آرزوهای خود، نوشتن است. ساعتی از وقت خود را به این امر اختصاص دهید و جستجو کنید که در هر چهار جنبه زندگی، سلامتی، رابطه، موفقیت و معنویت چه آرزوها و خواسته‌هایی دارید. هر کدام از آنها را با جزئیات یادداشت کنید.

میتوانید مقاصد خود را به دو دسته کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم نمایید.

CONURE
MEDIA

WEB DESIGN MARKETING

CALL FOR FREE CONSULTATION

www.conuremedia.com
408.913.6060 • info@conuremedia.com

قیمت استثنایی

قیمت استثنایی سال نو، فقط به مدت محدود کوتاه کردن مو با رنگ ۶۰ دلار. توسط سمیرا، متخصص رنگ مو و با داشتن مجوز آرایشگری و سال‌ها تجربه ۶۵۳۶-۰۷۷۰ (۴۰۸)

خیلی قدیم های تهران

بخش هشتم

عباس پناهی



هرجا رسیدند، گفتند شاه سانسور میکند. در کلاردشت هم، ما بچه ها گرفتار یک خاله خانم دیگر بودیم و این یکی را عمه فرنگیس میخواندند. پیرزنی بود با صورتی تیره رنگ با چین های درشت و موهایی فرفری و آشفته و سرخ که همیشه پیراهنی سرخ رنگ که چین کمرش در روی سینه اش دوخته شده بود و هبیتی چون جادوگران داشت. و بچه های دایی ام از کارهای عجیب او داستانها تعریف میکردند و زن دایی ام هم، هرگاه سرو صدای ما زیاد میشد، تهدیدمان میکرد که اگر زیاد صدا کنید و آرام بازی نکنید، به عمه فرنگیس خواهیم گفت. ما آنچنان از هبیت عمه فرنگیس میترسیدیم که فقط همان بار اول که نمیشناختمش، از جلو دیده بودیمش و پس از آن، فاصله مان با او پانصد متر بود و بخوبی این فاصله رعایت میکردید...

بعد از ظهر همانروزی که شاه و ثریا به کلاردشت آمدند، با اصرار ما بچه ها، مادر و زن دایی مان ما را با خود همراه کردند و تا پای هواپیمای شاه که در یک محوطه باز که زمینی شنی داشت بر زمین گذاشته شده بود و دوسرباز کنارش ایستاده بودند رفتیم. هواپیمایی دونفره تک موتوره ملخ دار بود که برای خلبان و یک سرشنین سفقی نصب نشده بود و خلبان و مسافر، فقط از عینک مخصوص باد گیر که با یک کش بدور سر، قرار میگرفت، از برخورد باد و احیانا ذرات معلق در هوا به چشم محافظت میکرد استفاده مینمودند. یک دستمال بزرگ بر روی دهانه هواپیما که صندلی ها در آن قرار داشت گذاشته شده بود. ما مدتی به جلو و عقب و دورتا دور هواپیما گشتیم و وقتی سیر شدیم راه خانه را در پیش گرفتیم، بدون آنکه هیچ گونه ممانعتی از ما بشود...

خیابان ایستادیم. بنا به گفته آنان، راهی که میان محل فرود هواپیما و خانه شاه قرار داشت، همین خیابان بود که به نظر من تنها خیابان شهر هم همان یکی بود. دقایقی گذشت و دیدیم که حدس بچه ها درست بود. شاه در پشت فرمان یک اتومبیل رو باز نشسته و میراند و شهبانو ثریا هم در کنارش. آدمهای زیادی در خیابان نبودند و آنانی هم که بودند برای دیدن شاه و ملکه ایستاده کف میزدند. اتومبیل بسیار آرام حرکت میکرد. وقتی به ما نزدیک شد، همگی شروع به کف زدن کردیم و با صدایی که از دهان در میاوردیم و با دست بطور متناوب به لبها میزدیم برایشان ابراز احساسات نمودیم. هم شاه و هم ثریا، با لیخند و با چهره ای خندان و شاد به کف زدن و هورا کشیدن ما، با تکاندن دست، پاسخ دادند. ناگهان خواهرم با یک جمله خاک بر سرم گفتن، ما را از فاجعه ای با خبر کرد. به اونگاه کردیم که چه اتفاقی افتاده؟ او گفت خاک بر سرم، الان شاه و ثریا آن چیزهای بدی که روی دیوار نوشته اند را می بینند...

روی دیوار ها، مستهجن ترین کلماتی را که هر لاتی میتواند بر زبان بیاورد، علیه شاه و همسرش نوشته بودند و تمام مسیر عبور شاه را با همان کلمات رکیک، کثیف کرده بودند. شاه و ثریا هر دو آن نوشته ها را میخواندند. اما بروی خود نمی آوردند و فقط به استقبال مردم پاسخ میگفتند. چون اتومبیل بسیار آرام حرکت میکرد، ما مسافتی را بدنبال آنان میدویدیم و هورا میکشیدیم به جز اتومبیل شاه، هیچ اتومبیل یا موتور سوار و یا قراول و یساولی در پس و پیش اتومبیل شاه نبود و آن تنها حرکت میکرد. بدون هیچ تشریفات. بعد ها که جلو نوشتن آنگونه لجن نویسی ها را گرفتند، آن لجن نویسان

بل بشویی که در سیاست دولتی و هیجانی که جامعه را در خود بلعیده بود سخن ها گفته میشد. اقوام و دوستان خانوادگی که از آذر پایگان می آمدند و از دوران سیاه حکومت پیشه وری و اعدامهایی که در کوچه و بازار کرده بودند و درگیری های مردم بجان آمده از حاکمیت مشتکی ارازل و اوباش و عاقبت، سرنگون کردن آن خیانت پیشه گان، داستانها میگفتند...

تهران در تب و تاب بود و هرگاه که هوا بهتر میشد، سر و صدای عده ای هم بالا میرفت و شعار های گوناگون از کوچه و بازار شنیده میشد. عده ای فریاد میزدند، برقرار باد پرچم سرخ بابرهنگان جهان و زنده باد رفیق جوزف استالین. عده ای فریاد میزدند، از جان خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا مصدق... و عده ای هم فریاد میزدند، جاوید شاه، جاوید شاه، جاوید شاه... و ناگهان از میان آن گروه های ضد شاه یکی فریاد میزد: مرگ برشاه... و با این فریاد، جنگ مغلوبه میشد

و مردم به جان هم می افتادند و یکدیگر را لت و پار میکردند. در تابستان آن سال یکی از دایی هایم که در کلاردشت مازندران زندگی میکرد، سفارش کرده بود که ما، به اتفاق مادر، به خانه او برویم. خانه ای دوطبقه داشت که در کنار خیابانی واقع بود که کف و زیر سازی اش شنی و هنوز آسفالتی در کار نبود. روز ها، با بچه های دایی که آنها هم، هم سن و سالهای ما بودند به جنگلی که به خانه شان بسیار نزدیک بود میرفتیم و در لا بلای بته های به هم فشرده و خیس، از شبنم های انبوه، بازی میکردیم و در اثر حرکت کردن در لا بلای بته ها، سراپایمان خیس میگردد. از بته های خاردار تمشک تا آنجا که میتوانستیم تمشک میچیدیم و رنج خاره های آنرا تحمل مینمودیم. بوی عطری که در فضای جنگل حاکم بود، آمیزه ای از بو های صدها گونه گیاه معطر بود که در هیچ جایی نمیشود آن بوی عطر، همراه با رطوبتی که به آن آمیخته بود را پیدا کرد. یکروز که در جنگل مشغول بازی بودیم، ناگهان صدای هواپیما بالای سرمان شنیدیم. بچه های دایی ام گفتند حتما شاه است. چون او در اینجا یک خانه دارد و گاهی به اینجا می آید و با توصیه بچه های دایی، از جنگل بیرون آمدیم و در کنار

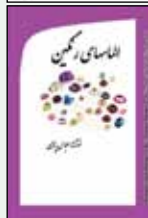
ژولی آنچنان اهل خانواده شد که دیگر بی او نمیشد دمی را گذراند. نه تنها اهل خانواده که اهل محل. بامداد و کله سحر، بچه های محل به عشق دیدن ژولی، صبحانه نخورده از خانه میزدند بیرون و جلو خانه ما جمع میشدند. من و برادرم هم همان عشق را داشتیم و از ما بیشتر خود ژولی بود که وقتی بامداد سپیده میزد، در پشت در اتاق پنجه به در میکشید تا ما را خبر کند که برخیزید، وقت بازیست. چون مادرم اهل نماز بود، به هیچ وجه اجازه نمیداد تا ژولی را به داخل اتاق ببریم و ژولی هم میدانست که آستانه در اتاق مرز بین او و خانه است و هرگز پایش را به سمت داخل اتاق نمیکشید. اما نسبت به مادرم هم همان ابراز محبت را مینمود و مادرم نیز به او محبت میکرد و گاهی گوشت میخرید و گاهی هم مقداری گوشت را که مردم نمیخواستند و قصاب از گوشت های فروشی جدا میکرد را به مادر میداد تا به ژولی بدهد.

من هنوز به مدرسه نرفته بودم و هنوز جزو شاگردان خاله خانم بودم و او هم که از روزهای باقیمانده دنیا چیز زیادی طلب نداشت، نمیخواست با نجسی ها، آخرت خود را خراب کند و از همان شب اول قبر، تکیر و منکر یقه اش را بگیرند که با ناپاکی مبارزه نکرده است. و به همین خاطر بود که دستهای مرا نجس میدانست و تا به مکتب میرسیدم، مرا جلو پاشوره حوض میبرد و با آفتابه ای که پر از آب در دستش میگرفت و روی دستهایم میریخت، وادارم میکرد که بطور شرعی دستانم را آب بکشم و با سه بار فرو کردن دستهایم تا آرنج، در آب حوض، تطهیر نمایم و پس از آن اجازه میداد که وارد اتاقش شوم. میگفت: سگ بازی حرام است. سگ بازی کار (یزید) بود که به غضب الهی گرفتار شد. اینقدر با سگ بازی نکن. اما هیچ وقت از مادرم انتقاد نمیکرد که چرا او بمن اجازه بازی با سگ را میدهد. فقط یکبار گفت باید یکروز خدمت خانم برسم و چوغولی ترا به او بکنم....

آنروزها که ما بچه ها، در بی خیری بودیم اوضاع کشور، بکلی آشفته بود و ما فقط از لابلای حرفهایی که بزرگترها با هم میزدند، موضوعاتی را استنباط میکردیم. اما از کم و کیف آنها چیزی دستگیرمان نمیشد. از

پنج جلد کتاب از خاطرات

هیجان انگیز و پر ماجرای عباس پناهی



تلفن سفارش و خرید:

(۴۰۸)۶۹۱-۶۷۱۸

و تقسیم آن و تعیین ورثه بعد از فوت می باشد. البته این امر در صورتی قابل انجام می باشد که املاکی غیر از ملک مورد مصالحه موجود نباشد که در غیر اینصورت برای تقسیم الباقی املاک نیاز به انحصار وراثت می باشد.

قرارداد مصالحه در قانون مدنی ایران در ماده ۴۱ پیش بینی شده است. بدلیل اختصاصی و پیچیده بودن این نوع انتقال و قرارداد و حق برخورداری از شروطی ویژه که طرفین می توانند به نفع خود یا ضررشان باشد لذا توصیه می شود که اقدام در خصوص اعمال این نوع قرارداد نیاز به تجربه و تحصیلات حقوقی لازم و کافی دارد. شما جهت مشاوره و اطلاع کامل تر می توانید در این خصوص با مشاوره گرفتن از وکیل از کلیه حقوق خود مطلع شوید. نکته حائز اهمیت در خصوص این امر این است که نیازی به حضور شخصی طرفین در ایران و دفاتر رسمی نمی باشد. انجام کلیه این امور توسط وکلای قانونی شما در ایران امکان پذیر است به نحوی که نیازی به مسافرت به ایران ندارید.

احسان خواهد بود. این قرارداد در اصطلاح صلح مساحمه نیز خوانده می شود چرا که افراد به اتکاء به اصل آزادی اراده که جزء اصول پذیرفته شده قانونی و جهانی می باشد اقدام به انعقاد چنین عقیده می نمایند. جهل در خصوص طول عمر افراد موجب ابطال این عقود نمی باشد. به عنوان مثال پدری که قصد دارد ملک خود را به مالکیت یکی از فرزندان خود در آورد ولی تمایل دارد که تا آخر عمر خود، شخصا از مالکیت و منافع حاصله از ملک خود برخوردار باشد و ملک پس از فوت، بدون تشریفات قانونی به آن فرزند منتقل گردد و نیازی به رضایت الباقی فرزندان و بقیه ورثه نباشد، صلح عمری بهترین راهکار و توصیه قانونی می باشد. چرا که منافع پدر در زمان حیات تامین و در آینده پس از مرگ وی نیز نیازی به هیچ گونه تشریفات قانونی نمی باشد. نکته قابل توجه در خصوص انعقاد این نوع قرارداد یا انتقال قانونی، عدم نیاز به طی کردن مراحل قانونی در خصوص انحصار وراثت و مراجعه به دادگاه در جهت تعیین املاک



چگونه می توان املاک خود در ایران را مطابق قانون، قبل از فوت، به وارثین مورد نظر انتقال داد به صورتی که تا زمان حیات، مالک ملک خود بوده و پس از فوت به صورت اتوماتیک وار به وارث و یا شخص سوم انتقال قانونی یابد؟

تحت عنوان صلح عمری (طول عمر) نموده که تعریف آن به شرح ذیل می باشد. صلح عمری یا مصالحه به شرط طول عمر در به عنوان مثال به این معنی می باشد که شخصی بخواهد املاک و اموال خود را به شخص دیگری انتقال بدهد به شرط اینکه تا زمانی که خود زنده است مالک قانونی و بهره مند از منافع و سود حاصله از ملک باشد و با مرگ خود اتوماتیک وار بدون طی مراحل قانونی ملک مورد، نظر به شخص ثالث واگذار شود.

شایان ذکر است که صلح عمری در هر زمان قابل فسخ و برگشت می باشد. عموماً این نوع انتقال در قبال تعهداتی از طرف دوم به نفع طرف اول صورت می گیرد، ولی ارزش این تعهدات قابل ملاحظه نخواهد بود و قصد طرفین در این عقود

طبق قوانین ایران تنظیم وصیتنامه توسط اشخاص فقط تا یک سوم اموال نافذ و معتبر می باشد و وصیت کردن برای انتقال کلیه اموال به یک شخص یا اشخاص مورد نظر زمانی معتبر می باشد که الباقی ورثه بعد از فوت شخص متوفی رضایت خود را اعلام نمایند یا به اصطلاح قانونی تنفیذ وصیتنامه مربوطه را اعمال کنند. در حقیقت این امر خارج از تصور و تقریباً امکان ناپذیر است چرا که اشخاص به راحتی از سهم خود نمی گذرند. لذا اگر شما املاکی در ایران دارید و قصد تقسیم آن را به غیر از نحوی که قانون تعیین کرده را دارید، با تنظیم وصیتنامه فقط حق انتقال ۱/۳ از اموال خود را به ورثه یا شخص ثالثی دارید. لذا قانون گذار در مقام حل این مشکل اقدام به تصویب قانونی

قیمت استثنایی

قیمت استثنایی سال نو، فقط به مدت محدود کوتاه کردن مو با رنگ ۶۰ دلار. توسط سمیرا، متخصص رنگ مو و با داشتن مجوز آرایشگری و سال ها تجربه ۶۵۳۶-۷۷۰(۴۰۸)

اداره اتباع خارجی یک نسخه آنهم برای اداره پلیس فرستاده می شود. سلیم سری تکان داد و به شریف گفت: بهرحال شما مسئول هتل و در این مورد مقصر شناخته می شوید و بایستی با من به اداره پلیس پیابید و به من و فرید هم اشاره کرد که فعلا به منزل برگردیم تا ما را در جریان کار بگذارد.

هرچند من (نویسنده) مشتاق شنیدن تمام جزئیات داستان گل نم بودم. لیکن برای او یادآوری دوباره ماجرا ناراحت کننده و تأثر انگیز بود. این شد که گفتم خوب گل نم جان نمی خواهم زیاد اذیت بشی، بالاخره توانستی به ایران برگردی؟ گل نم گفت: بله، بالاخره سلیم توانست که شریف را راضی کند تا از شکایت خودش منصرف گردد و من با همان برگ خروج به تهران برگشتم. در تهران غلام دوستی داشت که او را احد صدا می کردند. من قبل از اینکه پیش جبرخان بروم سوری مرا به منزل احد و همسرش بنام زیبا برد و زمانی که برای رفتن به منزل جبرخان از سوری خداحافظی می کردم او شماره تلفن احد را به من داد تا در صورت لزوم بتوانم با او تماس بگیرم. من وقتی به تهران رسیدم از فرودگاه به زیبا تلفن کردم. خوشبختانه منزل بود و وقتی خودم را معرفی کردم خیلی از آمدنم استقبال کرد و آدرسش را به من داد و خواست که چند روزی مهمان آنها باشم. منم تاکسی گرفتم و پیش زیبا رفتم. از پولی که خودم داشتم و مبلغی را که جبرخان موقع رفتن به دبی به من داده بود چیز زیادی برایم نمانده بود و من هنوز بدون تکلیف بودم و نمی دانستم چکار می خواهم بکنم تا اینکه یک روز خیلی غیرمنتظره غلام به دیدنم آمد. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

وقتی بشیر وارد هتل شد از سر و وضعش فهمیدم که جوان بی کس و کاری است. پیش من آمد و گفت دو روز است که چیزی نخورده است و حاضر است در عوض غذایی که به او می دهم هرکاری انجام دهد. آن روز غذایی خورد و دو ساعتی در آشپزخانه کار کرد و بعد گفت که اگر جائی هم برای خوابیدن به او بدهم تمام روز را بدون دستمزد برایم کار می کند و این وضع چند روزی تکرار شد.

بشیر در این مدت خیلی از خودش عرضه نشان داد بطوریکه به مرور زمان در این هتل جا افتاد و چون پسری امین و جدی بود او را متصدی قسمت اطلاعات هتل کرد. همین جا کار می کرد و در همین هتل می خوابید و از چندسال پیش هم برایش حقوق و مزایا در نظر گرفتم و ماهی تقریباً هزار درهم پول توجیبی می گرفت. این اواخر چندین دفعه پیش من آمد و تقاضای ۱۰ هزار دلار پول توجیبی (معادل ۳۰ هزار درهم) وام کرد. می گفت مادرش در ایران مریض است و این پول را برای معالجه او می خواهد. ولی این پول زیادی بود و من نمی توانستم همچون مبلغی را به او وام دهم. ضمن اینکه فکر می کردم اگر برنگردد هیچگونه تضمینی ندارم. با همه این حرفها به او گفتم من در ایران آشنائی دارم که می تواند برای معالجه مادرش به او کمک کند و من سفارش او را خواهم کرد. بشیر با ناراحتی یکی دو روز دیگر کار کرد و یکدفعه غیبش زد. من در موقع بررسی صندوق امانت فقط مدارک موجود را با مهمان های حاضر در هتل چک کردم و چون کم و کسری ندیدم آنها را بدست جلیل سپردم و هرگز به فکر پاسپورت گل نم نبودم.

سلیم گفت: چرا پلیس را در جریان غیبت گل نم و سرقت شناسنامه قرار نداده است؟ شریف گفت: معمولاً همراه با گزارش به

گل نم شیدوش باستانی

داستان دنباله دار



مقدمه: همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود به رشته تحریر درآورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سنتا باربارا- کالیفرنیا

شریف گفت: من نمی فهمم. و بعد از جلیل خواست تا دفتر ثبت مهمان ها را بعلاوه پاسپورت و شناسنامه مرا بیاورد. جلیل رفت، کمی معطل کرد و برگشت و گفت که پاسپورت این خانم در صندوق امانات نیست. شریف گفت: اینجا خبرهایی شده که من در جریان نیستم و بعد دفتر لیست اسم مهمان ها را باز کرد و چند ورقی زد و آنرا بدست سلیم داد و گفت اسم این خانم در دفتر ثبت شده است. سلیم دفتر را گرفت و نگاهی به آن انداخت. در دفتر جلوی اسم من یادداشت شده بود که ایشان دو هفته در هتل اقامت کرده و سپس بدون تسویه حساب با اقدام به دزدیدن شناسنامه اش در غیاب متصدی مربوطه فرار کرده است که مراتب به مدیر هتل گزارش و نامه ای جهت پی گیری قانونی به اداره اتباع خارجی در فرودگاه تسلیم می گردد.

سلیم روبه مدیر هتل کرده گفت: خوب توضیح شما در این مورد چیست در صورتی که در نامه ای که به امضای شما در اداره مهاجرت ضبط شده حاکی بر این است که پاسپورت این خانم نزد شماست؟ شریف که گیج شده بود و یا اینطور وانمود می کرد که از این جریانات خبر ندارد. کپی نامه ای را که سلیم با خود داشت نگاهی کرده و گفت من از واقیبت موضوع بی خبر هستم. فقط اینکه روزی بشیر (مسئول قبلی) پیش من آمد و گفت یکی از مهمان های هتل بدون تسویه حساب، و دزدیدن شناسنامه اش فرار کرده است، چه دستوری می دهید! منم گفتم گزارش تهیه کند و بفرستد اداره اتباع خارجی. این کاری است که ما درباره هرکسی که حسابش را تسویه نکند عمل می کنیم. ولی راجع به پاسپورت اطلاعاتی ندارم و باید دید که این سرقت به چه صورتی انجام گرفته است و آن وظیفه پلیس است که شما خود مجری آن هستید. سلیم گفت: شما یکی از کارکنان هتل مدتی نمی آید، کسی را بجایش استخدام می کنید و هیچ در پی آن نیستید که این شخص کجا رفته؟ چرا رفته؟ و یا اینکه کم و کسری در در کارش بوده یا نه؟

شریف گفت: در اوایل من خودم به امور آمد و رفت مهمانان رسیدگی می کردم.

من در وضع بدی گرفتار شده بودم و واقعا همانطور که فرید می گفت جانم در خطر بود چونکه قاچاقچی ها اگر احساس لو رفتن می کردند دست به هر جنایت دیگری هم می زدند حتی اگر قرار باشد چند نفری را از سر راه بردارند و فرید به این موضوع آگاهی داشت. من با اینکه سراز این ماجرا در نمی آوردم خیلی ترسیده بودم. آن روز و چند روز دیگر هم گذشت. تا اینکه با فرید تماس می گیرند که او همراه من به اداره پلیس برویم.

سلیم که جلوی اداره پلیس منتظر بود ما را دعوت می کند که سوار ماشین شویم و می گوید که بایستی به هتل برویم تا تحقیقات را کامل کند. در بین راه گفت براساس تحقیقاتی که کردیم هیچ کس شخصی به نام سیامک را نه دیده و نه می شناسد. ما عکس او را همه جا داده ایم تا اگر کسی او را دید به ما خبر دهد ولی از فرار او به ایران کنترلی نداریم چون اینجا بندری آزاد و بی در و بیگر است.

صاحب هتل یک ایرانی بنام باقر شریف، مردی ۵۰ ساله با ریش و سیبیل در سالن هتل منتظر ما بود. وقتی سلیم را دید از جایش بلند شد، کراواتش را کمی بالا برد و جلو آمد و با خوشروئی او بغل کرد و سه بار بوسه بر شانه های سلیم زد و اظهار دلتنگی کرد. سلیم هم متقابلاً گفت که از دیدن او خوشحال است و سپس از شریف خواست تا مسئول دفترش را به او معرفی کند.

شریف هم اشاره ای به مردی که پشت میز اطلاعات هتل ایستاده بود کرد و بعد او را به سلیم معرفی کرد و گفت جلیل مدت یک هفته ایست که استخدام شده است و در این پست انجام وظیفه می کند.

سلیم پرسید: کارمند سابق شما کجاست؟ شریف: مدتی است که از او خبری ندارم. سلیم گفت: هتل شما از این خانم به اداره مهاجرت مستقر در فرودگاه شکایت کرده و ایشان بنا بر مقررات ممنوع الخروج شده اند آیا شما در جریان این موضوع هستید؟ شریف نگاهی به من انداخته و پرسید: شما چندوقت در این هتل اقامت داشتید؟ گفتم: من تا حالا در هیچ هتلی در دبی اقامت نکرده و ندارم.

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
FREE CAR WASH COUPON
@
TOUCHFREEWASH.COM
OPEN 24 HOURS

تجربہ یا قانون محوری

(در وای شہادت فرہندہ)

من از محکوم کردن های بی تحقیق می ترسم
که با فریاد تکفیری شود تشویق می ترسم
ز فریاد خشونت بار جانی در لباس دین
که اندر ذهن کور و کرشود تریزیک می ترسم
به پشت پرده دستان به خون آغشته ی فتنه
به ظاهر خشم اوباشان شود تطبیق می ترسم
از آن روزی که صد بیچاره در بلوا شود مقتول
محاکم حرف قاتل ها کند تصدیق می ترسم
در این دوران برای نقش قانون و عملکردش
اگر یک کار بس جدی شود تعلیق می ترسم
اگر ما در عمل بیچاره گشته زود نتوانیم
تجربہ را ز قانون محوری تفریق می ترسم
اگر اینبار مغلوب فساد و زور و زر گردیم
زمرگ هر امیددی بہر هر توفیق می ترسم
ابوالقاسم غضنفر

سفرہ ہفت سین

سفرہ ی ہفت سین امسال مَو کم کم می چینم
جای خالی تو رو کنار سفرہ می بینم
کاش بیای سال جدید کنارمون باشی باز
بنشین کنار سفرہ من فقط عکس بندازم
واسہ دیدن تو ہی ، توی دلم نذر میکنم
مہرہ های تسبیح و ہی پشت ہم رَج میکنم
چرا پس حاجت دل روا نمیشہ واسہ من ؟
بودنت شدہ یہ رویا واسہ آوا واسہ من !
دوبارہ بہار میاد از راه ، بازم بدون تو !
گرہ بی امسال سبزہ ام ، میشہ باز دیدن تو
شہرزاد بقایی

نوروز من، سرزمین من

بانوی سرزمین روزها و رویا های من.....
گل ها و جوانه ها فقط در بہاران شکوفا نمی شوند
و خورشید ہم..... ہموارہ پر جلال و جلوہ طلوع نمی کند
ایران من..... ماہ بانویم
برای من..... نوروز و بہاران و عید
فقط در دیدار تو..... میرویند.....

دریغا.....

این ہمہ سالہای زندگانی

فقط در سکوت و تصور و تخیل نوروز و بہاران
و دیدار تو گذشت

اما میدانم

آن خاک سیہ پوش شدہ ی من
از زیر خاکستر نہالان سوخته اش
از نو خواهد روئید..... سبز خواهد شد میدانم... میدانم.

من باور دارم..... رود ها و دریاہای مردہ ی زادگاہم
بہاران و نوروزان من..... دوبارہ جان خواهند گرفت
و ایران من..... باز ہم..... خرم و سرسبز
باز ہم آزاد و سربلند و سرافراز
سر بر سریر سماوات خواهد سائید
میدانم..... میدانم.....

ہر روزمان نوروز.....

نوروزمان پیروز

و سرزمینمان ہموارہ خرم و سر سبز و جاودان
منوچہر کوهن

اگر بہار بودم

سرا پایت را ببر میکشیدم
عطر گلہای کوهستانہای دور را،
با رنگہای دلکش طبیعت
بہم می آمیختم و بر تو میباشیدم
بچہ ها و دخترہای پرندگان را میگفتم
برای تو ترانہ ای بسرایند کہ
نغمہ ی آن از شر شر جویبار و صر صر باد باشد
و آنگاہ کہ پروانہ ها و زنبور عسل ہا
تخم لالہ را بہ باکرہ ها میبرند
میگفتم عشق را در تو بر انگیزند
و آنگاہ بہ نسترن و یاسمن میگفتم
شاخہ های پر گل خود را برای تو برقص آرند
و بہ دریا ہا میگفتم برای تو بشورند،
و بہ امواج میگفتم برای تو بلرزند
مانند ابدیت ، مانند بی انتہا
چون سوالہای دل من

رؤف روشن

بہار غربت

چہ گرفتہ دل بہاری چہ بہار بی قراری
چہ ز رہ رسیدہ خستہ چہ سوار بی غباری
چہ درود بی سرودی چہ سرود بی درودی
چہ نوید بی امیددی چہ گسستہ تار و پودی
نہ شکوہ آبشاری نہ نمی بہ جویباری
نہ شمیم کوچہ باغی نہ صفای کوهساری
ہمہ دشتہا سترون ہمہ باغ سنگ و آہن
دل خاک داغدیدہ ہمہ ماندہ از تپیدن
نہ نشاط و جنب و جوشی نہ بساط گل فروشی
نہ خروش دورہ گردی نہ سرور و عیش و نوشی
نہ بہ روی سفرہ "سینی" نشان ہفت سینی
نہ ترانہ بی ، نہ رقصی نہ سرود دلنشینی
ہمہ لالہ های گلگون شدہ کاسہہای پر خون
کہ خزان غربت این جا بہ بہار زد شبیخون
چہ سکوت مرگباری چہ بہار داغدار
ہمہ دلشکستہ آری، چہ بہار بی بہاری
جہانگیر صداقت فر

در یک نگاہ

تلاقی دو نگاہ
وسپس تلاقی دو لبخند
و ناگہان
پر طپش شدن ضربان قلب من
و دویدن حرارتی شیرین در زیر پوست تن
عشق در یک نگاہ
سفری با عشق در یک نگاہ بی پایان
گذر ساعت ہا در ثانیه های بی سامان
احساسی لطیف و نفسگیر،
از منتہای قلب و جان.
(و آنگاہ در کمتر از یک لحظہ)
در بیچ آن خیابان شلوغ،
قدمہا بہم رسیدند، و رد شدند از ہم
و گم شد او در پشت غبار و دود،
و تا ابد گشت ناپدید از عرصہ وجود،
بدون گفتن حتی یک درود.
علی جعفرزادہ

شرارتہای شب

مرا با تاب گیسویت حکایتہاست ہر شب
بہ بام طاق ابرویت شرارتہاست ہر شب
دلیم زار و رخ زرد و نگاہم خشک بر در
از آن سیمای مہرہویت تلالوہاست ہر شب
ایمان

نوروز

خوش خرامیدہ و با حسن و وقار آمدہ است
این پیامی است کہ از دوست بہ یار آمدہ است
آرزویی است کہ از دوست بہ یار آمدہ است
م.ن

مزدہ ای دل کہ دگر بارہ بہار آمدہ است
بہ تو ای باد صبا می دہمت پیغامی
شاد باشی در این عید و در این سال جدید

Protecting our communities one home at a time.

1-888-298-9274

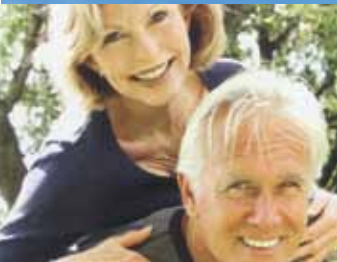


Health Response Systems

Shop Now

ADT Pulse Remote Security

piece of mind



Living independently doesn't mean you're alone. Help is here with the ADT Companion Services Personal Emergency Response Systems.



From burglary & fire monitoring to complete home automation, we have an ADT Home Security package that is right for you.



From almost anywhere, you can have the power to arm and disarm your home - it's home automation, climate and light control, and video.



ADT award winning home security offers your home 24-hour security monitoring for burglary, fire, carbon monoxide and more.

Video Surveillance



Keep an eye on what matters most, whether you're there or on-the-go. With home video surveillance, you can have peace of mind.

Help protect your home and family with a monitored alarm system. 24 hours a day, every day.

- ✓ Wireless Keypad
- ✓ Three Points of Protection
- ✓ Pet Sensitive Motion Detector
- ✓ Loud High Decibel Siren
- ✓ Yard Sign & Window Decal
- ✓ Lifetime Warranty



مورد نه چندان عجیب آزاده نامداری

نعیمه دوستدار

این متنی است که آزاده نامداری در شرح عکس خود منتشر کرده و البته مدتی بعد آن را از اینستاگرامش حذف کرده است. با این حال حذف عکس باعث نشده که کاربران فضای مجازی از اظهار نظر درباره ماجرا خودداری کنند.



آزاده نامداری، در میان مجریان تلویزیون ایران به دلایلی متفاوت بوده: از شبکه استانی کرمانشاه به تهران آمد، در شبکه یک، برنامه «تازه‌ها» را اجرا کرد و با همین برنامه به شهرت رسید. او اولین دختر جوانی بود که در تلویزیون «چادر ملی» و «چادر قهوه‌ای» به سر کرد و نگاه‌ها را به خود کشاند. محافظه‌کاران به او انتقاد کردند که چادرش بوی نفاق می‌دهد؛ چون موضعش را در مقابل «فتنه» روشن نکرده، در برنامه‌های تلویزیون به تفکیک جنسیتی انتقاد کرده یا با مردان شوخی کرده و زنان متفاوت مثل زن راننده تریلی را الگوی زنان خوانده است. محافظه‌کاران همچنین از اینکه او پس از رسانه‌ای شدن خبر طلاقش، «صفحه‌ای در اینستاگرام باز کرده و از غصه‌ها و حال بدش برای هوادارانش می‌نویسد و عکس‌هایی از خودش می‌گذارد»، ناخشنود بودند. او با اینکه حالا از سوی عده‌ای دیگر متهم است که چرا با مرد چند زنه مصاحبه کرده، از نظر محافظه‌کاران به عنوان «فمینیست» شناخته می‌شود.

فشونت فانگی و ما

جامعه مجازی ایران هم مثل تمام دنیا، به اخبار چهره‌های مشهور واکنش نشان می‌دهد اما این بار موضوع پاپاراتزی و سرگرم‌کننده نیست. صحبت از خشونت خانگی است؛ موضوعی که از هر سه زن، یک نفر آن را در زندگی تجربه می‌کند و چندان ربطی به کلاس اجتماعی، میزان تحصیلات و شغل افراد ندارد. شبکه‌های اجتماعی هرچه فراگیرتر شده‌اند، فرصت را برای بازنمایی و انتشار اخباری از این دست بیشتر کرده‌اند و به همان نسبت

است. او باید برای چیزی دلیل بیاورد که اثبات آن بسیار مشکل است و همین ساده نبودن اثبات است که زنان را در دادگاه‌های خانواده با مشکلات بسیار روبه‌رو می‌کند. آن‌ها جای متهم و شاکی را عوض کردند و آزاده نامداری را متهم کردند که منافعی در انتشار این عکس دارد: «چرا این عکس را حالا منتشر کرده و نه همان زمان که حادثه اتفاق افتاده؟»

برخی مواضع شخصی او را پررنگ کردند که چون چادری و مذهبی است و چون زمانی با یک مرد چند زنه مصاحبه کرده، حالا حق اعتراض به خشونتی که بر او رفته را ندارد. اما گروه بزرگ دیگری هم بودند که راه توجیه را در پیش گرفتند: «حقش بوده... حتماً به کاری کرده... بین طرفو به کجا رسونده.»

در بین آن‌ها کسانی بودند که صاحب عکس را به خیانت و دروغ‌گویی متهم کردند و کتک خوردن را حق زن دانستند. با وجود شیوع خشونت‌های خانگی در ایران و تمام دنیا، راه‌کارهایی که به شکل رسمی و غیررسمی به زنان ایرانی پیشنهاد می‌شود، اغلب برآمده از فرهنگ سنتی و مردسالارانه است که تلویحا از زنان می‌خواهد سازش کنند و موضوع را کش ندهند: «پیش می‌یاد... تو گذشت کن... تو دم پرش نباش، زیاد جلوش ظاهر نشو، عصبانیش نکن...»

در مورد ماجرای آزاده نامداری و فرزند حسنی هم همین‌طور است. خیل هواداران حسنی از اینکه وجهه عمومی مجری محبوب‌شان خراب شده ناراحتند و همسر سابق او را متهم می‌کنند که مسائل خصوصی را به عرصه عمومی کشانده و آبروداری نکرده. به باور آنها نامداری باید سکوت می‌کرد، همان‌طور که شونندگان ماجرا باید آن را نادیده بگیرند و از یاد ببرند.

هم حساسیت را نسبت به آن بالاتر برده‌اند. در دسترس بودن دوربین‌ها و امکانات ثبت تصویر و ضبط صدا، حالا باعث شده که درصد بیشتری از افرادی که در معرض این نوع رفتارها قرار دارند، آن را بازنمایی کنند و در مقابل، عاملان این رفتارها هم به پیامد عمل خود حساس‌تر شوند. کارکرد شبکه‌های اجتماعی اما تنها به مستندسازی این روایت‌ها محدود نمانده و کاربران را هم به واکنش واداشته؛ واکنش‌هایی که صرفاً همدلانه نیستند. در میان افراد پرشماری که روز دوم سال نو،



با عکس چشم ورم‌کرده آزاده نامداری مواجه شدند، کم نبودند کسانی که سیاست سکوت را در پیش گرفتند: «بگذریم... به ما چه؟ مسائل خصوصی مردم به ما ربطی ندارد.» آن‌ها ادامه‌دهندگان همان روشی هستند که در دعوای خانوادگی مداخله نمی‌کند و معتقد است گزارش کردن آن به پلیس یا نهادهای مسئول، مداخله در حریم شخصی افراد است؛ رفتاری شایع در میان ایرانیان که آمار جنایت‌های خانگی را هم بالا می‌برد. خیلی‌ها هم سیاست انکار را انتخاب کردند: «مدرکش کجاست؟ به طرفه به قاضی نریم... چطوری باور کنیم؟ حالا این‌طوری‌ها نیست.»

این گروه از کاربران، منادیان عدل و انصاف شدند، در حالی که در پس‌زمینه تلاش برای انصاف و عدالت، قربانی خشونت خانگی با نوعی بی‌اعتمادی مواجه

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
FREE CAR WASH COUPON
@
TOUCHFREEWASH.COM
OPEN 24 HOURS



(408) 345-3848

355 Santana Row #1010, San Jose, CA 95128

Blowfish Sushi Presents

**Happy Hour
4-7pm
Everyday**

**Under New
Operations**

**Middle
Eastern
Night**

Every Thursday
11:00pm - 1:30 am
DJ ANO
Top 40 - Hip Hop - Middle Eastern
Epic Music Ent.

**Monday-Friday
Lunch:
11:30am-2:30pm
Dinner:
5:00pm-11:00pm**

**Saturday & Sunday
Lunch:
11:30am-5:00pm
Dinner:
5:00pm-11:00pm**

Blowfishsushi.com - 355 Santana Row, STE 1010 San Jose, Ca 95128 - 408 345 3848

کند و می گوید که تندتر برو! تازه شما آدم ها هر که را می خواهید حقارت و پستی به او بدهید می گوئید فلانی مثل خر است و اگر کمی بی سواد باشد می گوئید که یارو سواد کافی ندارد، حرف حسابی سرش نمی شه و خر است. اگر با دیده بصیرت به ما حیوانات نگاه کنید می بینید که ما درصدد اذیت و آزار یکدیگر نیستیم. ما هیچگاه سر یکدیگر را از تن جدا نمی کنیم و حیوان دیگری را گردن نمی زنیم. ما در بین خودمان در جنگل سارق، قاتل و یا کلاهبردار نداریم که زندان یا زندانبان داشته باشیم. ما گروه های تروریستی القاعده یا داعش و امثالهم نداریم. ما حیوانات از شکم مادر لخت مادرزاد دنیا می آئیم، لخت مادرزاد هم از دنیا می رویم و چند صباحی در مرتع سبز و خرم جهان اگر از اذیت و آزار آدم ها برکنار باشیم با آرامش و صلح و برادری زندگی می کنیم.

دیدم جناب خر با همه خیریت اش حرفهای حسابی می زند و من در مقابل گفته هایش احساس حقارت کردم و گفتم: جناب خر، حق با شماست. بیش از این مرا شرمند مکن.

وقتی از پیش جناب خر برگشتم با خردم گفتم که چه خوب بود ما آدم ها انسانیت، مروت و صفات خوب را از خرها بیاموزیم.

خر بر آن آدمی شرف دارد
که کسی را از خود بیازارد
حمید تصدقی-تهران

در همسایگی ام کشاورزی زندگی می کند که خانه بزرگی دارد. در خارج شهر هم دارای مزرعه کوچکی است و گاهی با خرش مقداری بار و میوه جات از مزرعه به منزلش میاورد.

یکروز دیدم از مزرعه برگشته و خرش را به رسم همیشه با طناب به درب منزلش بسته است. در این اوضاع و احوال بودم که یک مرتبه جناب خر شروع کرد به عر کردن. با صدای بسیار بلند و گوش خراش، ول کن معامله هم نبود و عرو عرش هم قطع نمی شد.

رفتم جلوی درب همسایه و به خرش سلام کردم و گفتم: جناب خر، چرا اینقدر ناراحتی؟ مگر خدای ناکرده اتفاق بدی رخ داده؟! جواب داد: بله، از دست شما آدم ها دادم بلند است. دارم به خدا فریاد می زنم که ما خرها چه گناهی کرده ایم که باید اسیر دست آدم ها باشیم! برایشان بار می بریم، زحمت می کشیم و به جز محبت و خدمت کار دیگری از ما ساخته نیست، اما باز مورد اذیت و آزارشان هستیم.

دستی به سر و گوشش کشیدم، قدری نوازشش کردم و گفتم: درد دلت را بگو شاید بتوانم کمکت کنم.

جناب خر با کمی تأمل گفت: صاحب من به جای اینکه به قدرت بدنی من نگاه کند و بقدر قدرت و توان من بار بر پشتم گذارد، به جای صد کیلو بار پانصد کیلو بار بر پشتم جای می دهد و تازه خودش هم سوار می شود. اصلا درک نمی کند که من طاقت این همه بار اضافی را ندارم و از همه بدتر مرتب سیخی یا میخی بر پشتم فرو می

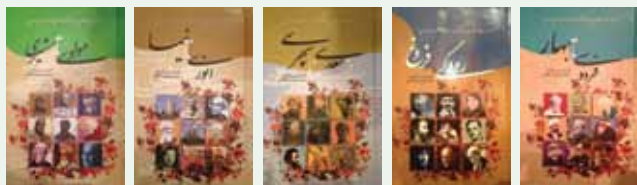
قیمت استثنایی

قیمت استثنایی سال نو، فقط به مدت محدود کوتاه کردن مو با رنگ ۶۰ دلار. توسط سمیرا، متخصص رنگ مو و با داشتن مجوز آرایشگری و سال ها تجربه ۶۵۳۶-۷۷۰(۴۰۸)

سیروسفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش مهندس پرویز نظامی

مجموعه کتاب در هفت جلد مشتمل بر شرح حال-تحلیل و معرفی آثار و گلچینی از زیباترین اشعار شاعران-عارفان و عالمان ایران در یک هزار و دو بیست سال اخیر



قیمت هر جلد بیست دلار
تلفن سفارش و خرید

۷۷۸۷-۲۰۸(۵۱۶)

parviznezami@yahoo.com

تا نظر شما چه باشد!

نامه ها و شعرهای رسیده به دفتر پژواک



در کنار نخل هایش بس گذاری داشتیم بود «بوورده» یکی جا و دگر جایش «بریم» اندر آن همچون «صفاهان» «چارباغی» داشتیم «احمدآباد» و «فرح آباد» و «پروز» و «بهار» «سده» و «کارون» و «بهمن شیر» جایی داشتیم شرجی و گرمای معروفش اگر جان کاه بود لیک بی همتا یکی نیکو بهاری داشتیم هیچ شیرین تر از خرمایش ندیدم در جهان گرچه شیرین چون عسل بس چیزهایی داشتیم میوه ای همچون «سه پستان» کس نمی داند که چیست یا که دیگر میوه ای همچون «کناری» داشتیم فوتبال شهر ما مشهور و صاحب نام بود نام داران بلند آوازه نامی داشتیم بود «شاپوری» نخستین نام ورزشگاه ما چون «بشیر» و «وازگن» بازیکنانی داشتیم نامور «پرویز دهداری» که باشد زنده یاد هم «علی سُرخو» و هم «جاسم سیاهی» داشتیم رفته از خاطر فراوان نام داران دگر «خواجیان» و «زیرک» چابک به پای داشتیم خوش زمانی بود ما را روزگاری که رفت سینه ای بی کینه، روح باصفایی داشتیم

به یاد آبادان

خاطرات وطن همیشه و تا پایان زندگی همراه انسان باقی می ماند. یکی از هم میهنان ایرانی به نام آقای «حسین گلباد» شعری به نام «به یاد آبادان» سروده و فرستاده اند که از نظر خوانندگان ارجمند می گذرد.

یاد آن روزی که ما هم روزگاری داشتیم عزت و قرب و مقام و احترامی داشتیم شهر «آبادان» ما بودی یکی همچون بهشت مردمی خون گرم و خوب و مهربانی داشتیم ماهیان «شط» ما بودی چه خوش طعم و لذیذ با فراوان ماهیان الحق که حالی داشتیم «سینمای تاج» ما بودی چه زیبا و قشنگ خوب استخری، مرتب سینمایی داشتیم باشگاه خوب «ایران» راستی یادش به خیر خوب و ارزان لوبیایی و کبابی داشتیم باشگاه خوب «اروندش» بر «اروند رود» بوستانی و گلستانی و نفتی داشتیم سوت «پالنگاه» ما هر بامدادان و پسین عادت ما بود و ما زو خوش نوایی داشتیم رود «بهمن شیر» و «اروندش» چه بودی دل پذیر



ارتش آمریکا استخدام می کند!

به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!



Earn your Citizenship within six to eight months

Sergeant Jamie Laurent

650-248-4760

ادامه مطلب خواص درمانی... از صفحه ۲۷

گرم پودر زنجبیل (نصف قاشق چایخوری) یا معادل آن یا روزانه سه بار دو عدد کیسول زنجبیل (یک گرم) مصرف کنید. البته می توانید یک تکه هشت گرمی زنجبیل تازه را نیز بجوید.

برای بیماریهای ناشی از سرماخوردگی، تب ناشی از آنفلونزا، گلودرد، گرفتگیهای ناشی از قاعدگی یا سردرد، دو قاشق غذاخوری از دم کرده زنجبیل یا چندین ورق از ساقه ریشه دار تازه آنرا بخور دهید. برای درمان درد ورم مفاصل از آب، عصاره یا چای زنجبیل تازه به میزان روزانه ۴ گرم مصرف کنید یا روغن آنرا روی مفصل دردناک بمالید یا ریشه تازه آنرا در ضمد داغ یا گازهای ضمدی قرار دهید و روی نقاط دارای درد بگذارید.

مردان شجاع فرصت می آفرینند، ترسوها و ضعیف ها منتظر فرصت می نشینند. گوته

میلیون کارمند و تکنسین...

و نکته دیگر این است که هیچکدام از این «تکنیکال ساپورت های جعلی مایکروسافت» اساسا مدرک رسمی مهندسی یا تکنسینی از مایکروسافت ندارند و فقط یک سناریوی ساده عوام فریبانه را هر روز روی آدمهای ساده پیاده می کنند و حتی اگر روزی فقط یک نفر را فریب بدهند و مثلا ۲۰۰ دلار از او دریافت کنند هفت روز هفته و نهائینا سالانه به پول هندوستان میشود شاهانه زندگی کرد.

بهترین راه برای اینکه دیگر به شما تلفن نکنند و مزاحم نشوند این تست است که به آنها بگویید که کامپیوترتان apple «اپل» مکتناش است و اصلا ویندوز ندارد و یا با کامپیوتر کار نمی کنید ... برای چنین کلاه برداری راه حل قانونی هم فعلا وجود ندارد.

در کل، نباید روزانه بیشتر از دو تا چهار گرم زنجبیل مصرف کنید چرا که علاوه بر میزان زنجبیلی که مصرف می کنید ممکن است مقداری از این ماده را نیز از طریق برنامه غذایی (یعنی از موادی نظیر آبجو زنجبیل، نان شیرینی زنجبیل دار، نان زنجبیل دار یا مواد غذایی مخلوط و سرخ شده) جذب کنید. اگر زنجبیل تازه مصرف می کنید، حتما مقدار مصرفی را وزن کنید تا تقریباً دریابید که چه حدی از آن معادل ۲ تا ۴ گرم است.

برای درمان تهوع، گاز معده یا سوء هاضمه روزانه ۲ تا ۴ گرم ریشه تازه (معادل ۲۵/۰ تا ۱ گرم پودر ریشه) یا ۵/۱ تا ۳ میلی لیتر تنتور آنرا مصرف کنید. برای پیشگیری از استفراغ، هر ۴ ساعت یک

دزدند یا گروگان می گیرند برای دریافت پول از شما.

ضمنا برای ورود به کامپیوتر شما، این کلاهبرداران میتوانند از نرم افزار مجانی دیگه ای هم استفاده کنند بنام www.ammyy.com و از شما میخواهند که بعد از دانلود و نصبش گزینه **accept** را کلیک کنید تا وارد سیستم شما بشوند.

در حالیکه شرکت مایکروسافت صدها میلیون کاربر در دنیا دارد و هرگز خصوصی و تلفنی با هیچکس تماس نمی گیرند و هرگز درخواست پول و یا پیشنهاد ارایه سرویس به هیچ کاربری نمی کنند و اصلا راهی برای پیدا کردن کاربران ویندوز هم ندارند و ارایه یک چنین سرویس تکنیکال ساپورت، آن هم تلفنی و با کاربران خانگی یک کشور دیگر، اصولا از لحاظ بیزینسی به صرفه نیست و حداقل نیاز دارد به چند

ادامه مطلب نوع جدید کلاه برداری... از صفحه ۲۵

و خطرناک است. در حالیکه اینها اصلا ویروس نیستند و بخشی از کارهایی است که ویندوز همیشه بایگانی می کند.

کاربرانی که تازه وارد هستند باید بدانند که **MSConfig** صرفا یک ابزاری در ویندوز است که با به کارگیری آن میتوانید، با استاپ **stop** کردن اجرای بعضی فایلهای غیر ضروری، سرعت بارگزاری یا شروع به کار کامپیوترتان را بیشتر کنید و یا عیب یابی کنید و یا بعضی برنامه/نرم افزار/فایل هایتان را غیر فعال و یا فعال (**disable or re-enable**) کنید و این هیچ ربطی به ویروس و بدافزارها ندارد.

تا اینجا شما را حسابی ترسانده اند... بخش بعدی این «ترساندن» این است که به شما پیشنهاد می کنند که برای کمک به شما وصل بشوید به اینترنت و نرم افزار مجانی **TeamViewer** را دانلود و نصب کنید و **ID** و **password** خودتان را در این نرم افزار به او بگویید.

این یک نرم افزار مجانی است برای این که که اشخاص بتوانند از راه دور وارد کامپیوتر شما شده و به شما از راه دور کمک کنند.

سیس میگویند که شما را وصل می کنند به «سوپر وایزر» و او هم شما را وصل می کند به تکنسین. همیشه صدای این دو نفر شبیه همدیگر است و تقلید یا تغییر صدا میدهند تا شما فکر کنید با یک سازمان یا «کال سنتر» بسیار بزرگ و معتبر طرف هستید. این «تکنسین» هم از شما میخواهد تا توی «چت» این نرم افزار تایپ کنید: **renew my warranty** یعنی گارانتی مرا تمدید کنید و **send** را کلیک کنید. این یکنوع مثلا «اجازه شما به آنها» است که وارد کنترل پنل کامپیوترتان بشوند.

در همین لحظه هم از شما میخواهند تا به «وب سایت» آنها در اینترنت بروید و با پرکردن صفحه «پرداخت کارمزد» حدود ۲۰۰ دلار یا بیشتر یا کمتر بپردازید.

این پروسه معمولا حدود نیم ساعت تا ۴۵ دقیقه طول می کشد و اگر در اینجا شما متوجه کلاهبرداری شوید و یا بگویید که به سرویس آنها نیازی نیست، بلافاصله عصبانی میشوند و چون وارد کامپیوتر شما شده اند و به کنترل پنل و تمام فایلهای شما دسترسی دارند بلافاصله خرابکاری می کنند و تمام اطلاعاتتان در کامپیوتر را خراب یا نابود می کنند یا می دزدند و ویروسهای زیادی وارد کامپیوترتان می کنند و البته به شما حتی ممکن است که فحاشی هم بکنند. پس وردها و اطلاعات بانکی نهفته در کامپیوترتان را هم می

او با نصب یک آنتی ویروس، کامپیوتر یا لب تاپ شما را تا یکسال و یا «تا ابد» (۵۰۰ دلار) از آسیب هرنوع ویروسی راحت و پاک می کند که البته کاملا دروغ است. شغل شما را هم می پرسند تا ببینند چقدر درآمد دارید و چقدر میتوانند از شما پول بگیرند. به طور مثال اگر بگویید دانش آموز/دانشجو هستید حدود ۱۰۰ دلار میگیرند. سپس از شما میخواهند تا در پایین سمت چپ کیبوردتان همزمان روی کلید **ctrl** (کنترل) و یا کلیدی که علامت شرکت **Windows** دارد و حرف **R** (به معنای **RUN**) کلیک کنید تا پنجره ای باز شود. سپس از شما می خواهند که در این پنجره شما **eventViewer** تایپ کنید و سپس **ok** را کلیک کنید.

این برنامه **eventViewer** چیست؟ این برنامه در تمام کامپیوترها وجود دارد و جزئی از سیستم ویندوز است که همیشه تمامی خطاها و یا برنامه هایی که ناقص عمل می کنند را لیست می کند. این برنامه به کاربر کمک می کند تا راحت تر بتواند مشکلات سیستمی کامپیوتر را پیدا و حل کند که شامل سه بخش است: **System**, **Application** و **Security**. در بالای این پنجره هم تعداد کل این خطاها و اخطارها را نشان میدهد و میشود آنها را فیلتر کرد. اینها اصلا ویروس نیستند و فقط نوعی گزارش دهی و اخطار **warning** و گزارش عیب یابی **diagnostic** و **Windows Prefetch files** (فایل های کوچکی که برای باز کردن، فراخواندن و اجرای سریعتر برنامه های بزرگتر در هر کامپیوتری اتوماتیک وار توسط سیستم ویندوز اجرا میشوند) معمولی اند و خطری ندارند.

کلاهبردار از شما میخواهد تا بر روی گزینه سمت چپ، مثلا بر روی **application** کلیک کنید. سپس شما را می ترساند و میگوید که خود شما می بینید که اینقدر (مثلا ۷۱۶) «ویروس» خطرناک فعلا توی کامپیوتر شما وجود دارد و اگر این شخص به شما کمک نکند بزودی کلیه اطلاعاتتان را از دست خواهید داد.

سیس از شما میخواهد تا حتی **System Configuration Utility** یعنی همان دستور **MSConfig** را در کامپیوترتان باز کنید و روی گزینه **services** کلیک کنید و ببینید چندتا از فایل هایی که در آنجا می بینید جلویشان نوشته شده **stopped**.. بعد دوباره برای ترساندن شما بهتان میگوید که ببینید چقدر کامپیوترتان ویروس دارد و این که خیلی اوضاع کامپیوترتان بحرانی

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
FREE CAR WASH COUPON
@
TOUCHFREEWASH.COM
OPEN 24 HOURS

ادامه مطلب تاجی جون ... از صفحه ۱۳۳

چند ماه شد، هی این دست اون دست می کنی، این رحمت که حال نداره چیزی بگی، هر کی مالش را بخوره صدش در نمیاد». آقا رحمت نگاه غضب آلودی به زنش می کند و با دست او را به سکوت می خواند حسن دستپاچه می گوید: «چرا همچین حرف میزنین؟ انگاری من می خوام پولتون را بخورم، مگه من گفتم نمی دم!» دستش می لرزد و استکان را با سر و صدا در نعلبکی می گذارد، سیگاری از جیبش در می آورد و بلند می شود که برود زن رحمت پشتش را به همسرش و حسن می کند و با صدای بلند می گوید: «مرده شور این اعتبار را ببره که همه را بدبخت کرده، هر چی پول داشتیم خودت و دوستان دود کردین» وقتی حسن در را باز می کند تا بیرون سیگاری دود کند جوانی آلمانی وارد می شود و با اشاره به کوکوی سبزی در ویترین می پرسد که آیا آنها بدون گوشت هستند؟ حسن سیگارش را که روشن می کند بی خداحافظی بطرف ایستگاه مترو حرکت می کند و در راه شماره تلفن فریبا را می گیرد تا با داد و فریاد سر او خشمش را خالی کند. تلفن او جواب نمی دهد. تا رسیدن به ایستگاه مترو چهار بار زنگ می زند و بار آخر متوجه می شود که تلفن او خاموش است. هفته بعد وقتی فریبا از سرکار به خانه برگشت به مادرش گفت که برای چند روز بعد بلیط گرفته و با هم به ایران می روند. دلش می خواست برای شروع دیگری در زندگیش نیروی تازه ای بگیرد و بیشتر از همه دلش می خواست که با پدرش خداحافظی کند، بغضش را گریه کند آرام می گیرد و مرگ او را باور می کند. مرگی که در تمام دوسال گذشته باور آنرا پس زده بود. تاجی جون از شنیدن اینکه با فریبا به ایران می رود خوشحال شد. دلش می خواست دخترش را در خانه خودش ببیند و آنطور که دلش می خواهد از او پذیرایی کند، دلش می خواست با او در آنجا از خاطراتش با پدرش بگوید و از روزهای خوبی که با هم داشتند. شاید او نتوانسته بود به دخترش یاد بدهد که خوشبخت بودن علائم و نشانه های خودش را دارد و نبودش را خیلی زود می شود حس کرد. تاجی جون فکر می کرد که عشق یک اتفاق ساده و طبیعی میان زن و شوهرهاست و از دست خودش عصبانی بود که نتوانسته بود به دخترش بیاموزد که نباید به یک زندگی خوار و ذلیل تن داد. تاجی جون تمام وقتهایی که تنها بود و شبها وقت خواب با شوهرش حرف می زد و از او می خواست تا کمکش کند تا به داد دخترشان برسد و از او می پرسید که آنها کجای کار را اشتباه کرده بودند که فریبایشان به این زندگی تن داده بود. دنباله مطلب در صفحه ۵۱

فکر کرد حالا جواب کسانی که کلی پول به آنها قرض داشت را چی بدهد؟ همه امیدش به پولی بود که فکر می کرد مادر فریبا می آورد و به چند نفری که به آنها بدهکار بود قول داده بود که پولشان را پس بدهد. از ایستگاه مترو تا اغذیه فروشی آقا رحمت راه زیادی نبود، با اینکه هوماطبوع و بهاری بود ولی حسن سردش بود، زیپ کاپشش را بالا کشید و سیگاری روشن کرد و اینقدر مشغول خودش و فکرهاش بود که سرراه به دو نفر محکم تنه زد و در رد شدن از چراغ قرمز شانس آورد که خیابان خلوت بود. در اغذیه فروشی را که باز کرد، بوی غذاهای مختلف در دماغش پیچید. آقا رحمت پشت پیشخوان ایستاده بود و زنش در پوستی آنجا غذایی را آماده می کرد ولی خلوتی آنجا آنهم نزدیک ظهر از بد بودن وضعیت کار خیر می داد. آقا رحمت با دیدن حسن لبخندی زد و آرزو کرد که وعده حسن با آمدن مادرزنش عملی شود و قرضش را پس بدهد. بعد از سلام و احوالپرسی گرم، زن آقا رحمت هم از پستو به آنها ملحق شد و یک چای پررنگ دراستکانی کمرباریک را جلوی حسن گذاشت. آقا رحمت حرف را به آمدن مادر زن و سوغاتی ها کشاند بی آنکه بخواهد مستقیم به موضوع قرض او اشاره کند. حسن از همه جا حرف زد، از مشکلاتی که مادرزنش برایشان درست کرده و اینکه از وقتی او آمده رفتار زنش هم عوض شده و اگر بخواهد همینجوری ادامه بدهد تحمل نمی کند و فریبا را همراه مادرش به ایران می فرستد. او همینطور که بلند بلند حرف می زد و برای زنش شاخ و شانه می کشید فراموش کرده بود که اگر او نبود اقامتش هم درست نمی شد و تازه خرج خانه را هم زنش می دهد و او برای تامین پول مواد مخدرش از همه اطرافیانش قرض کرده است. هنوز حسن چای دوم را تمام نکرده بود که آقا رحمت طاقش طاق شد و پرسید: «حالا چقدر پول با خودش آورده؟ حسن جون می بینی که من دستم تنگه و اینجا نمی گرده و قبض های پرداخت نشده روی هم تلنبار شده». زن آقا رحمت که همانطور با دسته ای جعفری در یک دست و جاقو در دست دیگرش نگران به دهان حسن زل زده می گوید: «اینطوری پیش بره کرایه خونه را هم نمی توینم بدیم...» حسن میان حرف او می پرد و می گوید: «بابا اینکه مسئله ای نیست مگه من می دارم، پول شما را از زیر سنگم شده تهیه می کنم می دم، یعنی من میذارم رفیقم تو محصمه بیفته!» زن آقا رحمت نمی گذارد حرف حسن تمام شود دسته جعفری را در هوا تکان می دهد و می گوید: «حسن آقا پول خودمونه، شما قرض کردی گفتی سر یک هفته میدی حالا

گفت: «مادر، اینکه آدم حسرت گذشته را بخوره چیز خوبی نیست نشون از بدبختی الان آدمه، تو وقتی می خواستی با این مرد زندگی کنی کلی ازش تعریف کردی، من که نمی تونستم چیزی بگم، اینکه چرا اینکارا کردی دیگه مهم نیست، اینکه چرا باهاش موندی بدتره». فریبا از حرف مادرش جا خورد، انتظارشیدن آنرا نداشت. فکر می کرد که همیشه در خانواده آنها جدایی کار بدی بوده، بعد بی آنکه جواب سئوالهای مادرش را بدهد پرسید «تاجی جون من همیشه فکر می کردم تو با بابا خیلی خوشبختی؟ راست بود یا اینطوری تظاهر می کردی؟». تاجی جون از حرف دخترش رنجید و با خودش فکر کرد: «چرا این فکر را می کنه؟ چه چیزی باعث شده فکر کنه که من تظاهر می کردم، یعنی نمی دونسته که تو خونه ای پر از عشق بزرگ شده». تاجی جون نگران شد که دخترش اصلا عشق را نشناسد و برای همین به یک زندگی بی عشق تن داده باشد. تاجی جون با دقت جوری که انگار بخواهد چیزی را درست به او بفهماند، چشم در چشم دخترش دوخت و با صدایی قاطع گفت «من و پدرت عاشق هم بودیم، یک عشق واقعی، می دونی از کجا می فهمیدم که عاشقشم؟ برای اینکه با او از هیچی نمی ترسیدم حتی از مرگ. وقتی با او بودم ترس از مرگ را فراموش می کردم، ترسی که همیشه همراه آدماست. زندگی با او بی پایان بود و یا مرگشم بی ترس بود. آره، من با بابات خوش بودم، خوشیامون از یک جنس بود». حرفهای تاجی جون فریبا را تکان داد. هیچوقت در مورد این موضوعات با مادرش حرف نزده بود و فکر کرد که او چقدر همیشه ترس دارد، وقتی با شوهرش بود ترسش بیشتر می شد. او درسی و پنج سالگی از مرگ می ترسید و آنقدر فکرش را مشغول می کرد که بعضی شبها ترس مرگ از خواب بیدارش می کند. فریبا و مادرش بعد از خوردن صبحانه به مرکز خرید رفتند و فریبا با شوق مغازه ها را به مادرش نشان داد و از دکه ای سیب زمینی سرخ شده با سس گوجه فرنگی گرفتند و خوردند و فریبا بعد از اینکه حسن چند بار به تلفن دستی اش زنگ زد و او جواب نداد آنرا خاموش کرد تا بتواند از ساعات بودن با مادرش لذت ببرد. وقتی مغازه ها تعطیل شدند، فریبا و مادرش در یک قهوه خانه ترک که سماور بزرگی داشت چند استکان چای به قول تاجی جون کهنه دم تازه جوش نوشیدند و به خانه برگشتند. حسن بعد از اینکه فهمید پولی که تاجی جون با خودش آورده کم است با عصبانیت در خانه را بهم زد و تمام مسیر خانه تا ایستگاه مترو را به زمین و زمان فحش داد و با خودش

تاجی جون فراموش کرد که همین چند دقیقه قبل چه اتفاقی افتاده بود، خوشحال بود که او دخترش تنها هستند و می توانند با هم حرف بزنند. دلش می خواست که دامادش دیگر بر نگرده. فریبا هم از نبودن او راضی بود. زندگی جهنمی دو سال گذشته با او خسته و ناتوانش کرده بود. فکر می کرد در باتالقی گیر کرده، فرو می رود و توان کندن ندارد. بعد از دوسال زندگی مشترک با حسن در این خانه، حالا تنها وقتی بود که با وجود مادرش در آنجا احساس خوبی داشت. تاجی جون وسط حرفهایش از خاطرات گذشته با دخترش ناگهان گفت: «سه تا نیست ۱۲ تاست، نمیخوام بهش بدم، این پول مال تو، حقت. فریبا چرا اینطوری شدی مادر؟ تو که هیچکی جرئت نمی کرد بهت بگه بالای چشمت ابروست، چرا اینقدر کوتاه میای؟ اصلا چرا نمیره سر کار؟ فریبا حرفای بابات یادته، یادته همیشه می گفت آدم فقط یکبار دنیا میاد آگه بد زندگی کنه ناشکری کرده، تو چه بلایی سر خودت آوردی؟». فریبا یکباره درونش خالی شد، بغض گلویش را گرفت و دلش برای پدرش تنگ شد. از وقتی که مادرش آمده بود یکبار هم اسم پدرش را نبرده بود، با اینکه هر روز به او فکر کرده بود. رابطه اش با پدرش خیلی خاص بود از بچگی عاشق پدرش بود، با او می توانست ساعتها حرف بزند، مادرش را مثل پدرش تاجی چون صدا میزد با اینکه مادرش خوشش نمی آمد. وقتی می خواست ایران را ترک کند در فرودگاه پدر در گوشش گفته بود: «هر کجا باشی، من همیشه باهاتم، کنارتم، فکر راه دور را نکن، فاصله فقط یک بلیط هواپیماست». سال اول که آمده بود وقتی احساس تنهایی می کرد، یاد حرفهای پدرش می افتاد و حالش بهتر می شد. وقتی پدرش ناگهان مرد، حس می کرد که او به قولش وفادار نمانده و تنهایش گذاشته. بعد از مرگ پدر بیشتر وقتها او را خواب می دید که در جای دوری ایستاده است و نگاهش می کند ولی صدایش را نمی شنود. زمان کوتاهی بعد از مرگ پدرش با حسن بی آشنا شد. آنزمان اینقدر همه چیز برایش بی اهمیت شده بود که به ازدواج با حسن هم تن داد بی آنکه به آن فکر کند، یا اینکه واقعا او را دوست داشته باشد. انگار می خواست با این ازدواج خودش و یا پدرش که ناگهان رفته بود را مجازات کند. فریبا به چشمان منتظر مادرش نگاه کرد ولی برای هیچکدام از سئوالهای او جوابی نداشت. حوصله هم نداشت حرف بزند، می خواست در همان خاطرات گذشته بماند. دلش برای همه آن روزها تنگ شد و آرزویش را بلند برای مادرش گفت و تاجی جون با لحن تندی

ادامه مطلب **اوباما: توافق ... از صفحه ۴**

سوم، این توافق بهترین دفاع احتمالی علیه توانایی احتمالی ایران برای دنبال کردن مخفیانه یک سلاح اتمی خواهد بود. بازرسان بین‌المللی دسترسی بی‌سابقه‌ای نه تنها به تأسیسات هسته‌ای ایران بلکه به کل چرخه عرضه‌ای خواهند داشت که از برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کند، از کارخانه‌های تولید اورانیوم گرفته که مواد خام را تأمین می‌کند تا سانتریفیوژهایی که تولید و ذخیره‌سازی و پشتیبانی از برنامه اتمی را به عهده دارند.

اگر ایران تقلب کند جهان خواهد فهمید و اگر به چیزی شک کنیم از آن بازرسی خواهیم کرد و با این توافق ایران بیش از هر کشور دیگری بازرسی خواهد شد. تلاش گذشته ایران برای نظامی کردن برنامه هسته‌ای حل و فصل خواهد شد. با این توافق، ایران با بازرسی‌های بیشتر از هر کشوری در جهان روبه‌رو خواهد شد. بنابراین، این یک توافق بلندمدت خواهد بود که همه مسیرها به سوی یک بمب اتمی احتمالی ایران را مسدود خواهد کرد. محدودیت‌هایی علیه برنامه هسته‌ای ایران برای ده سال وجود خواهد داشت. محدودیت‌های بیشتر برای ساخت تأسیسات هسته‌ای جدید یا ذخیره سازی مواد هسته‌ای حداقل ۱۵ سال ادامه خواهد یافت. تدابیر بی‌سابقه شفاف سازی نیز حداقل ۲۰ سال یا بیشتر خواهد بود. البته برخی از این تدابیر دائمی خواهد بود. و ایران به‌عنوان یکی از اعضای پیمان ان‌پی‌تی، هرگز اجازه نخواهد داشت تا یک سلاح اتمی را تولید کند.

جامعه جهانی به‌ازای اقدامات ایران تعهد کرده که برخی از تحریم‌ها علیه ایران را حذف کند و این مرحله به مرحله خواهد بود البته بازگشت پذیر خواهد بود و اگر ایران تخطی کند تحریم‌ها باز خواهد گشت. تحریم‌های دیگر از جمله حمایت از تروریسم و موشک‌های بالستیک و حقوق بشر همچنان باقی خواهند ماند.

اکنون اجازه بدهید تا بار دیگر تأکید کنم، کار ما هنوز تمام نشده است. توافق هنوز امضا نشده است. از الان تا پایان ژوئن، مذاکره کنندگان به کار روی جزئیاتی که چگونه این چارچوب به‌طور کامل اجرا شود، ادامه خواهند داد. اگر انحرافی از طرف ایرانی وجود داشته باشد، اگر راستی آزمایشی و مکانیسم‌های بازرسی با مشخصات درخواستی از سوی کارشناسان امنیتی و هسته‌ای ما، مطابقت نداشته باشد، توافقی وجود نخواهد داشت. ولی اگر ایران به چارچوب مورد توافق با مذاکره کنندگان پایبند باشد، ما قادر خواهیم بود

تا یکی از بزرگترین تهدیدات علیه امنیت کشورمان را حل و فصل کنیم. با در نظر گرفتن اهمیت این مسئله، من به مذاکره کنندگان دستور داده‌ام تا به‌طور کامل کنگره و مردم آمریکا را در جریان خلاصه‌ای از توافق، قرار دهند و من از یک بحث قوی در این خصوص طی هفته‌ها و ماه‌های آینده استقبال می‌کنم. من مطمئن هستم که می‌توانیم شاهد باشیم که این توافق برای امنیت ما، متحدان ما و کل جهان خوب خواهد بود.

ما تنها سه گزینه برای حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران داریم. نخست، می‌توانیم به یک توافق قوی و قابل راستی آزمایشی دست یابیم، مانند این توافق، و به‌طور مسالمت آمیز از دستیابی ایران به یک سلاح اتمی جلوگیری کنیم.

گزینه دوم این است که می‌توانیم تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کنیم، در این صورت جنگ دیگری در خاورمیانه آغاز خواهد شد و برنامه اتمی ایران را چند سال به عقب بازخواهد گرداند. به‌عبارت دیگر، بمباران تأسیسات هسته‌ای، برنامه اتمی ایران را به‌اندازه تنها بخشی از دستیابی به توافق، به عقب برمی‌گرداند.

سوم، ما می‌توانیم از مذاکره کناره‌گیری کنیم و باز هم از دیگر کشورها بخواهیم تا به تحریم‌هایی که فعلاً وجود دارد، ادامه دهند و تحریم‌های دیگری را نیز اعمال کنند و امیدوار به اثرگذاری تحریم‌ها باشیم، با آگاهی از این مسئله که هر بار ما این کار را انجام داده‌ایم، ایران تسلیم نشده و به‌عوض برنامه اتمی خود را توسعه داده است و این مسئله در کوتاه‌مدت موجب افزایش مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده و می‌تواند نااطمینانی را افزایش دهد. به‌عبارت دیگر، گزینه سوم خیلی سریع ما را به سوی این مسیر پیش خواهد برد که در خصوص اقدام نظامی علیه ایران، تصمیم‌گیری کنیم.

ایران به‌سادگی و تنها به‌خاطر اینکه ما از این کشور بخواهیم، برنامه هسته‌ای خود را برنخواهد چید. مسئله این نیست که جهان چگونه کار می‌کند، و مسئله آن نیست که تاریخ چه چیزی به ما نشان می‌دهد. ایران نشان داده است که هیچ تمایلی برای حذف زمینه‌هایی از برنامه هسته‌ای را خود ندارد که آنها را برای اهداف صلح‌آمیز نگه داشته است، حتی با وجود تحریم‌های بی‌سابقه. آیا مذاکرات باید با شکست منجر شود، به این دلیل که ما چیزی را که اکثر رهبران جهان یک توافق عادلانه ارزیابی می‌کنند، رد

کنیم، توافقی که کارشناسان هسته‌ای ما اعلام می‌کنند که می‌تواند به ما اطمینان دهد که ایرانی‌ها به دنبال تولید سلاح اتمی نخواهند بود.

بنابراین زمانی که انتقادات اجتناب ناپذیری را در خصوص توافق هسته‌ای می‌شنوید، یک سؤال ساده را پرسید: آیا شما واقعا فکر می‌کنید که این توافق قابل راستی آزمایشی، اگر به‌طور کامل اجرا شود، و از سوی رهبران جهانی با حمایت روبه‌رو شود، نسبت به گزینه وقوع یک جنگ احتمالی دیگر در خاورمیانه، بدتر است؟ آیا این توافق بدتر از چیزی است که تقریباً دو دهه انجام داده‌ایم، در قبال ایران که برنامه هسته‌ای خود را پیش برده و بدون بازرسی‌های قوی؟ من فکر می‌کنم پاسخ روشن است.

به یاد داشته باشید، من همواره اصرار داشته‌ام که هر کاری را برای مانع شدن ایران در دستیابی به سلاح اتمی انجام خواهیم داد. ولی من می‌دانم که راهکار دیپلماتیک بهترین راه است و جامع‌ترین راه حل است. تاکنون این بهترین گزینه ما بوده است. و در حالی که این احتمال همواره وجود دارد که ایران ممکن است در آینده تقلب کند، این چارچوب بازرسی‌ها و شفافیت، این احتمال را بیشتر خواهد کرد که ما بدانیم ایرانی‌ها سعی در تقلب دارند و من یا رؤسای جمهور بعدی، همه گزینه‌هایی را که هم اکنون وجود دارند، برای برخورد با ایران در اختیار خواهند داشت.

به مردم ایران می‌گویم که می‌خواهم با همدیگر تعامل کنیم، بر اساس احترام مشترک. این توافق چشم‌انداز لغو تحریم‌ها را پیشنهاد می‌دهد. از آنجایی که رهبر ایران یک فتوا علیه بمب هسته‌ای صادر کرده و این توافق امکان راستی آزمایشی در برنامه هسته‌ای را فراهم کند این امکان را فراهم می‌کند که بار دیگر به جامعه بین‌المللی بازگردد. این توافق برای ایران و همچنین برای جهان خوب خواهد بود. اما این توافق به‌تنهایی حتی اگر عملی شود بی‌اعتمادی عمیق بین دو کشور را حل نخواهد کرد و نگرانی‌ها بر سر جای خود باقی خواهد ماند، نگرانی از نیروهای دست‌نشانده و تروریسم و تهدید ایران علیه اسرائیل و تا زمانی که این تهدیدها وجود داشته باشد این مشکلات باقی خواهد ماند و تا زمانی که رفتار ایرانی‌ها در حمایت از تروریسم ادامه داشته باشد، و حمایت این کشور از گروه‌های نیابتی که خاورمیانه را بی‌ثبات می‌کنند، ادامه یابد، ایران تهدیدی برای دوستان آمریکا و متحدان آن به شمار می‌رود. کاملاً آشکار است که من و نتانیاهو درباره راه‌حل برنامه هسته‌ای ایران توافق نداریم و نتانیاهو

می‌خواهد اطمینان یابد که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد و امروز با نتانیاهو صحبت می‌کنم که وقتی پای امنیت اسرائیل در میان باشد و بحث اینکه مانع از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شویم تردیدی نخواهیم داشت و تعهد ما در امنیت اسرائیل خدشه ناپذیر است. این دلیل آن است که از تیم امنیت ملی خود خواسته‌ام تا از نزدیک با دولت جدید اسرائیل طی هفته‌ها و ماه‌های آینده، در این خصوص رایزنی کند که چگونه می‌توانیم همکاری امنیتی با اسرائیل را تقویت کنیم و تعهد غیرشکننده در دفاع از اسرائیل را روشن کنیم.

من امروز همچنین با شاه عربستان صحبت کردم تا بر تعهد خودمان نسبت به امنیت شرکای آمریکا در خلیج، تأکید کنم. من در حال دعوت از رهبران شش کشور عضو شورای همکاری خلیج هستم، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، عمان، قطر و بحرین تا در بهار امسال با من در کمپ دبیود ملاقات کنند و در خصوص اینکه چگونه می‌توانیم همکاری امنیتی با کشورهای عربی را تقویت کنیم، گفتگو و رایزنی نماییم.

در پایان، این مسئله ارزش یادآوری دارد که کنگره نقش مهمی در سیاست کنونی ما در قبال ایران داشته است. کنگره در شکل‌گیری رژیم تحریم‌هایی که فشار زیادی را بر ایران وارد کرده و آنها را مجبور به بازگشت به میز مذاکره کرده، کمک زیادی داشته است. در روزها و هفته‌های آینده، دولت من با کنگره بار دیگر تعامل خواهد داشت، در این خصوص که ما چگونه می‌توانیم نقش ایفا کنیم و کنگره چگونه می‌تواند نقش نظارتی سازنده‌ای داشته باشد. من این تلاش را از طریق صحبت کردن با رهبران سنا و کنگره از امروز آغاز خواهم کرد.

در این مذاکرات، من تأکید خواهم کرد که مسائل در شرایط کنونی بزرگتر از سیاست هستند. اینها مسائلی مربوط به جنگ و صلح هستند، و باید بر اساس واقعیت‌ها و آنچه در نهایت بهترین منفعت را برای مردم آمریکا و امنیت ملی ما داشته باشد، ارزیابی شوند.

این توافق میان ایران و ایالات متحده و قدرت‌های جهانی است و نه توافقی میان دولت من و دولت ایران. و اگر کنگره این توافق را ناپود کند یک شکست دیپلماتیک خواهد بود و جامعه جهانی با شکست مواجه خواهد شد و مردم آمریکا خواهند فهمید و اکثر مردم آمریکا خواستار راه‌حل دیپلماتیک برای برنامه هسته‌ای ایران بودند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۱**



**THE PEOPLE
HAVE SPOKEN.
NOW IT'S
HIS TURN.**

REAL TIME
WITH
BILL MAHER
LIVE! FRIDAYS AT 10PM **HBO**

ادامه مطلب اول صیغه ... از صفحه ۲۹

ازدواج موقت و شرایط آن را تبلیغ می‌کنند. شرح جزئیات و چگونگی قرائت صیغه و کلمات های مفرحی که تجربه‌های دلپذیر خود را از چنین اقدامی برای مراجعان و متقاضیان شرح می‌دهند، هم مبین این ادعاست که ساختن این وبلاگ‌ها می‌تواند استفاده تبلیغی در زمینه ازدواج موقت باشد. بخصوص که برخی از آنها مدعی داشتن مجوز رسمی هستند.

خواندن پست‌ها و کامنت‌های این مجموعه وبلاگ‌ها، نشان می‌دهد در این دست آگهی‌ها بیش از آنکه به تخصص و دانش ماساژور تاکید شود بر جاذبه‌های جنسیتی او تاکید شده است. تبلیغ و به کار بردن جملاتی چون «ماساژ توسط خانم چینی یا تایلندی در تهران»، «ماساژ در منزل شما توسط ماساژور آقا یا خانم برای هر نقطه از اعضای بدن»، «ماساژ در منزل توسط جوان شاد و پرنرزی ۲۷ ساله» و امثال آن مفهوم دیگری به جز بهره‌گیری یک ساعت از ماساژی معمولی دارد. اساسا تفاوت این مراکز با خانه‌هایی که سی و شش سال پیش بساطش را با قتل و کشتار و اعدام برچیدند چیست؟ پشت و پسله این مراکز و مجموعه‌های یواشکی و زیر زمینی و نیمه رسمی قطعا اتفاقات ناخوشایندی مانند تجاوز و سو استفاده رخ خواهد داد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

میزان بالای نمک اسید باریپروتیک در بدن و بر اثر خودکشی اعلام کرد. پس از مرگ مریلین هفته‌ای سه بار گل‌های سرخی بر سر خاک وی به مدت ۲۰ سال فرستاده می‌شد. این فرد کسی نبود جز جو دی ماجیو، معشوقه یکی از پر آوازه ترین بازیگران قرن بیستم.

قوه تخیل غریب بانوی ماساژور را با لباس و حجاب کامل در برابر چشم مجسم می‌کند که بعد از خواندن صیغه و دریافت بله از آقای ماساژ گیرنده شروع می‌کند به ارائه خدماتی که ممکن است با هیپناند پایان بپذیرد. ممکن است چنین وبلاگی اصلا محل اعتنا نباشد. یک صفحه جعلی، یک وبلاگ که برای مسخره بازی راه افتاده از سر بیکاری عده‌ای که می‌خواهند ببینند چند نفر پیغام می‌دهند و التماس می‌کنند و وقت می‌خواهند و با صیغه شرعی خود را می‌سپارند به دستان ماهر ماساژوری که البته به شیوه‌ای اسلامی برایشان «پاتایا» را تداعی می‌کند. اما یاد می‌آید که سال‌ها پیش در تجریش مردی به سمت من آمد و کارت ویزیتی را به من و دوستانم داد که در آن درست خلاف این قصه اتفاق می‌افتد. ماساژ برای خانم‌ها با آقای ماساژور که البته روی کارت ویزیت تصویرش را هم کار کرده بود. یک جوان حدود ۳۵ ساله بادی بیلدینگ سولاریوم رفته برنزه که بدون لباس کامل و با عضلات ورزیده بازو و شکم سیکس پک رو به ما لبخند می‌زد.

یک سرچ ساده در اینترنت نشان می‌دهد این وبلاگ تنها یکی از ده‌ها وبلاگ و وبسایت موجود است که در کنار تبلیغ برای ماساژ مردان برای زنان یا برعکسش،

اعلام شد، اما ادعاهای مبنی بر حصول یک توطئه و مجموعه حوادث اسرارآمیزی که منجر به مرگ وی شد، همواره بحث‌برانگیز بوده‌است. مریلین مونرو در ۸ اوت ۱۹۶۲ میلادی، در یکی از آرامگاه‌های مشهور شهر لس‌آنجلس، به نام گورستان وست‌وود به خاک سپرده شد. پلیس علت مرگ را

ادامه مطلب مریلین مونرو... از صفحه ۳۳

خود احساس کرد که در برابر صدها تماشاگر حاضر از کوره در رفت. زندگی مشترک این دو تنها ۹ ماه دوام داشت و در نهایت به جدایی ختم شد. مریلین مونرو موهای تاب‌دار داشت، در سال‌های آخر عمر با روسری موهایش را که به دلیل صاف کردن بیش از اندازه آسیب دیده بودند، را از گزند نور شدید خورشید حفظ می‌کرد. در سال ۱۹۵۵ با آرتور میلر، که نمایشنامه‌نویس بود ازدواج کرد و یهودی شد. مریلین مونرو جوان در سال‌های آخر زندگی با شکست‌هایی مواجه شد و به افسردگی شدید دچار شد، در سال ۱۹۶۱ از آرتور میلر جدا شد و یک سال بعد درگذشت.

زندگی او روی پرده، یک زندگی رویایی بود که سینما ساخته بود، اما در دنیای واقعی مشکلات و تفاوت‌هایی داشت که مردم از مریلین مونرو محبوبشان انتظار نداشتند. شخصیت و انتظاراتی که سینما ساخت فراتر از توانایی‌ها و گاهی متفاوت با خواسته‌های او بود. وی در جایی گفته‌است: «من یک زن بازنده‌ام. مردها، زیادی از من انتظار دارند؛ به خاطر تصویری که از من ساخته شده و خودم هم در ساخت آن کمک کرده‌ام؛ من سبلی از تنها چیزی هستم که مردان از آن استقبال می‌کنند».

او یکی از مشهورترین ستارگان سینما، نماد جذابیت جنسی و ستاره پاپ در قرن بیستم است. برخی وی را جذاب‌ترین زن قرن بیستم دانسته‌اند و به اعتقاد رایج میور او برعکس‌ترین چهره زن جهان است. مریلین مونرو از بیماری اختلال دوقطبی رنج می‌برد. گاهی دچار افسردگی شدید بود و گاهی شاد و خوشحال بود.

دوره‌هایی که مریلین دستخوش حال روحی بالا (شیدایی) و پایین (افسردگی) می‌شد، از سوی دوستانش تایید شده است. مونرو پس از دوران افت و افسردگی دوباره خود را باز می‌یافته و به سیکل شیدایی و شکوفایی می‌رسیده و می‌توانسته کارهایش را سر و سامان دهد.

آخرین حضور برجسته مریلین مونرو در انتظار عمومی به ۱۹ مه ۱۹۶۲ باز می‌گردد که او در مراسم جشن تولد جان اف. کندی در سالن مدیسون اسکوئر گاردن بر صحنه ظاهر شد و ترانه تولد مبارک، آقای رئیس‌جمهور را در حضور رئیس‌جمهور اجرا کرد.

مرلین مونرو در تاریخ ۵ اوت ۱۹۶۲ میلادی، در کالیفرنیا درگذشت. علت مرگ وی، «مصرف بیش از حد داروی خواب‌آور» ذکر شد. دلیل رسمی مرگ وی «خودکشی» بر اثر «مصرف بیش از حد داروهای خواب‌آور و آرام‌بخش»

در سن ۱۶ سالگی مجبور به ازدواج با پسر یکی از همسایگان به نام کریس مک‌کی شد. اندکی بعد همسرش به جنگ فراخوانده شد. این ازدواج چهار سال بعد با توافق هر دو به طلاق منتهی شد. پس از طلاق از همسرش، برای بدست آوردن خرج زندگی در یک کارخانه اسلحه‌سازی مشغول به کار شد. در آنجا بود که توجه یک عکاس ارتش ایالات متحده آمریکا را به خود جلب کرد و تصویرش بر جلد مجله رسمی ارتش با نام «Yank» نقش بست.

در سال ۱۹۴۵ نورما جین به عنوان مدل عکاسی کم‌کم به چهره‌ای شناخته شده تبدیل شد. او قراردادی را با یک آژانس مد در هالیوود امضا کرد و به سرعت راه رفتن روی سکوی مد و ژست گرفتن در برابر دوربین را فرا گرفت. اندکی بعد مشاوره را استخدام کرد و به توصیه این مشاور موهای تیره‌اش را به رنگ بلوند درآورد. در آن زمان نورما جین نام هنری مریلین مونرو را برای خود برگزید.

او با جذابیت‌های جنسی و استعداد بالای طنزگویی در سال ۱۹۵۳ در فیلم چگونه می‌توان با یک میلیونر ازدواج کرد درخشید. مریلین مونرو در این فیلم نقش پولا، دختری نزدیک‌بین را ایفا می‌کند که دائم با در و دیوار برخورد می‌کند. تصویری که مریلین مونرو در این فیلم از خود نشان داد چنان گیرا و فریبنده بود که توانست بر تصویر بتی گریبل، ستاره زن آن زمان و هم‌بازی‌اش در این فیلم سایه بیندازد.

مریلین مونرو با صدای خود چندین ترانه نیز خوانده است. می‌خواهم که دوستم بداری در فیلم بعضی‌ها داغشو دوست دارند و هم چنین الماس‌ها بهترین دوست یک دخترند در فیلم آقایان بلوندها را ترجیح می‌دهند از مشهورترین ترانه‌های به جای مانده از این ستاره هالیوود به شمار می‌روند.

با تصویر بین‌آپ بر روی اولین جلد مجله پلی‌بوی به تاریخ دسامبر ۱۹۵۳ بود که این مجله به شهرت جهانی رسید. در این دوران شایعاتی مبنی بر رابطه داشتن با جان اف. کندی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا وجود داشت. شایعه‌ها هیچ‌گاه ثابت نشده‌اند، اما تا به امروز این شایعات به قوت خود باقی‌مانده‌اند. در سال ۱۹۵۵ میلادی، تصویری جاودانه از مریلین مونرو در فیلم خارش هفت ساله به کارگردانی بیلی وایلدر تقریباً به قیمت پایان ازدواج دوم وی تمام شد.

جو دی‌ماجیو، ستاره بیس‌بال و همسر آن زمان مریلین مونرو، که بر سر فیلمبرداری این صحنه حضور داشت، چنان حسادت‌ی در



ادامه مطلب خیلی قدیم های ... از صفحه ۱۷۷

خاطرات زمستان

بهار نیابور! با این حرف تو، بچه‌ها نه تنها بهار را دوست نخواهند داشت بلکه از زمستان هم بیشتر خواهند ترسید و در نتیجه زمستان سال بعد، قبل از آمدن یخبندان همه این بچه‌ها از وحشت تسلیم سرما خواهند شد. به جای صحبت از بدبختی‌های ایام سرما، به این بچه‌ها یاد بده که از این زیبایی و طراوتی که هم اکنون اطرافشان است لذت ببرند. بگذار خاطره بهار در خاطر آنها ماندگار شود و برایشان آفتقد شیرین و جذاب بماند که در سردترین زمستان‌های آینده، امید به بهاری دلنواز، آنها را تسلیم نکند.

پیرمرد اعتراض کرد و گفت: "اما زمستان سختی بود!"

شیوانا با لبخند گفت: "ولی اکنون بهار است. آن زمستان سخت حق ندارد بهار را از ما بگیرد. تو با کشیدن خاطرات زمستان به بهار، داری بهار را نیز قربانی می کنی! زمستان را در فصل خودش رها کن."

و از او تعهد گرفته بود که دیگر به اسناد دولتی دست نزنند. حالا دو سال گذشته بود و دیگر وقت مدرسه رفتن بود اما از ژولی دل کندن سخت بود.

بسکه سالها در مکتب خاله خانم درس خوانده بودیم، درسهای کلاس را از بر بودم و خانم معلم که زن جوان و زیبایی بود، مرا بعنوان شاگرد درسخوان و منضبط دوست داشت.

ژولی بوی مرا از فاصله ای بسیار دور میتوانست حس کند و وقتی که مدرسه تعطیل میشد و من بسوی خانه میرفتم، هنگامی که هنوز درخیابانی خیلی دورتر از خانه بودم، او با سر و صدا راه انداختن و میان در کوچه و در خانه دویدن و پنجه بدرها کشیدن، همه را از آمدن من باخبر میکرد.....**ادامه دارد**

برفها آب شده بود و دیگر خبری از سرمای زمستان نبود. کم‌کم اهالی دهکده می‌توانستند از خانه‌هایشان بیرون بیایند، از گرمای خورشید بهاری و سبزی و طراوت گیاهان لذت برده و در مزارع به کشت و زرع بپردازند.

در آن روز، شیوانا همراه یکی از شاگردان از مزرعه عبور می‌کرد. پیرمردی را دید که نوه هایش را دور خود جمع کرده و برای آنها در مورد سرمای شدید زمستان و زندانی بودن در خانه و منتظر آفتاب نشستن صحبت می‌کند.

شیوانا لختی ایستاد و حرفهای پیرمرد را گوش کرد و سپس او را کنار کشید و گفت: "اکنون که بهار است و این بچه‌ها درحال لذت بردن از آفتاب ملایم و نسیم دلنواز بهار هستند، بهتر است روایت یخ و سرما را برای آنها نقل نکنی! خاطرات زمستان، خوب یا بد، مال زمستان است. آنها را به

برد. همان سؤال و جوابها تکرار شد. خانم ناظم، فراش مدرسه که مرد تنومندی بود را صدا کرد و گفت: علی اکبر خان، این بچه را میبری به خانه اش و مادرش را برمیاری و میآوری... واز من پرسید: راه خانه تان را بلدی؟ گفتم بله... علی اکبر خان دست مرا گرفت و راه افتادیم. از در مدرسه که بیرون آمدیم، احساس امنیت کردم و تشویشم بر طرف شد. گریه ام بند آمد. وقتی به خانه رسیدیم، مادرم حیرت زده شد. علی اکبر خان گفت خانم باید با من به مدرسه بیایی، خانم ناظم باهاتون کارداره. من دستم را از دست علی اکبر خان رها کردم و بسرعت بداخل خانه رفتم و خودم را پنهان نمودم. بعد ها فهمیدم که ناظم مدرسه، مادرم را تهدید به زندان، به جرم دست بردن در اسناد دولتی کرده بود

برادرم را دستکاری کردند و سن و سالهای تولدش را زیاد کردند تا مرا دو سال زودتر به مدرسه بگذارند. اما به من هیچ چیزی یاد نداده بودند که دروغ بگویم. همان دوست مادرم هم شناسنامه فرزند کوچکترش را دستکاری کرد و او را به مدرسه برد. وقتی مادرم مرا به مدرسه برد و یک نان خرمایی که از دولایه نان بستنی که بشکل مثلث بریده شده بود و یک لایه نازک خرما در میانش مانند ساندویچ درست شده بود بدستم داد و در حیاط مدرسه رهایم کرد، از دیدن آنهمه بچه که حداقل دو سال از من بزرگتر بودند و چهره خانم ناظمی که بسیار عبوس بود، وحشتم گرفت و تنها وسیله ای که برای مقابله داشتم، گریه های بلند و بند نیامدنی بود. وقتی صف بستند و کلاس بندی کردند، من فقط از ترسم در گوشه حیاط با بی تابی گریه میکردم. برای مشخص شدن کلاس، نامها را میخواندند و به کلاس مشخصی راهنمایی میکردند.

هرچه صدا کردند حسن پناهی کسی جواب نداد و وقتی همه شاگردان به سر کلاس ها رفتند و من به تنهایی در حیاط ماندم با گلوئی گرفته و هنوز همچنان شیون کنان، دانستند که فقط من هستم که باید صاحب آن نام حسن پناهی باشم. خانم ناظم، دستم را گرفت و کشان کشان به یک کلاس برد و به یک خانم دیگر سپرد. خانم معلم برای آنکه مرا از آن غربت دربیارود و علاقه ای برایم ایجاد کند، مدام میگفت حسن جون اگه ساکت بشی یک جایزه بهت میدهم و یا حسن جون ببین همه بچه ها چه ساکت نشسته اند و فقط تو داری گریه میکنی ... ولی برایم عجیب بود که چرا به من نگاه میکنند، اما با حسن حرف میزند و به این خاطر بود که اصلا ارتباطی برقرار نمیشد. خانم معلم که همه ترفندهایش را زده بود و فایده ای نکرده بود، خواست با روش دیگری مرا به حرف بیاورد تا حواسم پرت شود و آرام شوم. به من گفت عزیزم حالا دلت میخواد به همه ما بگی اسمت چیه؟ در حالی که هق هق میکردم گفتم عباس. ناگهان خانم معلم سرجایش تکانی خورد و به لیست اسامی نگاه کرد و گفت: حسن... گفتم: عباس... باز با تعجب پرسید چی؟ اسمت چیه؟ گفتم عباس. گفت پس حسن کیه؟ گفتم اسم برادرمه. گفت بزرگتره یا کوچکتر؟ گفتم کوچکتره... برخاست و به یکی از شاگردان گفت تو میدانی مبصر یعنی چی؟ گفت: بله خانم؛ داداشم مبصره. گفت پس تو الان مبصر باش اگه کسی شلوغ کرد به من بگو. او هم گفت چشم. خانم دست مرا گرفت و با خود به دفتر ناظم

هر وقت بیاد آن جنگل، با بته های وحشی درهم اش می افتم، بی اختیار آن رطوبت و عطرهای برگها و گلهای وحشی را در ریه ام حس میکنم. که از همه آنها، بوی کاکوتی و نعناعی وحشی قوی تر از باقی خودنمایی میکنند. مدتی در کلاس دستماندیم، اما هیچ اتفاقی که حاکی از بهبود وضع اجتماعی باشد، نیافتاد و بناچار به تهران برگشتیم. سر و صداها بیشتر شده بود و آدمهایی که به شاه فحش میدادند، تقریبا همه جا را اشغال کرده بودند و برای کسانی که شاه را دوست داشتند امنیتی باقی نمانده بود. حتی دوستان خانوادگی که متعلق به حزب توده و جبهه ملی بودند، رعایت حرمت دوستی و نان و نمک را نمیکردند و از گفتن بدترین الفاظ به دوستانشان شاه، ایایی نداشتند. خانه ما را تبدیل به محل تجمع حزبی کرده بودند. و هرکدام عکسهایی که برایشان شعار حزبی شده بود را بدیوار خانه مان میزدند و در مقابلش سرودهای حزب خود را میخواندند. مادرم برای سلامت ما خیلی نگران بود و وقتی فحش کاری آن دوستان، به هم شروع میشد، مادرم ما را با خود به اتاق دیگر میبرد و در را از پشت سر قفل میکرد. عکس شاه را از ترس آنکه مبادا بدست آن اشخاص پاره شود لوله کرده و در صندوق گذاشته و درش را قفل کرده بود. بعد از ظهر یکی از آن روزهای گرم تابستان بود که پدرم به من گفتم بروم و از بقال سر کوچه یک سیگار اشنو بگیرم. در بقالی بودم که صدای مهیبی را به همراه لرزش زمین شنیدم. به جلو در رفتم. بقال هم بیرون آمد. دیدیم که کامیونهای پر از مردم با پرچمهای سه رنگ شیر و خورشید و نه برنگ سرخ داس و چکشی که در آنروزها زیاد دیده میشد، فریاد میزدند جاوید شاه و از خیابان خواجه نظام الملک عبور میکنند تا به سمت مرکز شهر بروند. آن بعد از ظهر تابستان گرم، همان بعد از ظهر روز ۲۸ مرداد سال سی و دو بود.

پیش از آنکه وقت مدرسه ام برسد، بنا به توصیه یکی از دوستان مادرم که او هم پسری هم سن و سال من داشت، شناسنامه

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳</								

ادامه مطلب اوپاما: توافق... از صفحه ۱۴۷

توانستم با شرکای نزدیک آمریکا یعنی کامرون نخست وزیر و اولاند رئیس جمهور و آنگلا مرکل صدراعظم صحبت کنم تا بر ایستادگی دوشادوش خودمان در این تلاش، تأکید کنیم.

و بیشتر ما، از طرف ملتمان، من می‌خواهم تا تشکر خود را از وزیر خارجه خستگی ناپذیرمان جان کری و تیم مذاکره کننده، اعلام کنم. آنها برای دستیابی به این پیشرفت، سخت کار کردند. آنها بهترین سنت دیپلماسی آمریکایی را نشان دادند. این کار و تلاش هنوز به پایان نرسیده و پیروزی هنوز تضمین شده نیست، ولی یک فرصت تاریخی داریم تا از گسترش سلاح‌های اتمی در ایران جلوگیری کنیم و این کار را از طریق مسالمت آمیز همراه با جامعه بین‌المللی که با قدرت پشت ما ایستاده‌اند؛ انجام دهیم. ما باید از این فرصت استفاده کنیم.»

ادامه مطلب کاهش بهای... از صفحه ۱۳۱

سناریوها می‌تواند تأثیر متفاوتی بر بازار داشته باشد.»

این سایت دوران هیجانی بازار را از روز شنبه به مدت یک هفته تا ۱۰ روز دانسته و پیش‌بینی کرده است که نرخ دلار ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان کاهش یافته و باعث افزایش تقاضا در بازار می‌شود و سپس دوباره بازار به حالت فعلی در خواهد آمد. دنیای اقتصاد گفته است سریع‌ترین واکنش به مذاکرات لوزان را بازار جهانی نفت دارد طوری که به محض اعلام بیانیه لوزان قیمت جهانی نفت با کاهش دو درصدی مواجه شد.

ادامه مطلب اول صیغه... از صفحه ۱۴۹

مفهوم روابط فی مابین زن و مرد و تلاش برای امروزی تر کردن تعاریف موجود در این باره بهترین راه روش برای خلاصی از روش های یواشکی پشت پستو و پسله است که می تواند زمینه ساز بروز خشونت و بهره کشی جنسی از زنان باشد.

نکنی. علی اصغر کار بسیار ناشایستی کرده اما بردن آبروی مردی جلو فامیل و در و همسایه، از کار اونم زشت تره! شب شده بود، اومدم از ساختمون بیرون که برم تو باغ پیش بچه های دیگه، دیدم علی اصغر سرشو انداخته پایین و واستاده پشت در. کیسه ای تو دستش بود. گفت: اینو بده به حاج آقا بگو از گناه من بگذره! کیسه رو بردم پیش بابا، بازش کرد، دیدم کیسه ای که چال کرده بود توشه، به اضافه همه پولایی که بابا بهش داده بود.

مردم آمریکا به خوبی اظهارات کندی رئیس جمهور را درک می‌کنند، وی درباره تهدید کمونیسم گفته است: بیابید هرگز از مذاکره هراسی نداشته باشیم، مردم آمریکا این سخنان را در اوج جنگ سرد به یاد دارند. رؤسای جمهوری مثل نیکسون و ریگان، توافقاتنامه‌های تاریخی کنترل اسلحه را با شوروی سابق به امضا رساندند، علی‌رغم این واقعیت که آن دشمن نه تنها تهدید کرده بود که کشور ما را نابود خواهد کرد بلکه ابزارهای لازم را نیز در اختیار داشت تا این کار را انجام دهد. البته آن توافقاتنامه‌ها کامل نبود. این توافقاتنامه‌ها موجب پایان همه تهدیدات نشد، ولی جهان را امن تر کرد. یک توافق خوب با ایران نیز مانند آن است. امروز، می‌خواهم تشکر خود را از شرکای بین‌المللی برای همکاری با آمریکا در دستیابی به این توافق اعلام کنم. امروز

اما سایت دنیای اقتصاد پس از مذاکرات لوزان نوشت: «تحلیلگران می‌گویند ممکن است در روزهای پس از توافق به دلیل هیجانات ناشی از بیانیه لوزان بازار به شکل هیجانی کاهش کمی را تجربه کند اما باید توجه داشت که آنچه باعث تقویت ریال در مقابل دلار می‌شود حذف تحریم‌ها است. که در این خصوص دو روایت متفاوت وجود دارد. طرف ایرانی معتقد است تحریم یک‌باره حذف می‌شوند اما طرف آمریکایی بر حذف برخی تحریم‌ها آن هم به صورت تدریجی اشاره می‌کند. لذا اجرای هر کدام از این

این کار ماساژ نیست و آن‌ها ماساژ دهنده نیستند و آن دیگری هم در پی ماساژ نیست. تبلیغ نوعی رابطه جنسی مسلم با کلاه شرعی است. برنامه ریزی مدون و واقع گرایانه، تغییر دادن نگرش‌های اساسی در ارتباط با جنسیت، تغییر در خودم به علی اصغر گفته بودم، انار هارو اونجا چال کنه، واسه زمستون!

بعدشم رفت پیش علی اصغر، گفت شما ببخشش، بچس، اشتباه کرد. پولشو بهش داد، ۲۰ تومان هم گذاشت روش و گفت: اینم بخاطر زحمت اضافت!

من گریه کنان رفتم تو اطاق، دیگم بیرون نیومدم! کارگرا که رفتن، بابا اومد پیشم، صورتمو بوسید، گفت میخواستم ازت عذر خواهی کنم! اما این، تو زندگی هیچوقت یادت نره که هیچوقت با آبروی کسی بازی

ادامه مطلب تقلیل زنان... از صفحه ۱۳

از مقامات قضایی و پارلمان و دولت ایران می‌خواهد که هرچه زودتر این طرح‌ها را از دستور کار خارج کنند و از دولت آقای روحانی هم می‌خواهد که بودجه لازم را به برنامه تنظیم خانواده اختصاص بدهد تا اطمینان حاصل شود که همه زنان در سراسر ایران صرفنظر از وضعیت اقتصادیشان دسترسی به خدمات جنسی و باروری و حفظ سلامتشان دارند.»

ادامه مطلب تاجی جون... از صفحه ۱۴۶

ریزیاقوت یادگار عروسی تاجی جون را هم برداشته و فروخته بود. روز قبل از سفرشان به ایران فریبا همه کاغذها و چیزهایی که برایش مهم بودند و آنقدر هم کم بودند که همه در یک کیسه پلاستیکی جا شدند را به خانه دوستش برد و از میان لباسهایش پیراهنی را که برای پدرش خریده بود و می‌خواست وقتی به ایران رفت برای او ببرد را بیرون آورد و به مادرش نشان داد و بعد همانجا کنار کمد روی زمین نشست، پیراهن را جلوی صورتش گرفت و با صدای بلند گریه کرد، تاجی جون کنارش روی زمین نشست، دخترش را بغل کرد و بیشتر از همیشه دلش برای همسرش تنگ شد.

ادامه مطلب وزیر اسرائیلی... از صفحه ۱۰۱

نخست وزیر اسرائیل امری آشکار است. نتانیاهو گفته است نظر به مناسبات خوب و نزدیک دولت اسرائیل با اکثریت اعضای کنگره، «انتظار دارم» که کنگره مانع از دستیابی ایران و قدرت های جهانی به یک «توافق بد» شود.

ادامه مطلب ماجرای باغ... از صفحه ۱۷

غروب که همه کارگرها جمع شده بودن و میخواستن مزدشون از بابا بگیرن، من هم اونجا بودم، نوبت رسید به کارگری که انارها رو زیر خاک قايم کرده بود، پدر در حال دادن پول به این شخص بود که من با غرور زیاد با صدای بلند گفتم، بابا من دیدم که علی اصغر، انارها رو دزدید و زیر خاک قايم کرد! چشم میتونم به همه نشون بدم، این کارگر دزده و شما نباید بهش پول بدین!

پدر خدا بیامرز ما، هیچوقت در عمرش دستشو رو کسی بلند نکرده بود، برگشت به طرف من، نگاهی به من کرد، همه منتظر عکس العمل پدر بودن، بابا اومد پیشم و بدون اینکه حرفی بزنه، سیلی محکمی زد تو صورتم و گفت برو دهننو آب بکش، من

اراده دولت و حکومت را جایگزین تصمیم‌های شخصی زنان کردن، آن هم در مسئله مهم و خصوصی مثل سلامت و باوری. در ایران به زنان پیشاپیش گفته می‌شود که چه بیوشند، کجا بروند، در چه دانشگاه‌هایی تحصیل کنند و الان مسئولان دارند پایشان را یک قدم در حریم خصوصی زنان فراتر می‌گذارند و برایشان در مورد تعداد فرزندان هم تعیین تکلیف می‌کنند. عفو بین‌الملل

تاجی جون برای اولین بار در خانه دخترش احساس خوشحالی کرد و همانطور که ترانه ای محلی را زیر لب زمزمه می‌کرد به آشپزخانه رفت، در یک قوطی بزرگ که در آن سبزی خشک ریخته بود را باز کرد و یک کیسه پلاستیکی کوچک را از آن بیرون آورد و به فریبا داد «همه پولا را اینجا قايم کرده بودم، آدم فرق نمی‌کنه کجا باشه، همیشه یک جایی هست که دزدا دنبال پول نمی‌گردن. حتی اگه خونگی باشن!». جمله آخر را به کنایه گفت.

دخترش برایش تعریف کرده بود که سال گذشته شوهرش طلاهایش را که بیشتر آنها را تاجی جون برایش خریده بود و حتی سیه و ماه گذشته برای سخنرانی در کنگره به دعوت جان بینر به واشینگتن رفته بود؛ این دعوت و سخنرانی در میان ناخشنودی عمیق کاخ سفید انجام شد. جان بینر از دعوت خود از نتانیاهو حمایت کرده و گفته است «خصوصیت» کاخ سفید با

بعد از ناهار بود که تصمیم به بازی گرفتیم. من زیر یکی از این درختان قايم شده بودم که دیدم یکی از کارگرای جوتتر، در حالی که کیسه سنگینی پر از انار در دست داشت، نگاهی به اطرافش انداخت و وقتی که مطمئن شد که کسی اونجا نیست، شروع به کندن چاله ای کرد و بعد هم کیسه انارها رو اونجا گذاشت و دوباره این چاله رو با خاک پوشوند. دهاتی ها اون زمان وضعشون خیلی اسفناک بود و با همین چند تا انار دزدی هم دلشون خوش بود!

با خودم گفتم: انارهای مارو میدزی! صبر کن بلایی سرت بیارم که دیگه از این غلظا نکنی، بدون اینکه خودمو به اون شخص نشون بدم به بازی کردن ادامه دادم، به هیچ کس هم چیزی در این مورد نگفتم!

ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

تله

موشی در خانه صاحب مزرعه تله موشی دید. به مرغ و گوسفند و گاو خبر داد. همه گفتند تله موش مشکل توست و بما ربطی ندارد. تا اینکه ماری در تله افتاد و زن مزرعه دار را گزید. از مرغ برایش سوپ درست کردند. گاو را برای مراسم ترحیم آن زن کشتند و در این مدت موش از سوراخ دیوار نگار می کرد که به دیگران ربط نداشت فکر می کرد

یادداشتی از دکتر فانلری

در اوایل نیمه دوم قرن نوزدهم گروهی از نویسندگان فرانسه از شیوه ادبی معمول در نیم قرن قبل از آن که به رمانتیسیم معروف است روگردان شدند و مبالغه در بیان احساسات عادی را که رسم پیروان آن شیوه بود ناپسند شمردند و سبک تازه ای در ادبیات طرح کردند به رئالیسم یعنی «پیروی واقع» خوانده می شد.

این گروه بر نمایندگان معروف شیوه رمانتیسیم مانند هوگو و لامارتین و موسه و توفیل گوتیه طعنه ها زدند و بر هر یک نامی تمسخر آمیز نهادند و چون پیشینیان بیشتر شاعر بودند و به شعرا اهمیت می دادند مجدداً به ضد شعر و شاعری قیام کردند و کار این مخالفت به جایی کشید که دوراتی یکی از علمداران این شیوه جدید به مزاح قانونی برای منع شاعری پیشنهاد کرد.

ماده اول: سرودن هرگونه شعر از این تاریخ ممنوع است و سراینده آن محکوم به اعدام می شود و هر شعری که بوجود آمد معدوم خواهد شد... خوشبختانه (یا بدبختانه) قوانین کشور هرگز به مورد اجرا گذارده نمی شود. آیا گمان نمی کنید در کشور ما هم وضع چنین قانونی لازم و مفید باشد؟

اوضاع ادبیات در بهان

ماریوبارگاس بوسا در کتاب چرا ادبیات خود می نویسد: این طور که پیداست ادبیات هر روز بیش از پیش تبدیل به فعالیتی زنانه می شود. در کتابفروشی، در کنفرانس ها، حتی در دانشکده هایی که خاص علوم انسانی هستند شمار زنان از مردان بیشتر است. توجیه سنتی این وضع این است که زنان طبقه متوسط و در قیاس با مردان ساعات کمتری کار می کنند و بسیاری از آنها باوجدانی آسوده تر از مردان می توانند اوقاتی را صرف خیال پروری و موهومات کنند. من نسبت به این نگرش که زن و مرد را به دو مقوله خشک و نرمش ناپذیر تقسیم می کند و فضایل و معایبی به هریک از این دو جنس نسبت می دهد حساسیت دارم. اما در این تردیدی نیست که خوانندگان ادبیات روز

ادامه مطلب انرژی مثبت... از صفحه ۲۸

در نهایت اینکه هدف از فنگ شویی حرکت بی وقفه انرژی «چی» در محیط زندگی انسان است، به نحوی که بتوان بیشترین سود را از آن برد. منظور از چی، همان نیرویی است که جان آفرین و روح بخش است و در وجود ما، در خانه ما و در تمامی اشیای فیزیکی اطراف ما نفوذ می کند. انرژی «چی» تأثیر مثبت خواهد داشت اگر اجازه دهیم آزادانه جریان یابد، تأثیری منفی برجای خواهد گذاشت هنگامی که آن را در کنج و گوشه ها و شکافها و چاکها محصور کنیم، و زیان آور خواهد بود زمانی که آن را در مسیری مستقیم رها سازیم. درک و شناخت مشخصات انرژی مثبت، می تواند جریان آزاد انرژی را میسر کند و این کار تأثیر مستقیمی بر سلامتی، شادابی، پیشرفت مالی و افزایش ثروت افراد خواهد داشت. هدف از فنگ شویی کردن خانه این است که موقعیت مکانی آن را ارزیابی و مسیر حرکت انرژی ها را در داخل خانه کشف کنیم و آن را با علایم و عناصر خاص مربوط به زمان تولد ساکنان و صاحبان آن به گونه ای ارتباط دهیم که خوشبختی و سلامتی با استفاده بهینه از اتاقها و اشیاء و رنگها و تزیینها به بالاترین حد خود برسد. این شرایط در زندگی به دست نمی آید، مگر آنکه بی نظمی ها و اختلالات درونی

ادامه مطلب گل نم... از صفحه ۳۹

از دیدن او بینهایت خوشحال شدم. گویا احد آمدن مرا به او خبر داده بود. غلام آن شب تا دیروقت پای صحبتهای من نشست و فردای آن روز به من گفت که اگر مایل باشم می تواند مرا قاجاقی به ترکیه ببرد و در آنجا ترتیبی دهد که به یکی از کشورهای اروپایی و یا آمریکا پناهنده گردم. من در جوابش خواستم اجازه دهد کمی در این باره فکر کنم. غلام گفت وقت زیادی ندارد باید هرچه زودتر از تهران برود چون ماندنش خطر دارد. تمام شب را به بررسی وضع خودم در منزل احد پرداختم. اولاً چطور می توانستم از زیبا بخوام که اجازه دهد ماه ها همزمان آنها باشم تا تکلیفم روشن شود که چکار می خواهم بکنم. ضمن اینکه همین مقدار پس اندازی هم که دارم ممکن است خرج شود و دیگر پولی برای رفتن نداشته باشم.

حسام از روزه خواری زنش با خبر است- در تمام این مدت می دانسته اما به من و خودش دروغ می گوید. از من می خواهد این اتفاق را که اشتباه محض بوده برای کسی بازگو نکنم. وقتی با او

بروز کمتر می شود و در میان خوانندگان باقیمانده هم شمار زنان بیشتر از مردان است در همه جا وضع کم و بیش همین است مثلاً در اسپانیا بررسی اخیر انجمن نویسندگان اسپانیا نشان داد که نیمی از جمعیت این کشور اصلاً کتاب نمی خوانند. در همین بررسی می بینیم شمار زنانی که کتاب می خوانند به میزان ۶/۲ درصد از شمار مردان بیشتر است و این فاصله چنین که پیداست رو به افزایش دارد. من برای این زنان خوشحالم و به حال آن مردان افسوس می خورم و همچنین برای میلیونها انسانی که می توانند بخوانند اما عزم جزم کرده اند که نخوانند. ماریو بارگاس بوسا یکی از نویسندگان سرشناس اهل پرو است.

از روزه خواری زنش خبر داشت

نثر گلی ترقی را دوست دارم. شیرین می نویسد. یک قسمت از کتاب دو دنیا اثر او را بخوانید:

... مادر از روزه گرفتن من عصبانیت و می ترسد مریض شوم. می گوید که روزه گرفتن ناز خانم هم ادا و کلک است. زیر بالشتش پر از میوه های خشک است و تا سرآمد ها دور می بیند. مشت مشت می خورد. باور نمی کنم. با خودم می گویم مادر با خانم ناز بد است می خواهد من را از او دور کند. خانم گرگه هم همین را می گوید. و جلوی چشم من که دارم از گرسنگی غش می کنم هندوانه آبدار گاز می زند. می گوید: بچه خر، اگر باور نمی کنی که ناز خانم کلک می زند برو از سوراخ کلید نگاه کن. نزدیک ظهر است که صدایم می زند و می گوید: بدو برو از پشت پنجره نگاه کن... می روم پشت پنجره سرکش می کشم. خانم ناز دارد موهای پشت لپش را برمیدارد. دهانش می جنبد دستش را زیر بالش می برد و یک تکه بزرگ سوهان بیرون می کشد و می خورد. رویش را دوتا لیوان آب یخ می نوشد. باز مشت توت خشک توی دهانش می چپاند باورم نمی شود. دلم می خواهد خفه اش کنم در اتاقش را باز می کنم از جایش می پرد. دهانش پر است. آینه را مثل برق زیر تخت می اندازد و صورتش را توی بالش فرو می کند قلمب تند می زند. خجالت می کشم. حس می کنم سرم کلاه رفته و تمام نمازهایم باطل شده است. ناز خانم با عجله لقمه اش را قورت می دهد و با دهان خالی، دروغی خمیازه می کشد و وانمود می کند که هیچ اتفاقی نیفتاده. اما چشم هایش از شدت عصبانیت چپ شده اند پره های دماغش می لرزد. آقای

ادامه مطلب ورود زنان به ... از صفحه ۲

هزینه‌هایی تحمل کردند، می‌گوید: در سال‌های آخر بعضا برخورد‌های بدی با زنان صورت گرفت و پس از گذراندن این شرایط حالا بسیار خوشحال‌کننده است که می‌بینیم زنان می‌توانند در سال جاری در ورزشگاه‌ها حضور داشته باشند. او با اشاره به اینکه در خبرها آمده برخی از ورزش‌ها مردانه است و امکان حضور وجود ندارد، گفت: به هر حال همین که گام مثبتی برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها برداشته شده بسیار خوب است. همیشه گام‌های مثبت مقدمه‌ای برای گام‌های بعدی‌اند. او درباره اهمیت فعالان مدنی و حقوق زنان می‌گوید: فعالان مدنی باید پیگیرانه مشکلات خود را عنوان کنند تا دولت نیز همکاری لازم را داشته باشد. موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها سال گذشته به صورت پیگیرانه مطرح شد دولت هم کمک کرد بنابراین خواسته‌ها باید گفته شود و حتی خود زنان می‌توانند در کنار گفتن مشکلاتشان راه‌حل نیز ارائه کنند. امیدوارم سال ۹۴ به همین خوبی که آغاز شده ادامه یابد.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس نیز درباره حضور زنان در ورزشگاه‌ها می‌گوید: ما تابع نظر علما و شورای امنیت کشور هستیم. اگر آن‌ها حضور بانوان در ورزشگاه‌ها را تأیید می‌کنند مجلس هم مشکلی ندارد. به شخصه هم فکر می‌کنم حضور زنان در ورزشگاه‌ها ابداً ایرادی ندارد. الان در شیروان در مسابقات کشتی بانوان می‌آیند و فرزندان‌شان را تشویق می‌کنند و همین حضور آن‌ها سبب می‌شود جوانان نیز هر سخنی را به زبان نیابند و فضای محترمانه‌ای حاکم باشد. عبدالرضا عزیزی با تأکید بر اینکه حضور بانوان باعث محترمانه‌تر شدن فضای ورزشگاه‌ها می‌شود می‌گوید: اگر بانوان با حجاب صحیح به استادیوم‌ها بیایند و آقایان جوان نیز متوجه حضور بانوان باشند و هر کلامی را به زبان نیابند حضور زنان هیچ مشکلی ندارد.

اگر مسائل دیگر حل شود قطعاً این موضوع نیز حل می‌شود. ما با حضور بانوان کشورهای دیگر در ورزشگاه‌ها مشکلی نداریم. همین اظهارنظر کوتاه کفاشیان کافی بود تا در مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی موج واکنش‌ها و اعتراضات فعالان حقوق زنان آغاز شود و تا روزهای پایانی سال نیز همچنان داغ و در پایان سال یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی سال ۹۳ باشد. موضوعی که برای اولین بار به صورت جدی بعد از ممانعت از حضور زنان در ورزشگاه‌ها در مسابقات والیبال شروع شد و تا پایان سال به بهانه‌های متعدد سر باز کرد؛ اما انگار سال ۹۴ بنیاد خوش خبر باشد؛ به نظر می‌رسد بعد از خبر خوشی که از لوزان رسید حالا نوبت به احقاق حق زنان در ورزشگاه‌هاست. طبق تأیید شورای امنیت کشور از این پس بانوان نیز می‌توانند به همراه خانواده‌شان به ورزشگاه‌ها بروند و در شادی‌های ملی کشورشان سهیم باشند.

اتفاق بزرگی رخ داده است

یک فعال حقوق زنان در اینباره می‌گوید: این خبر بسیار خوبی است. درست است که شاید فقط تعدادی از زنان به دنبال احقاق حق خویش در این زمینه بودند اما، همین که این عده بر گرفتن این حق اصرار داشتند و حالا می‌بینند اعتراضاتشان به ثمر نشسته اتفاق بسیار مهمی است. به هر حال عدم ورود بانوان به ورزشگاه‌ها یک مانع برای شرکت در یک رویداد اجتماعی محسوب می‌شود و در زنان ایجاد سرخوردگی می‌کرد. مرتفع شدن این موضوع از دوره اصلاحات مطرح بود و دولت نیز مخالفتی با حضور زنان در ورزشگاه‌ها نداشت ولی با تغییر دولت متأسفانه بی‌تدبیری‌هایی در این مورد صورت گرفت که کاملاً مانع از حضور زنان در ورزشگاه‌ها شد.

فخرالسادات محتشمی‌پور با اشاره به اینکه در سال‌های آخر زنان برای مبارزه با جلوگیری از ورودشان به ورزشگاه‌ها

ادامه مطلب مولوی و عشق... از صفحه ۱۱۱

پ- معشوق عرفانی که همه عارفان حقیقی از سنایی تا هاتف درباره او سخن گفته‌اند که ترجیح بند عارف یکی از شاهکارهای آن است: **ای فدای تو هم دل و هم جان**

**وی نثار رهنم این و هم آن
دل فدای تو، چون تویی دلبر
جان نثار تو، چون تویی جانان
راه وصل تو راه پرآسب**

درد عشق تو درد بی درمان
نکته دوم اینکه در نزد عارفان و اصل و حقیقی کنایه از عاشق خود سالک و منظور از معشوق ذات پاک واجب الوجود و عشق اشاره به رابطه بین آنهاست که سالک برای وصول به آن مجاهدت دارد که این رابطه و راه را کوتاه و کوتاه تر کند تا در وجود معشوق مستهلک گردد و اینجاست که اتحاد عاشق و معشوق مصداق واقعی پیدا می‌کند. در ابیات زیر مولوی این حال را با بیان زیبا و عارفانه‌ای توجیه می‌کند:

**یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا
یار تویی، غار تویی، خواجه نگهدار مرا
نوح تویی، روح تویی، فاتح و مفتوح تویی
سینه مشروح تویی، بر در اسرار مرا**

**نور تویی، سور تویی، دولت منصور تویی
مرغ که طور تویی، خسته به منقار مرا
قطره تویی، بحر تویی، لطف تویی، قهر تویی
قند تویی، زهر تویی، بیش مبارز مرا**

**حجره خورشید تویی، خانه ناهید تویی
روضه امید تویی، راه ده ای یار مرا
روز تویی، روزه تویی، حاصل دریوزه تویی
آب تویی، کوزه تویی، آب ده این بار مرا
دانه تویی، دام تویی، باده تویی، جام تویی
پخته تویی، خام تویی، خام بگداز مرا
این تن اگر کم تندی، راه دلم کم زندی
راه شدی، تا نبندی این همه گفتار مرا**

در نظر مولوی عشق جذب و کششی است که در تمام اجزاء آفرینش و جهان هستی دیده می‌شود و علت پیدایش تمام موجودات می‌باشد زیرا مولوی تمام موجودات را جاندار می‌داند و روش او دوفلسفه خلقت جان بخشی و جان دادن به همه موجودات یعنی روش **Personification** است که نمونه آن نزد فلاسفه یونان قبل از سقراط و افلاطون و ارسطو نیز دیده می‌شود.

و در روش او تمام موجودات جان می‌گیرند و پیوسته به یکدیگر مبادله می‌شوند. جماد به نبات و نبات به حیوان و حیوان به انسان و همچنین مرئی به نامرئی تغییر شکل می‌دهند (این باید تغییر «مجرد» باشد به «ماده و جسم») که ما در روش نگارش مولوی به طور مشروح به آن پرداخته ایم و اشعار مولوی در زیر بیان‌کننده این معناست.

در این باره قرآن کریم می‌فرماید: **ولما جاء موسى لميقاتنا و كلمه ربه قال رب ارني انظر اليك قال لن تراني و لكن انظر الي الجبل فان استقر مكانه فسوف تراني فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا و خر موسى صعقا.** یعنی زمانی که آمد موسی به وعده گاه (کوه طور) خداوند با او سخن گفت خدا را خود را به من بنما، به او وحی شد بگوه بنگر اگر در جای خود ثابت ماند مرا بزودی خواهی دید. زمانی که پروردگارش به کوه تجلی کرد کوه خرد شد و موسی به حالت بیهوشی درافتاد. وقتی بهوش آمد به او وحی شد بتو نگفتم که نمی‌توانی ما را ببینی. تو تاب تحمل تجلی ما نداشتی، چگونه می‌خواستی ما را ببینی؟

باید به حق گفت هیچ عارف و شاعر دیگر به اندازه مولانا در توصیف و تمجید و شکوه عشق سخن نگفته است. او بر این باور است که اگر شکوه عشق را از زندگی انسان‌ها بگیرند، بشر پویایی و سیرکمال خود را در تمام شئون زندگی از دست خواهد داد و عارف واقعی برای طی مراحل سلوک باید با این موهب به تداوم راه پردازد و نیز باید تا پایان حیات برای اینکه از کاروان سیر و سلوک عرفانی دور نیفتد از این قوه محرکه استفاده نماید تا بمرحله فنای فی‌الله نایل آید.

در اینجا نظریه امپدوکلس فیلسوف شهیر یونانی قرن پنجم قبل از میلاد برای انسان تداعی می‌شود که او می‌گفت غیر از عنصر اربعه دو عنصر محبت و بغض را باید برای جنبش و پویایی و تحرک موجودات عالم خلقت به کار گرفت که عنوان عنصر به محبت و بغض به نسبت پیشرفت علوم و معارف آن زمان است و بعدها به چنین عواملی عنصر اطلاق نگردیده است و محبت و بغض را به جهت عاطفی و تفاعل عاشقانه مطرح کرده است.

در اینجا دو نکته قابل ذکر است ۱- در آثار مولوی و حافظ معشوق در سه جلوه خود دیده می‌شود:

الف- معشوق مجازی که همان رابطه و تعلق به زیبایی‌های جهان مادی است.

ب- معشوق موجودی است که چهره روشنی ندارد درست معلوم نیست زن یا مرد، پیر یا جوان، زنده یا مرده زشت یا زیبا است. موجودی است نیمه آرمانی و نیم حقیقی که نماینده انسان کاملی است که عارف در تمام عمر در جستجوی اوست که تن و روان زیبا دارد مانند شمس تبریزی از دید مولوی:

**دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتند که یافت می‌نشود جسته ایم ما
گفت آنکه یافت می‌نشود آنم آرزوست**

Pezhvak of Persia.

با درج آگهی در
ماهنامه پژواک،
بیزنس خود را به جامعه
ایرانی معرفی کنید!

(408) 221-8624



ادامه مطلب اسطوره سیزدهم... از صفحه ۵

توجه دیگری که برای مراسم سیزده نوروز می توان کرد اینست که روز سیزدهم سال نو گویا در دوران کهن، روز ویژه طلب باران بهاری برای کشتزارهای نو دمیده بوده است. می دانیم که روزهای ماه در ایران قدیم هریک نامی ویژه داشت و هریک از روزها متعلق به ایزدی بود و امور آن روز باو سپرده شده بود. روز سیزدهم ماه متعلق به ایزد تیریا «تیشتری» بود. این ایزد که در اوستا یشت و ستایشی دلکش دارد، ایزد باران است و همان شعرای یمانی است. این ایزد همواره بصورت اسبی، بادبو خشکی و خشکسالی که دیو «پوش» نام دارد در جنگ و کشمکش است و اگر شکست یابد آب میخوشد و گیاه می خشکد و خشکسالی می شود و اگر پیروز شود، سرچشمه آب ها به نیروی اسبی روان می گردند و سرزمین ها از سال خوب و خوش بهره مند می شوند. این ایزد نطفه آب را در بردارد و نژادش به «پم نیات» (ناف آب ها) میرسد و از اینرو می توان دریافت که در سرزمین خشک و کم آب ایران تاجچه حد مورد ستایش بوده است.

برای اینکه ایزد باران پیروز شود، لازم بود که همه مردمان در نماز از او نام برند و او را بستانند و از او طلب باران کنند تا بگنجه اوستا: «چون نیروی ده اسب، ده شتر، ده گاو، ده کوه و ده رود ناوتاک روان شود» و آنگاه که پیروز می شد «آب جوی ها بسوی محصول با دانه های درشت و چراگاه ها با دانه های ریز و بسوی جهان مادی روان می گشت» و باران و تکرگ بسوی کشتزارهای هفت کشور می رسید و فرورهای پاکان آب را به مقدار معین تقسیم می کردند.

بنابر تیریش، هنگامی که سال پایان می یابد، سالاران خردمند و مردمی که از بهره سال زندگی می کنند و جانوران کوهساری همه بانتظار می نشینند تا ایزد باران سال خوب برای سرزمین های آریائی بیاورد. همه او را که آبهای ایستاده و جاری و چشمه ها و جویبارها و برف و باران را در اختیار دارد می ستایند تا چشمه ها و جوی ها بسوی کشت زارها و دشتهای روان شوند و ریشه گیاهان را نم ببخشند و ستایش و نیایش او بایستی همراه با مراسم مذهبی و نثار گوسفند بریان یک رنگ باشد.

از آنچه گذشت چنین برمی آید که ایرانیان در روزگاران کهن، پس از برگزاری مراسم نوروزی و دمیدن سبزه و گندم و جو و حبوبات، در نخستین روزهای سال و در روزی که متعلق به ستاره باران بود، یعنی در روز سیزدهم فروردین ماه به دشت و صحرا و کنار چشمه و جویبار می رفتند و بهنگام شکست یافتن دیو خشکسالی در نیمروز

گوسفند بریان می کردند و این نثاری بود برای فرشته باران تا کشت های نو دمیده را از باران سیراب کند.

در بسیاری از روستاهای ایران هنوز بهنگام تابستان مراسمی برای طلب باران بهنگام خشکسالی برپا می شود که در آن زن و مرد و خرد و کلان شرکت می کنند و روز سیزدهم نوروز گویا روز رسمی همه مردم برای طلب باران برای همه سرزمین های ایران بوده است و خوردن غذای روز در دشت و صحرا نشانه همان فدیه گوسفند بریان است که در اوستا آمده و افکندن سبزه های تازه دمیده نوروزی به آب روان جویبارها تمثیلی است از دادن فدیه به ایزد آب «آناهیتا» و ایزد باران و جویبارها «تیر» و باین طریق تخمه بارور شده ای را که ناهید فرشته موکل آن بوده است بخود ناهید باز می گردانند و گیاهی را که ایزد «تیر» پرورنده است بخود وی باز می سپرند تا موجب برکت و باروری و آبسالی در سال نو باشد. از مراسم قابل ذکر این روز اینست که همه مردم روستاها از خرد و کلان و بیشتر مردم شهرها از بامداد تا شامگاه به صحرا و کشتزارهای روی می آورند و در کنار چشمه ها و رودها و جویبارها به شادی و بازی و رامش می پردازند. از رسوم دیگر روز سیزده، گره زدن سبزه برای باز شدن بخت دوشیزگان است و این رسمی است از روزگاران که آیین های مذهبی و جادویی بهم آمیخته بود و هرکس آرزوی خود را بنوعی عملا برای خود برآورده می کرد و می پنداشت که بدین طریق در تحقق آن تسریع خواهد شد و گره زدن دو شاخه سبزه در روزهای پایان زایش گیهانی تمثیلی است از پیوند یک مرد و زن که می بایستی بهم پیوندند تا تسلسل تولد برقرار گردد و آرزوی گره زنده که طالب همسر است برآورده شود.

بازی های گوناگون و آخرین سرود خوانی و دست افشانی پیک نوروزی در روز سیزدهم یادگاری از آخرین مراسم کارناوالی دوران کهن است و بویژه اسب رقصان که ذکر آن گذشت نشانه ای از شادی ایزد تیر در پیروزی بر دیو خشکسالی است. و رسم بازی های برد و پاختی که در روز سیزده معمول است و در آنها یک نفر یا گروهی برنده می شوند، بویژه مسابقه اسب دوانی که در برخی از روستاها معمول است، یادآور کشمکش بین ایزد باران و دیو خشکسالی است و پیروزی یک اسب در مسابقه همانند پیروزی اسب ایزد باران است و شادی ها و رقص ها باقی مانده ای از مراسم تطهیر درونی در سال نو است.

ادامه مطلب جشنواره بین المللی... از صفحه ۱۶

از نوه «چارلی چاپلین» بازیگر بزرگ سینما، کارمن چاپلین، فیلمی افسانه تخیلی به نمایش در می آید به اسم «مخترعین» که چندتن از افراد خانواده او نیز در آن نقش دارند.

سالیان بسیاری هست که فیلمی حماسه تاریخی به سبک «دکتر ژیاگو» یا «لارنس عربستان» در سینمای هیچ کشوری ساخته نشده. از کشور قیرقیزستان فیلمی درباره تاریخ این کشور توسط «صدیق شرنیاز» ساخته شده به اسم «کورمن جان داتکا ملکه کوهستان ها» که با عظمت و سیاهی لشکرهای بسیاری که در سینمای این روزها رایج نیست به نمایش در می آید که ژانر فیلم های حماسه بی را دوباره زنده می کند.

از چین «آوای سیمرغ» ساخته «ووتیان مینگ» هست که داستان انتقال موسیقی سنتی به نسل بعدی ست ولی زمانه چیز دیگری را می طلبد بطوریکه دو فرهنگ قدیم و جدید در برابر هم قرار می گیرند که کدام یک را باید پذیرفت.

از استرالیا فیلم «زمانی مادرمن بود» ساخته «جن ولتیک» مستندی ست درباره زندگی سخت و پرتلاطم مادر فیلمساز که در زمان جنگ دوم، به خاطر یهودی بودن، از این کشور به کشور دیگری پرتاب می شد و حتی در بخشی او را به ایران هم اعزام می

کنند و ما شاهد ایران دهه چهل میلادی که هنوز آثار تمدن چندان در آن رسوخ نکرده می شویم که فیلمی بسیار تاثیر گذار و قابل تعمق است که چگونه انسان ها بازی دست سیاست های سران دولت ها می شوند و چه زندگی هایی متلاشی و چگونه برخی از تمام این موانع سربلند بیرون می آیند. از کارولین ژرار «فیلم «من ترا می شناسم» هست که نشان می دهد چگونه آدم ها می توانند فریب ظاهر افراد را بخورند بی آنکه جویای واقعیت شوند. فیلمی درباره دنیای نمایشات و کسانی که ظاهر مشهور هستند ولی در اصل فقط ظاهر آنهاست که مردم فریب است.

«جشنواره بین المللی فیلم تیران» در طول چهارده سال گذشته توانسته هم چنان به اصل خود که حمایت از فیلمسازان مستقل است پایدار بماند و تاکنون از بیشتر از ۱۰۰ کشور جهان فیلم نشان داده که برخی از این کشورها حتی برای اکثریت نامی ناآشناست که همین اهمیت این جشنواره را دوچندان می کند.

جشنواره امسال از ۹ تا ۱۷ آوریل در شهر «تیران» در شمال کالیفرنیا برگزار می شود. برای اطلاعات بیشتر می توانید به تارنمای این جشنواره مراجعه نمایید:

www.TiburonFilmFestival.com

ادامه مطلب مورد نه چندان... از صفحه ۴۲

این رویکردی است که احتمالا مدیران تلویزیون و سیاستگذاران حکومتی هم با آن موافق ترند: تقدس خانواده باید حفظ شود، حتی به بهای خشونت علیه زن.

برگ برنده، یک عکس

اما بحث و جدلهایی که دیگر به خاصیت فضاهای مجازی تبدیل شده، یک فرصت استثنایی برای فعالان حقوق زنان و علاقه مندان به برابری جنسیتی ایجاد کرده است. جایی که نکته ظریفی در شرح عکس آزاده نامداری بیان می شود: «به لطف پدرم من حق طلاق داشتم و گرنه شاید الان زنده نبودم.»

وکالت در طلاق، مطالبه ای است که وکلا و فعالان حقوق زنان بارها بر آن تاکید کرده اند. در شرایطی که قانون حق طلاق را برای زنان به رسمیت نمی شناسد و این حق یکسره در دست مردان است، وکالت حق طلاق، یگانه مفری است که زنان را در برابر قانونی که کمترین حمایت را از آنها می کند، در موقعیتی بهتر قرار می دهد. آزاده نامداری از این حق استفاده کرده و کارکرد آن را برای زنان ایرانی روشن کرده است. از سوی دیگر او یک امکان ویژه دارد: مشهور است و صدایش به گوش بسیاری می رسد. روی دیگر واقعیت شبکه های مجازی این است که همگان زبان بیان چنین روایتی را ندارند و به اندازه آزاده نامداری هم شناخته شده نیستند. انتشار عکس او باعث شده برای چند روز زنان و مردان ایرانی با موضوع خشونت علیه زنان از نزدیک روبه رو شوند و ناچار باشند موضع خود را در برابر آن تعریف کنند: آیا آن ها جزو مردانی هستند که خشونت خانگی را پشت چهره مدرن و تحصیل کرده و زیبای خود پنهان کرده اند یا زنانی هستند که ورم چشم و صورتشان را با کرم پودر می پوشانند و هراز گاهی با «هوتورسیکلت» تصادف می کنند و هرگز برای ثبت مدرک خشونت، به پزشک قانونی مراجعه نمی کنند؟ آیا معتقدند که باید از خشونت خانگی حرف زد و آن را گزارش داد، یا مواضع شخصی، سیاسی و گروهی، آن ها را از بازنمایی این ناپهنجاری باز می دارد؟

با این تفصیل، انتشار عکس این چهره تلویزیونی، یک اقدام مهم است: تابوی سکوت و خویشن داری و لاپوشانی را در مقابل رفتارهای خشن خانگی می شکند.

ادامه مطلب گیله مرد... از صفحه ۲۴

غم موجود و پریشانی معدوم ندارم
نفسی میکشم آهسته و عمری به سر آرم
شاید توی دوره زمانه ای که مرحوم
سعدی میزیسته اند میشد «غم موجود و
پریشانی معدوم» نداشت؛ اما توی دوره
زمانه ما، آنهم در این ینگه دنیای لعنتی
که بقول معروف ز منجیق فلک سنگ
فته میبارد، مگر میتوان آهسته نفسی
کشید و عمری به سر آورد؟؟
آنهم در زمان و زمانه ای که بقول شاعر:
یک تن آسوده در جهان دیدم
آنهم آسوده اش تخلص بود.
و حرف آخر اینکه:
ای زر؛ تویی آنکه جامع لذاتی
محبوب جهانیان به هر اوقاتی
بی شک تو خدانه ای ولیکن به خدا
ستار عیوب و قاضی الحاجاتی

ادامه مطلب تازه های پزشکی ... از صفحه ۲۶

نیازی به واکسیناسیون دوباره ندارند.
در خانم های حامله زمانی که شیر می
دهند تزریق واکسن مشکلی بوجود نمی
آورد
تعداد کمی از افرادی که واکسن MMR
را دریافت می کنند دچار یک تب خفیف
و Rash پوستی می شوند که طبیعی به
نظر می رسد و این نشان دهنده اینکه
بیماری ویروسی را از واکسن گرفته اند
نیست و نیاستی نگران باشند. افراد می
توانند جهت اطلاعات بیشتر به website
CDC و Who مراجعه کرده و اطلاعات
خود را در این زمینه افزایش دهند.

ادامه مطلب از درگوشی ها... از صفحه ۲۲

در ایرانمان ناگوارتر است. آنجا مال
خودمان بود و اینجا هیچ چیز مال ما
نیست. ناچار به همدیگر پناه می بریم
و اسم این رابطه سطحی را دوستی می
نامیم که البته «دوستی» کجا، معاشرین
مجالس خودنمائی کجا!
چه کنیم با غریبی و مهجوری و بیکسی
و به گفته سهراب سپهری «خانه دوست
کجاست».

نیرومند ترین مردم کسانی هستند که بر خشم خود غلبه کنند.

افلاطون

آموزشی جهت آگاه سازی آنان برنامه
ریزی شود.
برای اطلاع بیشتر در مورد ختنه زنان در
ایران به منابع زیر نیز رجوع فرمایید:

www.facebook.com stopfgmiran
stopfgmiran.org
www.stopfgmmideast.org

ادامه مطلب زنانی مهربان ... از صفحه ۳۱

و ماماها ی محلی هر روستا را شناسایی
کنند و از آنها تعهدنامه محکمی بگیرند که
دیگر در منازل عمل زایمان را انجام ندهند
و زنان باردار مجبور باشند برای مراقبت
های پیش از زایمان به مراکز درمانی
دولتی مراجعه کنند. این طرح بسیار موفق
بود. اکنون کمتر روستایی پیدا میشود که
در آن زایمان در خانه صورت گیرد. اگر
چه دایه ها به طور سنتی همچنان زن در
حال زایمان را تا بیمارستان همراهی می
کنند و یا گاهی در طول بارداری شکم
او را ماساژ میدهند و مراقبت های سنتی
پیشین را انجام میدهند اما حق زایمان
ندارند. این نمونه بسیار خوب نشان میدهد
که در زمینه ختنه دختران نیز اگر دولت
بخواد میتواند دایه ها را شناسایی کند و
همزمان با آگاه کردن آنها تعهداتی را اتخاذ
نماید، چرا که بیشتر دایه هایی که در زمینه
مراقبت های پیش از زایمان فعالند عمل ختنه
را نیز انجام میدهند.

آگاه کردن زنان: یکی دیگر از مسایل مهم
در کاهش میزان شیوع ختنه، آگاه کردن
زنان جامعه است. زنان در این مناطق سطح
سواد بالایی ندارند. بنابراین لازم است که
با برگزاری کارگاههای آموزشی - روستایی
آنها را از خطرات ختنه دختران آگاه کرد.
نمونه بسیار خوب این گونه فعالیت ها
برای پیشگیری از ختنه دختران سالهاست
که در کردستان عراق با مشارکت دولت و
تشکیلات غیر دولتی سازمان دهی میشود.
زنان هر روستا کنار هم جمع میشوند، برای
آنها فیلم آموزشی پخش میشود، از ختنه و
مسایل بهداشت مقاربت صحبت میشود و در
نهایت با تقدیم هدایایی جلسه به اتمام می-
رسد. این اتمام جلسه به معنای این نیست که
فعالان مناطق راها میکنند بلکه پس از آگاه
سازی زنان به طور مخفیانه روند پیشگیری
را تحت نظارت خود خواهند داشت.

آگاه کردن شیوخ مذهبی: یکی دیگر از
گروههای اجتماعی که آگاه کردنشان در
ریشه کنی ختنه دختران بسیار تأثیرگذار
است ملاها و شیوخ مذهبی هستند. اهمیت
این قشر از جامعه از آن جهت است که به
روایات و احادیث دینی آشنایی کامل دارند
و مهم تر از آن با مردان منطقه ارتباطی
نزدیک و صمیمی. این شیوخ میتوانند مردان
را از خطرات ناشی از ختنه دختران آگاه کنند
و همچنین با پیام دینی مردان را در جهت
عدم تداوم ختنه قانع کنند.

پزشکان، ماماها و پرستاران: تجربه نشان داده
است که ساکنان مناطق محروم کوچک
ترین مشکل جسمی خود را با پزشکان در
میان میگذارند و با ایجاد اعتماد، پزشکان

بیشتر افرادی که این زنان را از نزدیک
ندیدهاند آنها را زنانی قصاب، خشن، بیرحم
و سنگدل میدانند در حالی که برای من که
سالهاست در جست و جوی چرایی تداوم
عمل ختنه هستم و حضور دایه ها را یکی
از ارکان اساسی آن میدانم تصویر این زنان
به گونه ای دیگر نقش بسته است. من هم
پیش از آن که تا این اندازه درگیر موضوع
ختنه دختران و ارتباط با دایه ها باشم از
قساوت قلب این زنان متعجب میشدم. این
تصویر زمانی اصلاح شد که برای تهیه
گزارشهای بیشتری از ختنه دختران پای
صحبت های آنها نشستیم. خنده این زنان،
مهمان نوازشان، سلام گرمشان، دست
دادنشان و بوسیدنشان بود که هیچ نشانی
از بیرحمی و خشونت با خود نداشت. آنها
هم مانند تمام زنان ساکن مناطق محروم
از داشتن بهترین امکانات آموزشی و
تحصیلی محروم بودند و آنچه که آنها
را به فراگیری و تداوم مثله کردن دختران
ترغیب میکند اعتقاد راسخشان به فرایض
دینی و به جا آوردن این سنت مذهبی است.
در حالی که بیشتر پژوهشگران معتقدند که
ختنه دختران ریشه در دین اسلام ندارد، اما
مردمان مناطقی که ختنه در آنها صورت
میگیرد بنا به حدیثی از پیامبر و روایاتی
از امامان مختلف مذهب شافعی برای نشان
دادن پایبندیشان به مذهب، دختران را ختنه
میکند. البته دلایل قانع کننده ای در اسلام
وجود ندارد که بر انجام عمل ختنه بر روی
دختران تأکید کند.

راه حل چیست؟

برای جلوگیری از تداوم عمل ختنه باید
چهار مرحله در نظر گرفت. در این چهار
مرحله، چهار گروه اجتماعی درگیر خواهند
بود که افزایش سطح آگاهی آنها موجب
کاهش تداوم ختنه دختران خواهد شد:

جلوگیری از فرآیند دایه شدگی: یکی از
شاخص های بسیار مهم بر سر راه توسعه
یافتگی هر کشور کاهش میزان مرگ و میر
مادران است. این شاخص، سنخش خوبی
است برای این که نشان دهد که تا چه حد
امکانات قابل دسترس برای بیماران به ویژه
زنان باردار از جمله دسترسی به مراکز
درمانی، سهولت رفت و آمد و عبور از
جاده ها به ویژه در روستاها، ارائه خدمات
درمانی اضطراری، هزینه خدمات درمانی،
وضعیت سواد زنان و غیره فراهم است.

در دهه هفتاد شمسی وزرات بهداشت و
سازمان علوم پزشکی کشور با همکاری
یکدیگر تصمیم گرفتند که برای بالابردن
سطح بهداشت مادران باردار و همچنین
ارتقاء میزان توسعه یافتگی ایران، دایه ها

ادامه مطلب زنان شاعر... از صفحه ۱۲

ناپذیر و در طنزهایش طنزهای بی نظیر است.

یک متر و هفتاد صدم افراشت قامت سخنم

یک متر و هفتاد صدم از شعر این خانه منم
و در مقطع شعر می گوید:

هفتاد سال این گله جا ماندم ز دستم نرود

یک متر و هفتاد صدم گورم به خاک وطنم
اندیشه و گنگار هر دو بدیع و تازه اند ولی
همین خانم متهور و جسور و مقاوم در برابر
ستم ها، وقتی می خواهد از عشق بگوید به
آن بازار افترا که در ابتدای نوشته ام به
آن اشاره کردم با احتیاط می نگرد و وقتی
می گوید:

هشتاد سالگی و عشق، تصدیق کن که عجیب است
حوای پیر دگربار، گرم تعارف سیب است

در حالی که خوب می داند دل که هشتاد
ساله نمی شود ولی باز هم با احتیاط سخن
می گوید. وقتی از صوفیا لورن در تولد
هفتاد و هفت، هشت سالگی اش پرسیدند
آیا تو در این سن باز هم عاشق می شوی،
جواب داد من با دلم عاشق می شوم نه
با سن و سالم. صوفیا از جامعه ای دیگر
با فرهنگی دیگر است، جامعه ای که اگر
نصرت رحمانی بگوید:

خدایا تو بوسیده ای هیچگاه

لب سرب فام زنی مست را
ز وسواس لرزیده دندان تو

به پستان کالش زدی دست را
در اجتماع پنجاه سال پیش با شنیدن این
شعر از دهان نصرت رحمانی آب از آب
تکان نمی خورد ولی با شنیدن گنه کردم
گناهی پر ز لذت فروغ فرخزاد فریاد وا،
مذہبا، وا، دینا، و وا، ناموسا گوش فلک
را کر می کند و هنوز هم ما فرزندان همان
سرزمین، همانگونه می اندیشیم و فقط ادای
تجدد را در می آوریم.

ادامه مطلب سیر و سفری... از صفحه ۱۸

من و دل از آن، روی غم دیده ایم
که صبح از ل، روی هم دیده ایم

به نگاهی، چو بسوزند بتان پیکر ما
سرمه ناز فروشند، ز خاکستر ما

جان به لب دارم و تلخ است دهان، پنداری
حرف شیرینی جان هم، غلط مشهور است

با چنین چهره، که امروز تو آراسته ای
هر که، آئینه به دست تو دهد، دشمن توست

شبی به یاد تو، در برگرفته ام خود را
هنوز، بوی گلزم از کنار می آید!

بعد عمری یک نگه، گر جانب من می کنی
صد نگه بهر تسلی، سوی دشمن می کنی

دنباله مطلب در ماه آینده

ادامه مطلب ورزش از نگاه من... از صفحه ۱۴

تکنیکی TECHNICAL دریافت توپ: به چه راحتی توپ را دریافت می کند و با آن بازی می کند. آیا از نظر تکنیکی او دارای کیفیت های خاص برای موقعیت های مختلف هست!

B- آیا او قادر به استفاده از هر دو پاست و از سرش به همان خوبی استفاده می کند که از پاهایش!

C- آیا او قادر به کارگیری بدن خود در هر دو سمت زمین است؟ نقاط ضعف و قدرت او چیست!

فیزیک بدنی PHYSICAL

A- سرعت: آیا او از سرعت لازم برخوردار است، کند و یا سریع است؟

B- آیا او قادر به تغییر مسیرهای گوناگون است؟

C- قدرت: آیا از فیزیک بدنی مناسبی برخوردار است؟ قدرت بدنی لازم را داراست یا ضعیف است!

D- آیا او از تعادل لازم Balance برخوردار است و قادر است تصمیم های درست بگیرد! آیا او می تواند بازی را با قدرت تمام کند و آیا قادر به کنترل خود زیر فشار است!

۶- تاکتیک TACTIC

A- آیا او قادر به خواندن بازی است و در موقعیت های مختلف و تمرین های انجام شده را به خاطر می آورد، یا آنچه را خود می خواهد انجام می دهد!

بهرحال بازیکنی که قادر است تصمیم های مهم را به سادگی در درون زمین بازی انجام دهد از آموزش خوبی برخوردار است.

می توان گفت بهترین مربیان آنهایی هستند که تاثیر آنها را روی شاگردانشان درون و بیرون از زمین بازی می توان دید.

کتوسیوس گفته است: «اگر شما برای یکسال برنامه ریزی می کنید برنج بکارید و اگر برنامه ریزی شما برای دو سال است درخت بکار گیرید و اگر برنامه ریزی شما برای صدسال است بچه ها را تعلیم دهید». فوتبال ما صدساله است، اما برنامه ریزی را فقط عاقلان دانند. وقتی انقلاب شد نخستین تاخت و تازها به غرب زدگی بود. باید کوشش کرد به دور از پیش داوری و برکنار از غرض های شخصی و یک سو نگری به بررسی و تجزیه تحلیل مشکلات کنونی ورزش و فوتبال امروز پرداخت. عناصر زنده و هم چنان سودمند این بررسی را به عنوان سرمایه های اصلی به کار گرفت و برای جایگزینی و بازشناسی در آینده از آن سود برد. در این بررسی بدون فحاشی و منفی بافی یک نگرش اخلاقی سایه خواهد افکند و در آن سهم عنصر اخلاقی جای برجسته ای خواهد داشت. فراموش نکنیم فکر پیشرفت و بهتر شدن هرگز فکر تازه ای نبوده و نیست. انتقاد از کم و کاستی ها هرگز به مفهوم محکوم کردن آن نیست و برای آنست که درس های ضروری گرفته شود، بدون حب، بغض و بدون کینه. چشم بستن به کج روی ها و ناکامی ها ما را از پیش رفت باز خواهد داشت. شخصی که بجای آقای کی روش روی صندلی داغ مربیگری تیم ملی خواهد نشست وظیفه خطیری را به عهده خواهد گرفت. به امید اینکه او عروسک دست نشاندۀ وزیر ورزش نباشد. فوتبال دولتی تعداد تماشاگران ورزشگاه ها را تقریباً به صفر رسانده است، آنها کم کارهایی به مراتب برجسته تر از آنند که ما فکر می کنیم و نابود کردن اگر حاصلش یک ساختمان تازه نباشد کار بارزشی نیست.

ادامه مطلب خاطرات در... از صفحه ۱۵

ایشان سینه ای صاف کرد و دستی به زیر گوش برد و شروع کرد اما با اولین صدایی که در فضای پل پراکند، با کلام «سوزد و گرید و افروزد و خاموش شود...» ناگهان کاهو فروش از همه جا بی خبر در تاریکی از زیر پتو یک ذرع به هوا پرید و سراسیمه و خواب زده فریاد زد:

چی شدس؟! کجا سوختس؟! کی بود؟! و کمی که حالش سرجا آمد با غرولند بسیار معترض شد که: ای بابا این وقت شب هم نمی دارن یه چشم بخوابیم! چه خیرس؟! مگه سرآوردی آقا؟! والله مار به آدمی خواب نمی زند...! آخه مسلما، هنو

که خروس خون نَشُدس... و در حالی که جل و پلاسش را جمع می کرد زیر لب غرغر کنان پتویش را خاک کش کرده و می رفت تا در غرفه اختصاصی دیگری جا خش کند...!

پس از اندکی سکوت همگی زدند زیر خنده... آقای «فیوضاتی» نگاه معنی داری به این جانب کرد و دیگران را مخاطب قرار داد و گفت: به به چه مشوقینی! عجب تشویقی...! ما هم بریم بخوابیم. و من نزد همکار خواننده، بقیه کارشناسان و بخصوص آقای مدیر کل و هم چنین کاهوفروش چرت پاره شده، کلی خجالت کشیدم...

نشان دوست نیکو آن است که خطای تو را ببوشاند،
تو را پند دهد و رازت را آشکار نَسازد. ابوعلی سینا



Caroline Nasserri
Accident Lawyer

Sometimes, employers make comments to employees without realizing the impact of their statements. Misconstrued statements may lower employee morale, or worse, result in breach of contract, discrimination or other employee complaints.

Here are some statements to avoid in the workplace:

Promises

Avoid: "Don't worry—you will always have a job with us."

Reason: If you promise an employee permanent employment, you may jeopardize their at-will employment status. "At-will" means you can terminate an employee for any reason, at any time, as long as the reason is a lawful one. To maintain at-will status, it's a best practice to avoid statements that could be interpreted as a promise of future employment. Business conditions may change or the employee's performance may slip, and you will want flexibility to make employment decisions that are in the company's best interest.

Note: There are exceptions to at-will employment created by contract, statute, the courts, or public policy. In addition, at-will employment is recognized in all states but Montana

Avoid: "Money is tight this year so there will be no raises, but we will make it up to you next year."

Reason: While you may have good intentions, an employee may interpret this statement as a promise of continued employment. Additionally, if there isn't money in the budget, or the employee's performance doesn't warrant a raise, don't make a promise that you may be unable to keep.

Harassment

Avoid: "You look great today."

Reason: Comments about an employee's appearance are generally inappropriate, and may be construed as harassment or bullying. Unless your

Never Say This to an Employee!

remark is related to a dress code violation, conversations should focus on an employee's performance, rather than how they look.

Avoid: (Upon receiving a harassment complaint) "They are just having fun—grow a thicker skin."

Reason: Federal, state, and local laws prohibit harassment in the workplace, and employers have a responsibility to take steps to prevent and correct unlawful harassment. Take all harassment complaints seriously and investigate each complaint promptly. If an investigation reveals that a violation occurred, take immediate and appropriate corrective action to remedy the situation.

Discrimination

Avoid: "You wouldn't be interested in that promotion—it requires a lot of travel and you have a family."

Reason: Never make assumptions based on an employee's family status or caregiving responsibilities. Employment decisions based on an employee's caregiving responsibilities may implicate nondiscrimination laws if all employees are not treated fairly and consistently. Focus solely on job-related factors when making employment decisions.

Avoid: "We need to hire someone young to really understand this new technology." "We need younger employees to compete."

Reason: Excluding older workers from certain jobs because of their age could violate nondiscrimination laws. Identify the skills, knowledge, and experience needed for the job and select candidates based on those criteria, not age or another protected characteristic.

Avoid: "Are you pregnant?"

Reason: Even if an employee's pregnancy seems obvious to you, avoid asking the employee whether she is pregnant. Questions about an applicant's or employee's pregnancy are generally viewed as non-job-related and problematic. In addition, an employee is generally under no obligation to inform her employer that she is pregnant unless she is seeking pregnancy-related leave or an accommodation.

Avoid: "You are pregnant? Great, we'll transfer you to a less stressful position and reduce your hours, so you can focus on your baby."

Reason: It's generally not a best practice to make employment decisions based on pregnancy. As long as the employee can perform the essential functions of the job, she has the right to continue working in her current position. Even if the employer has a concern for the health of the pregnant employee or her fetus, the concern will rarely justify sex-specific job restrictions.

Leave of Absence

Avoid: "All this leave you are requesting eventually will have an impact on your job."

Reason: Many federal, state, and local laws give employees the right to job-protected leave and prohibit retaliation against employees who exercise their rights to take leave. Comments like the one above could be interpreted as an attempt to interfere with the employee's right to take leave.

Avoid: "I don't think men should take parental leave. Can't your wife take leave to be with the baby?"

Reason: A number of state and local family and medical leave laws, as well as the federal Family and Medical Leave Act, give both the father and mother the right to leave to bond with a newborn or to care for a child with a serious health condition. Don't deny an employee leave because of his or her gender.

Performance

Avoid: "Your performance was perfect,

so we don't need to do a performance review." "We are too busy to conduct performance reviews this year."

Reason: All employees—from the top performer on down—should receive regular performance reviews. They are important not only for assessing past performance and giving praise when due, but also for establishing goals and communicating performance expectations for the next review period. In addition, they provide documentation to support future employment decisions.

Avoid: "Tell the client I am out of the office—I don't feel like dealing with him." "It is OK to break that rule because I am the boss and I am telling you it is OK."

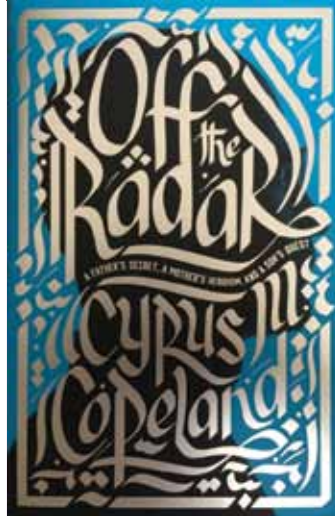
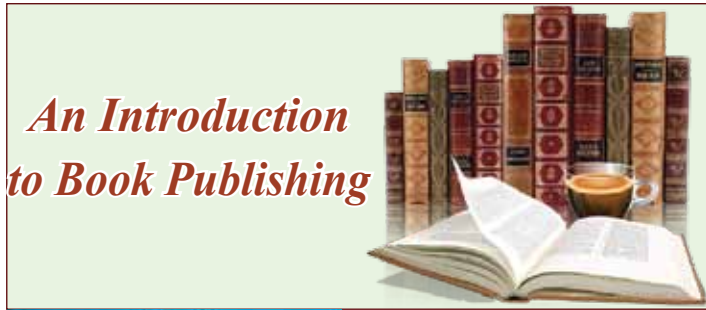
Reason: Employees tend to follow the example set by their leaders. If a supervisor ignores rules or is dishonest, employees might follow suit. To succeed, establish an ethical business culture in which everyone from the chief executive officer to the entry-level employee respects and follows the rules.

Conclusion

No matter how well-intentioned, certain statements made to employees could be misconstrued, creating problems you never intended. When communicating with employees, choose your words carefully, and train your supervisors to avoid statements that could be misinterpreted.

Pezhvak of Persia.
Connect With Consumers
(408) 221-8624
www.pezhvak.com

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
FREE CAR WASH COUPON
@
TOUCHFREEWASH.COM
OPEN 24 HOURS



Off the Radar

Author: Cyrus Copeland

In November 1979, while the world's headlines are focussed on sixty-six American held hostage in Iran's U.S. embassy, another international incident simmers in the background. The story garners a few paragraphs in the Tehran Times, then disappears. Several kilometers from the embassy, an American civilian languishes behind bars, his whereabouts unknown to anyone but his Iranian wife, Shahin. Max Copeland is a quite, academic-minded corporate executive who has been seized by the Revolutionary Guards and charged with a capital crime: espionage. When the State Department and other U.S. agencies prove impotent, Shahin launches her own covert operation to save him. She breaks all the rules of a stringently patriarchal society. But in a country fired up by revolution, the forces against the Copelands are overwhelming.

Set along the fault lines dividing Iran and the United States, *Off the Radar* is an intensely personal story that brings history down to a human scale. It paints a vivid portrait of the chaos after the fall of the Shah and the creation of the Islamic Republic. The Copelad family, with its diverse viewpoints, is a lens onto the dissolving relations between the two countries. Max is a laconic Okie who might be more than the studious administrator he seems. Shahin, the Georgetown-educated daughter of a prominent Iranian family, emerges as a figure of strength, cool headedness, and masterly dexterity. Armed only with her wits and steely resolve, she takes on the power structure of a country roiling with anti-American sentiment and legitimate anger at foreign interference in its affairs.

Written by Max and Shahin's son, *Off the Radar* is a tale of revelation, detailing the mysterious ways in which we come to view our parents. Thirty-five years after his family's ordeal, Cyrus Copeland has searched through the crevices and byways of his father's life to discover what he was really doing in Tehran in 1979 and, more important, who he really was. The truth he uncovers rewrites his view of his father, his family, and family, and the relational axis of two colliding cultures. A bracing investigation of fortitude, secrets, family relations, and the ancient allure of Iran, *Off the Radar* is a dynamic blend of reportage, historical drama, and a son's memoir of his father.

From Persia to Tehrangeles

Author: Kamran Sharareh

For those who have made the journey from Persia to Tehrangeles, much has gotten lost in translation. The younger generation have little idea of the cultural wealth left behind, traditions, customs, religion, art and food creating a painful unnecessary culture gap. Additionally, these Tehrangeles young adults look into their relationships much more deeply than people from Persia have been brought up to do and sometimes have non-persian partner and friends. When the partners marry into a relocated Persian family, they typically know nothing of the customs, language, even foods of their new spouses and in-laws, creating a cultural and generational carries that need not exist.

Continued from Page 59

The 58th...

Far From Men, David Oelhoffen, France

A potent combination of war film and Western, this suspenseful drama stars Viggo Mortensen as a village teacher



Far From Men

attempting to stay out of the conflict over Algerian independence until matters force his hand. With breathtaking landscape vistas and steadily increasing tension, *Far From Men* tells a gripping tale of personal decisions amid political turmoil.

Director David Oelhoffen was born in France. He made several acclaimed short films before embarking on his debut feature *In Your Wake* in 2007. Regarding *Far From Men* and the Camus story it's based on he says, "I felt it could be a universal story rather than a French story, like a Western—a collision of two systems of law, with that savage and powerful landscape."

SAT April 25, 8:15 PM, KABUKI - MON April 27, 6:15 PM, KABUKI - TUE April 28, 3:30 PM, KABUKI **Experimenter** is the closing night movie on Thursday May 7 at Castro Theatre at 7 PM. This inventive and playful biography of scientist Stanley Milgram revisits his famous experiment, in which subjects were made to believe they were administering electric shocks to others in order to test why people will cede to authority, no matter how brutal the request. An examination of scientific ethics, the drama also explores the moral consequences of "just following orders." Anchored by a riveting performance from Peter Sarsgaard as Milgram, iconoclastic genius Michael Almereyda (Hamlet) has delivered a timely and important film about the role of science in our society.

Both the opening and closing night screenings will be followed by celebrations.

For complete film listing and to purchase tickets, please visit the festival web site:

<http://festival.sffs.org/>
And for information about SF film Society and membership, please visit: <http://www.sffs.org/>

The Donkey In The Well

One day a farmer's donkey fell down into a well. The animal cried piteously for hours as the farmer tried to figure out what to do. Finally he decided the animal was old, and the well needed to be covered up anyway; it just wasn't worth it to retrieve the donkey.

He invited all his neighbors to come over and help him. they all grabbed a shovel and began to shovel dirt into the well. At first, the donkey realized what was happening and cried horribly. Then, to everyone's amazement, he quieted down. A few shovel loads later, the farmer finally looked down the well, and was astonished at what he saw.

With every shovel of dirt that hit his back, the donkey was doing something amazing. He would shake it off and take a step up. As the farmer's neighbors continued to shovel dirt on top of the animal, he would shake it off and take a step up. Pretty soon, everyone was amazed as the donkey stepped up over the edge of the well and trotted off!

Lastly, due to the prevailing stereotype of "Iranians as terrorists," there is the loss of potential friendships, and existing relationships suffer from challenges based on not knowing the roots of Persian culture and traditions, keeping non-Persian from knowing the warmth, accomplishments, cultural gifts, and the altruism of the Iranian people. But these relationships don't have to suffer.

From Persia to Tehrangeles is a guide, both for Persians who wish to learn more about their roots, and for non-Persians in a relationship with someone of Persian descent. Through the easy-to-folow education in this book, readers will understand the roots of some of their relationship issues and discover how to resolve them, while discovering the cultural richness that Persians bring to their second home in the United States.





**The 58th
San Francisco
International
Film Festival**



April 23-May 7, 2015

Jamileh Davoudi

The 58th San Francisco International Film Festival will start on April 23 and will run through May 7th at the Sundance Kabuki Cinemas, the Castro Theatre, Landmark's Clay Theatre and the Roxie Theatre in San Francisco and the Pacific Film Archive in Berkeley. Featuring 200 films and live events, the festival this year opens with:

Steve Jobs: The Man in the Machine directed by Alex Gibney (Castro Theatre, 7 PM).

When Steve Jobs died in 2011, the world mourned. But why, asks Alex Gibney, were people who never knew him moved to tears by the death of a businessman

who sold them products? Featuring frank interviews with close friends and former colleagues, the film adds detail, nuance, and counterpoint to the burnished tale of Jobs' journey from garage to corner office, offering a bracingly candid inquiry into his genius and his flaws as well as our own relationship to technology.

There are 2 short films by Iranian directors in competition for Golden Gate Award:

Sormeh, Azadeh Ghochagh, Iran

During the 1979 Iranian revolution, a woman getting ready for a marriage ceremony has to make a quick decision when confronted by a rebel hiding in her building.

Part of Shorts Program 1: SAT

April 25, 6:15 PM, KABUKI –

TUE MAY 5, 9:45PM, KABUKI

Simorgh, Meghdad AsadiLari, USA

A stunningly designed piece that incorporates Persian music, calligraphic art and ornamental designs to tell the traditional Persian story of life that deals with the fragility of self-worth.

Part of Shorts Program 5: SUN April 26, 10 AM KABUKI

There is also an Iranian feature film in competition for New Directors Golden Gate Award:

A Few Cubic Meters of Love, Jamshid Mahmoudi, Iran/Afghanistan

An Afghan refugee and an Iranian metal-punch worker cultivate a clandestine relationship amid the corrugated-metal shacks of undocumented workers in an industrial suburb of Tehran. Like teenagers in love from time immemorial, they are convinced the world will bend to their dreams. A beautifully shot slice of contemporary neorealism, this was Afghanistan's official submission for the Foreign Language Oscar.

Director Jamshid Mahmoudi was born in 1983 in Parvan, Afghanistan, and grew up in Pakistan and Iran. He was inspired to pursue filmmaking by his older brother Navid, who began working on television productions as a teenager. The Mahmoudis have collaborated on four movies for Iranian television, with Navid originating the story and producing and Jamshid writing the screenplay and directing.

A Few Cubic Meters of Love, Jamshid's feature debut, won two Crystal Simorgh awards at the Fajr International Film Festival in Tehran.

FRI April 24, 9:15 PM, KABUKI- SUN MAY 3, 1:00 PM, CLAY

FRI April 24, 9:15 PM, KABUKI- SUN MAY 3, 1:00 PM, CLAY

TUE MAY 5, 1:00 PM, KABUKI

Other films and programs from or about the Middle East are:

An Evening with Nonny de la Peña: Immersive Journalism

Named one of the "13 People Who Made the World More Creative" by Fast

Company, Nonny de la Peña

is leading a field she invented

called immersive journalism

and is changing the way people

experience nonfiction narratives.

Using cutting-edge, virtual re-

ality technology, she immerses

viewers in documentary stories,

allowing them to feel an extraordinary emotional connection as witnesses. Her

project "Gone Gitmo," created in collaboration with artist Peggy Weil and

originally launched in virtual environment Second Life, was a groundbreaking

approach to reporting through virtual experience. Amongst her many projects,

de la Peña's newest VR work, "Project Syria" recreates both a busy street

corner in Aleppo that comes under attack and a refugee camp that grows more

crowded over time. In this talk, de la Peña will present her work, its intents

and consequences and lay out prospects for the future of nonfiction reporting.

MON April 27, 6:30 PM KABUKI

A Borrowed Identity, Eran Riklis, Israel/Germany/France

As the first Arab accepted to a prestigious Jewish boarding school in Jerusalem, young Eyad struggles between two antagonistic worlds to se-

ecure an identity and a purpose for himself. Along the way, he encounters cultural prejudice,

personal compromise, first love and true friendship in this beautifully realized transitional story—

adapted from Israeli-Arab author Sayed Kashua's semi-autobiographical novel—tracing the already complicated journey

from childhood to adulthood during an intense era of conflict in Israel's recent past.

Director Eran Riklis has been active in film since 1975, producing internationally acclaimed features Cup Final, The Syrian Bride, Lemon Tree and Zaytoun, among many short films and television series. Though much of his work has focused on Israel's cultural landscape, Riklis views himself as a world director. **A Borrowed Identity** is his 12th feature film.

SUN April 26, 5:45 PM, KABUKI - TUE April 28, 1:00 PM, KABUKI

TH April 30, 8:30 PM, Pacific Film Archives

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

Continued on Page 58

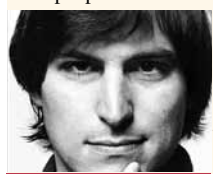
Continued on Page 58

Continued on Page 58

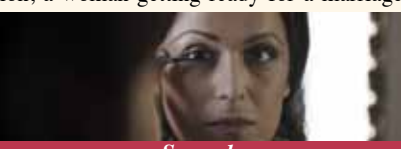
Continued on Page 58



An Evening with Nonny de la Peña: Immersive Journalism



Steve Jobs



Sormeh



Simorgh



A Few Cubic Meters of Love



A Borrowed Identity

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

FREE CAR WASH COUPON

@ TOUCHFREEWASH.COM

OPEN 24 HOURS

Netanyahu blasts Obama's Iran nuclear deal



USA Today: Israel Prime Minister Benjamin Netanyahu took his protest of the Iran nuclear agreement to the U.S. airwaves.

"This deal will both threaten us and threaten our neighbors," Netanyahu said on CNN's State of the Union. Netanyahu, who also appeared on NBC's Meet The Press and ABC's This Week, said the proposal will leave Iran's nuclear infrastructure in place. The Israeli leader spoke days after the U.S., allies and Iran reached the framework of an agreement in which the allies would reduce sanctions on Iran if it gives up the means to make nuclear weapons.

The parties will now try to work out the details of a final agreement, with a deadline of June 30.

President Obama and aides said diplomacy is the only alternative to military action against Iran's nuclear program. In his weekend radio address, Obama said the agreement would deny Iran the plutonium and enriched uranium needed to build a nuclear weapon. "Moreover," Obama said, "international inspectors will have un-

precedented access to Iran's nuclear program because Iran will face more inspections than any other country in the world. If Iran cheats, the world will know it."

In his television appearances, Netanyahu said the United States and its allies should intensify economic sanctions on Iran in order to force it to give up more of its nuclear program. He also questioned the effectiveness of inspections, saying Iran has cheated in the past.

"I'm not trying to kill any deal," Netanyahu said on NBC. "I'm trying to kill a bad deal."

Netanyahu also said the framework will lift sanctions on Iran too quickly, improving its economy. He told ABC that Iranian leaders will use the new money "to pump up their terror machine worldwide." Republican members of Congress have expressed similar skepticism. Iran, meanwhile, says its nuclear program is designed for peaceful energy purposes, not weapons.

In his radio address, Obama said he is looking forward to the debate with critics over Iran.

"As president and commander in chief, I firmly believe that the diplomatic option — a comprehensive, long-term deal like this — is by far the best option," Obama said. "For the United States. For our allies. And for the world."

Governor Brown Directs First Ever Statewide Mandatory Water Reductions

SACRAMENTO: Following the lowest snowpack ever recorded and with no end to the drought in sight, Governor Edmund G. Brown Jr. announced actions that will save water, increase enforcement to prevent wasteful water use, streamline the



state's drought response and invest in new technologies that will make California more drought resilient.

"Today we are standing on dry grass where there should be five feet of snow. This historic drought demands unprecedented action," said Governor Brown. "Therefore, I'm issuing an executive order mandating substantial water reductions across our state. As Californians, we must pull together and save water in every way possible." High resolution photos of previous snow surveys are available here.

For more than two years, the state's experts have been managing water resources to ensure that the state survives this drought and is better prepared for the next one. Last year, the Governor proclaimed a drought state of emergency. The state has taken steps to make sure that water is available for human health and safety, growing food, fighting fires and protecting fish and wildlife. Millions have been spent helping thousands of California families most impacted by the drought pay their bills, put food on their tables and have water to drink.

The following is a summary of the executive order issued by the Governor.

Save Water

For the first time in state history, the Governor has directed the State Water Resources Control Board to implement mandatory water reductions in cities and towns across California to reduce water usage by 25 percent. This savings amounts to approximately 1.5 million acre-feet of water over the next nine months, or nearly as much as is currently in Lake Oroville.

To save more water now, the order will also: Replace 50 million square feet of lawns throughout the state

with drought tolerant landscaping in partnership with local governments; Direct the creation of a temporary, statewide consumer rebate program to replace old appliances with more water and energy efficient models; Require campuses, golf courses, cemeteries and other large landscapes to make significant cuts in water use; and Prohibit new homes and developments from irrigating with potable water unless water-efficient drip irrigation systems are used, and ban watering of ornamental grass on public street medians.

Increase Enforcement

The Governor's order calls on local water agencies to adjust their rate structures to implement conservation pricing, recognized as an effective way to realize water reductions and discourage water waste.

Agricultural water users — which have borne much of the brunt of the drought to date, with hundreds of thousands of fallowed acres, significantly reduced water allocations and thousands of farmworkers laid off — will be required to report more water use information to state regulators, increasing the state's ability to enforce against illegal diversions and waste and unreasonable use of water under today's order. Additionally, the Governor's action strengthens standards for Agricultural Water Management Plans submitted by large agriculture water districts and requires small agriculture water districts to develop similar plans. These plans will help ensure that agricultural communities are prepared in case the drought extends into 2016.

There are also additional actions required by the order.

You have enemies? Good. That means you've stood up for something, sometime in your life.

Winston Churchill

Pezhvak of Persia
(408)221-8624

رستوران سنتی ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

نان تازه تافتون با کباب داغ

دیزی، حلیم، کله پاچه،

میرزا قاسمی و انواع غذاهای سنتی



هفته روز هفته ناهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید

بوفه کامل ۸,۹۹ دلار



رستوران ساقی مجهز به

کادر ورزیده **کیترینگ**،

به جشنها و میهمانی های شما

جلوه بیشتری می دهد!

Catering Saaghi

Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ www.saaghi.com



Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel:(408)298-1500

e-mail: cnasserri62@yahoo.com

Fax:(408)278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112